



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

۶

معلم

رشد

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجوی معلمان، استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره سی و نهم • ۱۳۹۹ • شماره پیدرپی ۳۳۶ • ۴۸ صفحه • ۳۵۰۰۰ ریال

یادگیری شایسته محور



تفکر سیستمی



معلم فناوری



ارزشیابی مجازی





صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا بَنِي آدَمَ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دانا کسی است که قدر خود را بشناسد
و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش را نداند.

خطبه ۱۰۳، نهج البلاغه



- تحول در نظام توانمندسازی معلمان / دکتر عظیم محبی ۲
- معلم، محور عدالت آموزشی / صفرعلی یازلو ۳
- با کفش یا بی کفش؟ / محمد تابش ۶
- تفکر سیستمی / محمدعلی اسماعیل‌زاده‌اصل ۹
- معلم، مدیر جریان یادگیری / ۱۲
- وقتی شاد نیست / حسین کریمی زیوه ۱۳
- کاوش، تعامل، تجربه / روح اله رضاعلی ۱۴
- معلم فناور / مائده ابراهیمی ۱۶
- هدف‌نویسی در بوم / دکتر عظیم محبی ۱۸
- تریت شایسته محور / زری دهقان ۲۰
- از معلم پول بگیرم؟ / طاهره عامری ۲۱
- توانمندسازی معلمان، آغاز تحول / ۲۲
- اینجا گلخانه ماست / دکتر سهیلا فراهانی ۲۴
- یادگیری تیمی / ابراهیم آرزو ۲۶
- کیمیای وجود / دکتر یاسر ملکی ۲۸
- هدایت کلاس / معصومه بدری، دکتر بهمن حوریزاد ۳۱
- ارزشیابی مجازی / سمانه محمدی، جواد محمدلو ۳۳
- یادگیری ماندگار / الهه حدادیان ۳۶
- بچه‌گول‌های چراغ جادو / فرزانه شول ۳۸
- تجربه‌نگاری مشارکت اولیا / منصوره جنابی ۳۰
- بینیم و بنویسیم / حسین حسینی‌نژاد ۴۲
- وقتی بچه‌ها انگیزه ندارند / عادل رضائی‌پور ۴۴
- تدریس رفاقتی / ملیحه اصغری ۴۶
- معرفی کتاب / ۴۸



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیرمسئول: محمدابراهیم محمدی
سردبیر: دکتر عظیم محبی
اعضای شورای برنامه‌ریزی:
احمد اسمعیلی
اکبر شیرزادی
اشرف فاطمی
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: سیدجعفر ذهنی
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهرشمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
roshdmag :
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۲۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست

عکاس جلد: غلامرضا بهرامی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



تحول در نظام توانمندسازی معلمان

مدرسه کانون تربیت است و معلمان و مربیان، با راهبری مدیران مدرسه‌ها، عاملان تربیت و یادگیری دانش‌آموزان هستند. به عبارت دیگر، مأموریت نظام آموزش و پرورش در مدرسه تحقق پیدا می‌کند. لذا معلمان انتظار دارند:

- به صلاحیت تخصصی، عمومی و حرفه‌ای معلمان شود. اعتماد شود.
- زمینه اجرای کامل برنامه ویژه مدرسه (بوم) فراهم شود تا معلمان در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه نقش آفرین باشند.
- نظام آموزش و توانمندسازی معلمان طراحی و اجرایی شود.
- نظام سنجش و ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، براساس شایستگی‌های مورد انتظار مفاد اسناد تحولی، تدوین و اجرا شوند.
- نظام مشارکت معلمان در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی طراحی و اجرایی شوند.
- میزان تحقق اهداف دوره‌های تحصیلی به‌طور دقیق انجام سنجیده شود و بازخورد آن برای معلمان منعکس گردد.
- به عبارت دیگر تحول در مدرسه توسط معلمان نیازمند اصلاح نظام آموزش، نظارت و ارزشیابی معلمان می‌باشد.



معلم، محور عدالت آموزشی

© صفرعلی یازرلو، دانشجوی دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی

وقتی از مدرسه سخن می‌گوییم، یعنی برنامه‌ی درسی و عناصر سازنده‌ی آن، یکی از این عناصر معلم است. بسیار خواننده و شنیده‌ایم که معلم مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی است و با واژگانی همچون ماندگارترین عنصر، عنصر کلیدی تحولات، مهم‌ترین رکن تعلیم و تربیت، محور اصلی پیشرفت نظام تعلیم و تربیت، و مؤثرترین نقش در تربیت نیروی انسانی از آن یاد شده است. نیک می‌دانیم، هریک از این واژگان چه بار معنایی دارند و چه مسئولیت سنگینی بر دوش معلم بار می‌کنند. اما معلم، به‌عنوان محور عدالت آموزشی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

نقش معلم در جامعه

در جوامع انسانی، بنیادی‌ترین کار، تعلیم و تربیت است. کسی که رسالت تعلیم و تربیت را به دوش می‌کشد، «معلم» است. بنابراین، به هرگونه تلاشی که برای هدایت و آموزش انسان به منظور تربیت و تکامل صورت می‌گیرد، معلمی می‌گویند. بر همین اساس پیامبران معلم بشر خوانده می‌شوند.

در نظام آموزشی، کسانی که رسالت آموزش و پرورش فرزندان ما را از دوره کودکی و تحصیلات ابتدایی تا دوره جوانی و تحصیلات عالی بر عهده می‌گیرند، معلم هستند؛ همان انسان‌های شریف، قانع و وظیفه‌شناسی که از سر تعهد و دلسوزی، به ساختن و شکل‌دهی شخصیت و

استعدادهای دانش‌آموزان مشغول‌اند.

عدالت در نظام آموزشی

عدالت یعنی برقرار کردن تعادل، و عدل به معنای واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد؛ یعنی دادن حق هر صاحب حق^۱. اما در نظام آموزشی، یعنی نصیب برابر؟ یعنی بهره‌مندی برابر؛ یعنی مناطق برخوردار و غیربرخوردار همگی به یک اندازه از نظام آموزش و پرورش برخوردار باشند؛ چه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری. این برخورداری ابعاد گوناگونی دارد و در این مقاله مجال پرداختن به همه ابعاد وجود ندارد.

عدالت یا نصیب برابر آموزشی را باید در نحوه استقرار هریک از عناصر برنامه

درسی در مناطق گوناگون جست‌وجو کرد. یکی از عناصر برنامه درسی که مهم‌ترین عنصر نظام آموزشی نیز قلمداد می‌شود، معلم است. موضوعی که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد، آن است که معلم با استقرار عدالت چه نسبتی دارد؟

پیش از پرداختن به نقش معلم در عدالت آموزشی، باید وظیفه آموزش و پرورش در تأمین معلم، به شکلی عادلانه بررسی شود. نظام آموزشی به مثابه هر نظام، از سه مؤلفه درون‌داد، فرایند و برون‌داد تشکیل شده است. یکی از درون‌دادهای مهم نظام آموزشی، معلم است که توسط وزارت آموزش و پرورش گزینش، جذب، تربیت و به‌کار گرفته می‌شود و ارتقای حرفه‌ای او به عهده نظام آموزشی است تا هم بتواند

اثرگذار باشد و هم از قافله پیشرفت جا نماند. این عنصر یگانه باید با ویژگی‌های یکسان به تمام مدرسه‌ها اعزام شود. منظور از ویژگی‌های یکسان، در دو بعد کمی و کیفی است. به عبارت دیگر، هم کلیه کلاس‌ها باید معلم داشته باشند و هم کلیه معلمان به کار گرفته شده باید حداقل کیفیت‌ها را داشته باشند. ویژگی‌ها فردی و شغلی معلم عبارت‌اند از:

- سلامت جسمی و روحی؛
- اشتیاق و انگیزه کاری؛
- سواد علمی و فناورانه (کفایت علمی و فناورانه)؛
- صلاحیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های عمومی برای تعلیم و تربیت؛
- طی دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت (توجیهی، بازآموزی، جبرانی و دانش و مهارت افزایی)؛
- خودراهبری، خودارزیابی و خودکنترلی

کارکردهای معلم

کارکردها یا نقش‌هایی که معلم بر عهده دارد، او را به الگویی بلامنازع تبدیل کرده است. از یک‌سو تدریس علوم و دانش‌های گوناگون را بر عهده دارد و از سوی دیگر عهده‌دار جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان است. از سویی آموزش می‌دهد و از سوی دیگر پرورش روح انسان‌ها را بر عهده می‌گیرد. به تعبیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، او مربی است و کارش تربیت متربی است. هم گفتارش اثربخش است و هم رفتارش الگو قرار می‌گیرد. پس حساس‌ترین نقش را در نظام آموزشی دارد. تصویری که او از عدالت و سایر ارزش‌ها به دانش‌آموزان می‌دهد، همچون نقش روی سنگ، عمیق و ماندگار است.

معلم کارکردهای فراوانی می‌تواند داشته باشد که به برخی از آن‌ها در این مقاله اشاره می‌شوند:

○ عدالت در تدریس

عدالت در تدریس معلم با انتخاب روش تدریس مناسب، می‌تواند جلوه‌ای از عدالت را به نمایش بگذارد. چنانکه بر اساس روش‌های تدریس، معلمان سه

معلم هم گفتارش اثربخش است و هم رفتارش الگو قرار می‌گیرد. پس حساس‌ترین نقش را در نظام آموزشی دارد

دسته‌اند: توضیح‌دهنده، مشارکت‌دهنده و توانمندساز.

به نظر شما کدام روش تدریس به عدالت نزدیک‌تر است؟

معلم توضیح‌دهنده بر موضوع درس تسلط دارد، اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخنرانی و توضیح استوار است. برخی دانش‌آموزان با او همراه هستند. برخی از همراهی معلم ناتوان‌اند.

معلم مشارکت‌دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن، با روش تدریس نیز آشناست. او می‌کوشد از فعالیت‌های جالب بهره بگیرد و دانش‌آموزان را در کارها مشارکت دهد. در عین حال مدیریت صحیحی را در کلاس اعمال می‌کند.

معلم توانمندساز در مرحله عالی حرفه‌ای قرار دارد. او نه فقط موضوع درس و روش تدریس را به‌خوبی می‌شناسد، بلکه به تفکرات و احساسات دانش‌آموزان به‌مثابه دیگر عوامل یادگیری نیز توجه دارد. هدف او به هنگام توضیح درس، مشارکت دادن دانش‌آموزان است و برقراری مدیریت مؤثر بر کلاس درس. او به تفکرات و احساسات پاسخ می‌دهد. چنین معلمی اعتمادبه‌نفس بالایی دارد. به حدی که دانش‌آموزان را در مدیریت کلاس درس سهیم می‌کند یا اینکه کلاس درس را یکسره به آنان می‌سپارد و خود راهنماست. با گفت‌وگو و مشورت با دانش‌آموزان تصمیم می‌گیرد تا در آنان توان یادگیری را عملی سازد (هوشیار، ۱۳۸۶).

معلمی که تمامی این روش‌ها را می‌شناسد و می‌داند هر یک را در چه درسی و در چه کلاسی به کار گیرد و به تعبیری تدریس او مبتنی

بر استانداردهاست و تدریس بر اساس استاندارد، بهبود فرایند کار در آموزش و پرورش است، عادل‌تر است و عدالت را معنا می‌بخشد.

○ عدالت در توجه

توجه معلم به دانش‌آموزان می‌تواند با عدالت یا با بی‌عدالتی همراه باشد. آنجا که برخی دانش‌آموزان بنا بر عللی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و این توجه بیشتر بر محور داشته‌های آنان صورت می‌پذیرد، احساس بی‌عدالتی را در دانش‌آموزان دیگر ایجاد می‌کند. پس در توزیع توجه، عدالت معنا می‌یابد. معلم در این معنا سهیم است.

توجه به زمان آموزش و جلوگیری از هدر رفتن آن از دیگر کارکردهای معلمان است. وقتی از زمان آموزش سخن می‌گوییم، منظور زمانی است که به همه فعالیت‌های آموزشی در یک زمان خاص اختصاص می‌یابد. این زمان صرفاً مخصوص حضور در کلاس نیست، بلکه پیش و پس از کلاس را هم شامل می‌شود.

اما در زمان کلاس هم عدالت باید رعایت شود. یکی از مهم‌ترین حقوق دانش‌آموزان، زمان و فرصت تحصیل آنان است (قراملکی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). آمادگی معلم برای حضور در کلاس، افزایش کیفیت یادگیری در کلاس، نشاط‌انگیز بودن و جذب دانش‌آموزان در کلاس درس، و مدیریت زمان همگی بیانگر عدالت آموزشی هستند. طوری که لحظه‌لحظه کلاس درس واقعا کلاس درس باشد. این بدان معنا نیست که لحظه‌ای نباید آرام گرفت. خیر، از فضا سازی کلاس تا تدریس و ارزشیابی همگی در راستای عدالت هستند و افزایش بهره‌وری در کلاس مدنظر است.

○ محتوای ارائه‌شده و فعالیت‌های

موردنیاز

برخی از معلمان صرفاً به محتوای ارائه‌شده به‌صورت رسمی و کتاب بسنده می‌کنند و برخی برای تداوم آموزش سناریوهای گوناگون دارند. برای برخی از دانش‌آموزان ضروری است از محتواهای خارج از کتاب درسی هم استفاده کرد.

برای آنان باید فعالیت‌های مکمل تدارک دید. این صرفاً به دست توانمند معلم اتفاق می‌افتد و کاملاً شخصی است و در برنامه درسی دانش آموز محور می‌گنجد. آیا معلم برای هریک از دانش آموزان خود برنامه‌ای دارد؟ آیا معلم می‌داند کدام دانش آموز به فعالیت‌های مکمل نیاز دارد؟ آیا معلم می‌تواند دانش آموزانی را که فعالیت کمتری دارند به فعالیت وادارد، یا به کتاب و فعالیت دانش آموز بسنده می‌کند؟

ارائه و بررسی تکالیف و بازخوردهای مناسب

یکی از وظایف معلم ارائه تکالیف درسی برای تکمیل فرایند آموزش و تعمیق مفاهیم درسی است، اما صرف ارائه تکلیف مدنظر نیست و معلم باید تکالیف انجام شده را به طور کامل بررسی کند و بازخوردهای لازم را ارائه دهد. در غیر این صورت، کوتاهی در هر مرحله به معنای آن است که عدالت را قربانی کرده‌ایم. پر واضح است که زمان لازم برای این موضوع باید در اختیار معلم باشد.

واداشتن دانش آموزان به تفکر و تعقل

نخستین مؤلفه اخلاق حرفه‌ای معلمی، تلاش برای پرورش اندیشه انسان‌هاست. دین اسلام بر مسائلی از قبیل علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸).

شهید مطهری می‌گوید: معلم نباید یک سلسله معلومات را به صورت حفظی در ذهن کودک جای دهد. مهم به تفکر و تعقل واداشتن کودک است در مورد یاد گرفته‌ها؛ زیرا معلومات بدون تعقل و تفکر نوعی جهل است (ضمیری، ۱۳۸۰).

توجه به رفتار و گفتار خود به عنوان الگوی عملی برای دانش آموزان

از اندیشه شهید مطهری می‌توان نتیجه گرفت در روابط انسانی در تعلیم و تربیت می‌توان به تأثیرگذاری تربیتی بین (مربی و متربی) و (متربی‌ها با یکدیگر) جهت بهتری بخشید. اگر فقط جاذبه

داشته باشیم، همه انسان‌ها با هر نوع فکر و اندیشه‌ای وارد می‌شوند و مرز حق و باطل در نظر انسان‌ها با هم خلط می‌شود. اگر فقط دافعه باشد، امکان و فرصت تأثیرگذاری، آدم سازی و توسعه امت اسلامی از دست می‌رود. هیچ‌یک از این دو حالت با وظیفه و رسالت مسلمانی سازگار نیست (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۲). دومین اصلی که در تعلیم و تربیت اسلامی و در ذیل اخلاق حرفه‌ای معلمی باید رعایت شود، اعتدال است.

آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان متعادل تربیت شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کند. امت میانه و متعادل یعنی امتی که در هیچ امری، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی‌کند و همه برنامه‌هایش در حد اعتدال است (شکریان، ۱۳۸۸: ۵۵).

تکمیل پرونده تحصیلی و یادگیری دانش آموزان (در دوره ابتدایی توسط یک معلم و در دوره متوسطه به صورت درس به درس و توسط چند معلم)

رسیدگی به مسائل آموزشی و پرورشی دانش آموزان

آگاهی از شغل و اجرای آگاهانه وظیفه

پیگیری امور مربوط به امکانات و فناوری‌های آموزشی و درخواست تجهیز کلاس درس

توجه به ارتقای علمی و به روزآوری معلومات و مهارت‌های حرفه‌ای

توجه به ساخت و ترکیب کلاس درس از بعد روانی (توجه به بعد روانی کلاس درس)

بایدها

تأمین نیرو به عهده آموزش و پرورش است. پس باید تأمین نیرو صورت پذیرد.

نیرو باید کیفیت لازم را داشته باشد و این وظیفه آموزش و پرورش است.

معلم باید خود راهبر، خود ارزیاب و خودکنترل باشد و این وظیفه شخصی اوست.

معلم باید عاشقانه کار کند نه به عنوان وظیفه.

استانداردهای لازم (تراکم، گرمایش، سرمایش، تجهیزات و امکانات) در خصوص مدرسه‌ها و کلاس‌های درس باید تأمین شود.

زمینه‌های لازم استقرار عدالت توسط خانواده مهیا شود.



بنا بر آنچه گفته شد، معلم در نظام آموزشی محور همه تحولات و پیشرفت‌ها و همچنین محور عدالت است. بنابراین، چه از حیث جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی، چه از حیث کارکردی و نقش معلم در جامعه و نظام آموزشی، معلم محور عدالت است و اگر بخواهیم عدالت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، باید سه محور ذیل به صورت هم‌زمان صورت پذیرند:

تأمین استانداردهای آموزشی و پرورشی اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توسط آموزش و پرورش

تعهد شغلی و انسانی معلمان کشور عزیزمان ایران

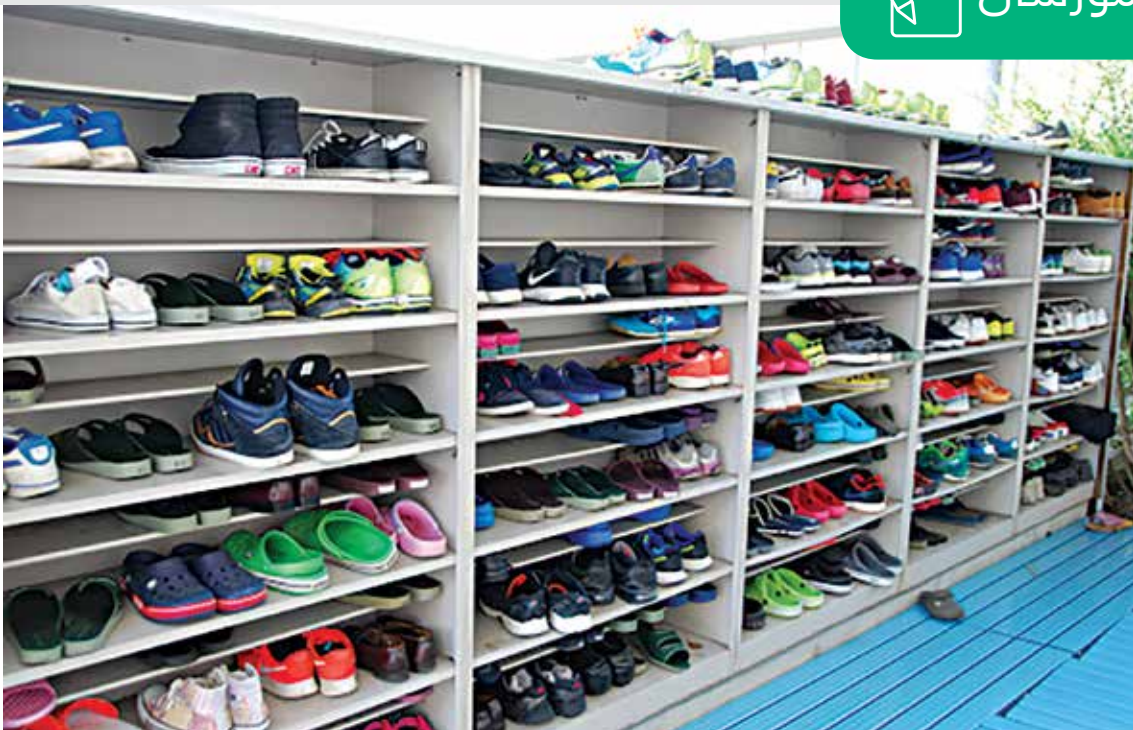
آمادگی دانش آموزان و پشتیبانی و حمایت خانواده‌ها

پی‌نوشت‌ها

- تفسیر نمونه، ذیل آیه ۹۰، سوره نحل
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع مدیران آموزش و پرورش در تاریخ ۹۹/۶/۱۳

منابع

- دانشنامه اسلامی به نشانی <http://wiki.ahlolbait.com/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA>
- شکریان، مریم؛ (۱۳۸۸). نقش تربیتی اعتدال در قرآن و نهج البلاغه. فصلنامه قرآنی کوثر. شماره ۳۳.
- فرامرزی قراملکی، احد و دیگران؛ (۱۳۹۵). اخلاق حرفه‌ای در مدرسه. چاپ اول. دانش آفرین.
- مطهری، مرتضی؛ (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام. صدرا. تهران.
- ملکی، حسن؛ (۱۳۸۳). «اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری». مجله مصباح. شماره ۱۰۳.
- هوشیار، صدیقه؛ (۱۳۸۶). معلم، مدیریت کلاس، موانع و راهبردها. پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان.



با کفش یا بی کفش؟

دوراهی‌ها در معماری مدرسه‌های کارآمد

محمد تاپش، طراح و پژوهشگر در زمینه معماری مدرسه‌ها

اینکه دانش‌آموزان در بدو ورود به ساختمان مدرسه کفش‌های خود را از پا درآورند و در یک جاکفشی قرار بدهند و در فضاهای مدرسه بدون کفش یا با یک پاپوش دیگر تردد کنند، از موضوعات مورد بحث در بعضی مدرسه‌هاست که موافقان و مخالفان خود را دارد و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تأثیرات انتخاب هر یک از مسیرهای دوراهی مدرسه بدون کفش یا با کفش، در معماری هم بسیار گسترده است. بهتر است بگوییم به یکی از دوراهی‌هایی رسیده‌ایم که قبل از انتخاب مسیر باید به خوبی فکر و همه جوانب کار را بررسی کنیم. این بررسی و تصمیم‌گیری درباره آن، از شرایط انتشار ویروس کرونا یا کووید ۱۹ تأثیر قابل توجهی می‌پذیرد. اما از آنجا که امید داریم این شرایط به‌زودی به وضع به‌نسبت عادی بازگردد، بحث ما تا حدودی مستقل از شرایط به‌اصطلاح کرونایی این روزها چارچوب‌بندی می‌شود.

رسم بر این بود که افراد روی زمین بنشینند و دور استاد حلقه بزنند. محیط مکتب‌خانه‌ها معمولاً دکان یا اتاق بزرگی بود که در آن حصیر یا نمد انداخته می‌شد و مدرس یا استاد پشت یک میز کوتاه و روی زمین می‌نشست. در مکتب‌خانه، شاگردان در کنار یکدیگر و دورتادور معلم، بدون کفش روی تشکچه می‌نشستند و یکی دو ساعت درس می‌خواندند.

بیشتر مردم ما در زندگی خانگی خود بدون کفش هستند. اما این شرایط تا چه حد می‌تواند در مدرسه هم پیاده شود؟

کفش و مکتب‌خانه

در گذشته، در مکتب‌خانه‌ها قاعده کلی مبتنی بر این بود که استادان و شاگردان قبل از ورود به محل درس و بحث، کفش را از پا درمی‌آوردند.

پیشینه موضوع در ایران و جهان خانه ایرانی، بدون کفش

در فرهنگ زندگی ایرانی که در سنت پیشینیان ما ریشه بسیار دیرینه‌ای دارد، محیط زندگی در خانه‌های ایرانی بدون کفش فرض می‌شود. حتی امروزه در فرهنگ آپارتمان‌نشینی هم در بیشتر منازل به همین منظور، در بدو ورود، محلی به‌عنوان کفشکشی پیش‌بینی می‌شود یا یک جاکفشی وجود دارد.

کفش و مدرسه‌ها

این موضوع در مدرسه‌های امروزی که حدود یک‌صد سال از به پا شدن آن‌ها می‌گذرد، به شکل دیگری بدل شده است. زمان حضور افراد در شرایط عادی به حداقل یک نیمروز افزایش پیدا کرده و حتی در برخی مدرسه‌ها از اولین ساعات صبح تا پایان روز هم می‌توان شاهد حضور دانش‌آموزان در مدرسه بود. هر چند در این روزها به خاطر شیوع ویروس کرونا، این حضور به حداقل ممکن رسیده است، اما همان‌گونه که اشاره شد، بررسی‌های ما در این مقاله بیشتر معطوف به شرایط عادی است که امید داریم به آن شرایط بازگردیم. با این فرض، حضور طولانی دانش‌آموزان در شرایط عادی در مدرسه، یکی از موضوعاتی است که باید حتماً مورد توجه قرار گیرد.

یکی دیگر از اتفاقاتی که در مدرسه‌ها و پس از مکتب‌خانه‌ها دیده می‌شود، وجود میز و نیمکت‌هایی است که معمولاً سنگین هستند و جابه‌جایی آن‌ها روی یک سطح فرش شده دشوار است. از این‌رو، در بیشتر این مدرسه‌ها افراد با کفش تردد می‌کنند. این اتفاق حتی به بعضی از مدرسه‌های علمیه یا حوزه‌های علوم دینی هم سرایت پیدا کرده است. امروزه در مدرسه‌های ما هر دو رویکرد مشاهده می‌شود. در برخی مدرسه‌ها دانش‌آموزان بدون کفش حضور دارند، اما در بیشتر آن‌ها افراد در بیشتر فضاها با کفش تردد می‌کنند و فقط در فضاهایی مانند نمازخانه کفش خود را درمی‌آورند.

پوشیدن کفش در فرهنگ ژاپنی

اما وضعیت پوشیدن یا نپوشیدن کفش



در مدرسه‌های سایر نقاط جهان هم جالب توجه است. در حالی که در بعضی از نقاط جهان پوشیدن کفش با سنت‌ها و فرهنگ حاکم سازگار است، در برخی دیگر از نقاط هم در تعارض و مغایر است. یکی از کشورهایی که می‌توان گفت فرهنگ کفش نپوشیدن در خانه توانسته است تا حدودی به مدرسه‌های آن هم سرایت کند، کشور ژاپن است. مسئولیت نظافت در مدرسه‌های دولتی ژاپن به عهده خود دانش‌آموزان است و کسی را به این منظور استخدام نمی‌کنند. این موضوع آثار تربیتی مناسبی در زمینه مسئولیت‌پذیری و برخی مهارت‌های زندگی در بر دارد که البته از موضوع این مقاله خارج است. اما اولین کاری که به نظافت مدرسه و محافظت از کف پوش‌های آن کمک می‌کند، همین درآوردن کفش در بدو ورود به ساختمان مدرسه است. در تعداد قابل توجهی از مدرسه‌های ژاپن، همه افراد مدرسه، از مدیران و معلمان تا تک‌به‌تک دانش‌آموزان آن، پس از درآوردن کفش‌های خود و قرار دادن آن‌ها در جعبه‌ای که «کتاباکو» می‌نامند، دمپایی یا کفش مخصوص سرپوشیده‌ای را که به آن «یواباکی» می‌گویند به پا می‌کنند تا پا را از سرما و سطوح سخت زمین محافظت کنند. این اتفاق، از همین فرهنگ در خانه‌های ژاپنی برخاسته است. مردم سنتی ژاپن به خوردن غذا

در مدرسه‌های سایر نقاط جهان هم جالب توجه است. در حالی که در بعضی از نقاط جهان پوشیدن کفش با سنت‌ها و فرهنگ حاکم سازگار است، در برخی دیگر از نقاط هم در تعارض و مغایر است. یکی از کشورهایی که می‌توان گفت فرهنگ کفش نپوشیدن در خانه توانسته است تا حدودی به مدرسه‌های آن هم سرایت کند، کشور ژاپن است. مسئولیت نظافت در مدرسه‌های دولتی ژاپن به عهده خود دانش‌آموزان است و کسی را به این منظور استخدام نمی‌کنند. این موضوع آثار تربیتی مناسبی در زمینه مسئولیت‌پذیری و برخی مهارت‌های زندگی در بر دارد که البته از موضوع این





خروج اضطراری و گره ترافیکی در کفشکنی!

پرواضح است که در شرایط اضطراری، تخلیه یک مدرسه بدون کفش، با چالش خروج در هنگام رسیدن به مرحله به پا کردن کفش‌ها روبه‌رو می‌شود. در زمانی که کل جمعیت مدرسه لازم است به اضطرار و با سرعت از مدرسه خارج شوند، این موضوع بسیار اهمیت پیدا می‌کند.

عوارض تربیتی

اگر در یک مدرسه فضاها فرش شده باشند و کف کلیه فضاها پاکیزه باشند، به‌طور طبیعی احتمال دراز کشیدن دانش‌آموزان در زمان خستگی در گوشه و کنار محیط مدرسه زیاد می‌شود؛ هر چند این اتفاق کوتاه‌مدت باشد. با توجه به اینکه برخی از فضاهای مدرسه موقعیت‌هایی رسمی هستند و چه بسا محل تردد معلمان و همچنین اولیای دانش‌آموزان، این رویداد در این فضاها زیبنده و خوشایند نیست.



اما آیا این نگرانی‌ها قابل تقلیل یا زدودن نیستند؟ آیا مزایای مدرسه بدون کفش به اندازه‌ای هست که بتواند معایب آن را قابل اغماض کند؟ در شماره آینده، ضمن بررسی این نگرانی‌ها و پرداختن به مزایای مدرسه بدون کفش، به‌منظور جمع‌بندی موضوع برای افزایش آگاهی لازم در انتخاب مسیر در این نوع از دوره‌های تلاش خواهیم کرد. نظر شما در این باره چیست؟ شما نیز می‌توانید تجربه‌های مدرسه‌ای خود در این زمینه را به کمک رایانامه مجله رشد معلم با ما به اشتراک بگذارید. ■

مدرسه‌های بدون کفش در تحقیقات بین‌المللی و تجربه‌های داخلی را به شماره بعد ماکول می‌کنیم.

بهداشت و آلودگی کفپوش‌های پرزدار

در مدرسه بدون کفش، کفپوش‌های پرزدار، مانند فرش و موکت، به تدریج آلوده می‌شوند و علاوه بر اینکه نظافت آن‌ها دشوار است، بهداشت عمومی مدرسه نیز آسیب می‌بیند. این کفپوش‌ها از بوی بد پاهای بدون کفش نیز بی‌نصیب نیستند و چه بسا تا مدت‌ها بوی نامطبوع از آن‌ها احساس شود! این موضوع یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها برای تصمیم‌گیری در این زمینه است.

آسیب‌های فیزیکی رفت‌وآمد بدون کفش روی کفپوش‌ها یا سطوح سخت

تردد بدون کفش و حتی نشستن طولانی‌مدت روی زمین سفت و سطوح سخت، به تدریج به مفاصل پا و کمر آسیب می‌زند. سطوح سنگی، سرامیکی، کفپوش‌های پی‌وی‌سی و لمینیت و مانند آن‌ها در زمره سطوح سخت قرار دارند. البته این نوع سطوح و کفپوش‌ها از نظر امکان نظافت کردن، در شرایط عادی قبل از انتشار ویروس کرونا، از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند، ولی در شرایط امروز، با اینکه ضدعفونی کردن و ویروس‌زدایی آن‌ها چندان مشکل نیست، اما قبل از ضدعفونی، ویروس‌ها برای مدت زمان بیشتری روی این سطوح باقی می‌مانند.

روی زمین عادت دارند. بنابراین، هنگام ورود به خانه، کفش خود را درمی‌آورند تا از کثیف شدن کف اتاق جلوگیری شود. این موضوع در جامعه سنتی ژاپن، تا حدود زیادی در خانه و مدرسه با یکدیگر هماهنگ و هم‌راستا است.

کفش و مدرسه‌ها در اروپا

دوره‌های پوشیدن یا نپوشیدن کفش در مدرسه‌های کشورهای اروپایی وضعیت‌های گوناگونی دارد. مثلاً در کشورهای حوزه اسکاندیناوی، مانند فنلاند و دانمارک، نپوشیدن کفش یا تعویض کفش بیرونی با کفش یا صندل داخلی امری رایج و شایع است. در برخی از مدرسه‌های انگلیسی هم دانش‌آموزان و معلمان در ابتدای ورود به مدرسه کفش‌های خود را در می‌آورند و با پای پوشیده با جوراب یا صندل در مدرسه رفت‌وآمد می‌کنند.

این اتفاقات الزاماً با فرهنگ رایج در خانه‌ها هماهنگی ندارد. جالب است که حتی در بعضی از کشورهای اروپایی مانند اسپانیا و ایتالیا که استفاده از کفش‌های بیرونی در داخل خانه و حتی روی تخت خواب هم رواج دارد، در برخی مدرسه‌ها، نظریه مدرسه بدون کفش را آزموده‌اند و براساس تحقیقات، یادگیری و رفتار دانش‌آموزان بهبود یافته است.

در ارتباط با تحقیقات بین‌المللی انجام‌شده در این زمینه، در شماره بعد به تفصیل خواهیم گفت. اما در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم که موضوع پوشیدن یا نپوشیدن کفش در مدرسه‌ها در همه جای دنیا به‌عنوان یک دوره‌های چالشی مورد توجه قرار دارد و حتی در کشورهایی که فرهنگ رایج در خانه‌های آن‌ها با پوشیدن کفش سازگار است، مدرسه‌های زیادی وجود دارند که دانش‌آموزان در آن‌ها بدون کفش تردد و تحصیل می‌کنند.

برخی نگرانی‌ها از مدرسه‌های بدون کفش

در اینجا به شکلی خلاصه به برخی از نگرانی‌ها درباره مدرسه‌های بدون کفش اشاره می‌کنیم و امکان پاسخ‌گویی به این نگرانی‌ها و همچنین پرداختن به مزایای





تفکر سیستمی

محمدعلی اسماعیل زاده اصل، مدرس دانشگاه

تفکر سیستمی نوعی پارادایم (اساسنامه و چارچوب) فکری است که جهان را به صورت سیستم‌هایی به هم پیوسته و درهم تنیده می‌بیند. از مهم‌ترین مزایای رویکرد تفکر سیستمی، تولید ابزارهایی برای شناخت و حل ساختاری مسائل است؛ ابزارهایی که در آن‌ها، تعداد قابل توجهی از مهارت‌های تفکر، به صورت هم‌زمان و کاربردی، به کار بسته می‌شوند.

حل مسئله در سطح «رویداد» از نوع «واکنشی» و در سطح «روند» از نوع «تطبیق» با روند موجود است. در سطح «ساختار»، حل مسئله از طریق اصلاح ساختارهای موجود به گونه‌ای است که «روند» فعلی به سمت «روند مطلوب» پیش برود. در سطح «مدل‌های ذهنی» هم، حل مسئله با تغییر نگرش، اهداف و معیارهای تصمیم‌گیری انجام می‌شود که عمق بیشتری از یادگیری و اثرگذاری را به همراه دارد.



نمودارهای رفتار در طول زمان

«نمودارهای رفتار در طول زمان» ابزاری برای شناخت بهتر «رفتار سیستم» هستند. در این نمودارها محور افقی گذشت زمان را نشان می‌دهد و محور عمودی تغییرات عوامل مورد نظر در طی زمان را نشان می‌دهد.

با این حال، زمانی که با یک مسئله پیچیده مواجه باشیم، شناخت مسئله و شناخت ساختاری که آن را به وجود آورده است، کار آسانی نیست. حتی اگر ساختار سیستم را هم بشناسیم، در بسیاری از موارد نمی‌توانیم به صورت شهودی و بدون استفاده از ابزارهای تفکر سیستمی، متوجه شویم هر اقدامی چه نتایج خواهد داشت. محققان حوزه «تفکر سیستمی» و «دینامیک سیستم‌ها» در طی سالیان ابزارهایی را توسعه داده‌اند که به کمک آن‌ها بهتر بتوانیم مسئله‌ها و ساختار سیستم‌ها را بشناسیم و راه‌حل‌های موثرتری برای دستیابی به اهدافمان پیدا کنیم. در این مقاله برخی از این ابزارها را معرفی می‌کنیم.

کوه یخ

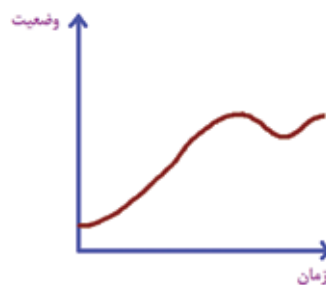
«کوه یخ» ابزاری برای شناخت و تحلیل مسئله است. این ابزار مسئله را در چهار سطح «رویداد»، «روند»، «ساختار» و «مدل ذهنی» بررسی می‌کند و در هر سطح، رویکرد متفاوتی به «حل مسئله» ارائه می‌کند.

زیربنای تفکر سیستمی این است که این عوامل درون سیستم هستند که در تعامل با هم، رفتار سیستم را به وجود می‌آورند. مثلاً وقتی مدیر مدرسه‌ای که نگاه سیستمی دارد، عملکرد دانش‌آموزان مدرسه را بررسی می‌کند، تمرکزش بر این است که چگونه با بازطراحی ساختارهای مدرسه می‌تواند عملکرد دانش‌آموزان را بهبود دهد. چنین ساختارهایی می‌توانند ساختار طراحی محتوای آموزشی، ساختار ارتباط اولیا و مربیان، ساختار ارزیابی و امتحانات، ساختارهای انگیزشی برای معلمان و دانش‌آموزان و ساختارهای دیگری مانند آن‌ها باشند.

باور به اینکه «رفتار سیستم» ناشی از «ساختار سیستم» است، باعث می‌شود در مواجهه با یک مسئله و به منظور حل آن، به دنبال شناخت ساختار سیستمی باشیم که این مسئله را به وجود آورده است. در این صورت، قدم بعدی این خواهد بود که متوجه شویم چه اقدام‌هایی باعث اصلاح ساختار و بهبود رفتار سیستم می‌شوند و ما را به اهدافمان نزدیک‌تر می‌کنند.

این نمودارها همچنین ابزار مناسبی برای تقویت مهارت «تفکر در طول زمان» هستند. این مهارت باعث می‌شود به جای تمرکز بر رویدادها، به «روند» شکل‌گیری آن‌ها در طی زمان و در واقع به «رفتار سیستم» توجه کنیم. «تفکر در طول زمان» مهارت ایجاد ارتباط بین «رویداد»های گوناگون و دیدن «روند»هایی است که در طی زمان در حال شکل گرفتن هستند.

افرادی که این مهارت را دارند، علاوه بر توجه به شرایط موجود، می‌توانند روندی را که در گذشته شکل گرفته و ما را به وضع موجود رسانده است، شناسایی کنند. این مهارت ایده‌هایی هم برای روندهای آینده و مسیر نیل به اهداف به‌دست می‌دهد.



نمودارهای علت و معلولی

نمودارهای علت و معلولی ابزاری ساده برای نشان دادن ارتباط بین اجزای سیستم هستند. این نمودارها با استفاده از فلش‌هایی، نشان می‌دهند چه عواملی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و نوع اثر آن‌ها چگونه است. همچنین، می‌توانند حلقه‌های مثبت و منفی را در سیستم نشان دهند. حلقه‌های مثبت به ایجاد «رشد نمایی» منجر می‌شوند و حلقه‌های منفی نقش کنترلی دارند و رفتار «هدف‌جو» را در سیستم‌ها به‌وجود می‌آورند.

مثلاً در این نمودار می‌بینیم، وقتی هدف دستیابی به «کیفیت آموزش مورد انتظار» باشد، از دو راه می‌توانیم به این هدف دست پیدا کنیم: یا

افزایش «کیفیت آموزش» یا کاهش «کیفیت آموزش مورد انتظار».



قواعد علامت‌گذاری نمودارهای علت و معلولی

هر کمان ارتباط بین یک علت و یک معلول را نشان می‌دهد. جهت فلش از سمت علت به سمت معلول است.

علامت (+) روی کمان: رابطه علت و معلولی که «تغییرات متغیر اول، اثری هم‌جهت بر متغیر دوم دارد» و یا «متغیر اول به متغیر دوم اضافه می‌شود».

علامت (-) روی کمان: رابطه علت و معلولی که «تغییرات متغیر اول اثری خلاف جهت بر متغیر دوم دارد» و یا «متغیر اول از متغیر دوم کم می‌شود».

علامت (+) داخل حلقه: چرخه بازخوردی که هر تغییر را در خودش تقویت می‌کند.

علامت (-) داخل حلقه: چرخه بازخوردی که هر تغییری را به سمت رسیدن به تعادل می‌برد.

کهن الگوهای سیستمی

کهن الگوهای سیستمی بعضی از ساختارها و روش‌های تصمیم‌گیری متداول و چگونگی عملکرد آن‌ها را نشان می‌دهند. با استفاده از این الگوها می‌توانیم با دیدن نشانه‌های مسائل، به ساختارهای شکل‌دهنده آن‌ها پی ببریم و با اصلاح این ساختارها، مؤثرترین روش‌ها را برای حل مسائل به‌کار ببریم. توجه به این نکته ضروری است که این الگوها صرفاً مبنای اولیه‌ای برای تشخیص هستند و برای هر مسئله، باید عوامل و

روابط دیگری که در آن مسئله خاص اثرگذارند، در نظر گرفته شوند.

مثلاً کهن الگوی «موفقیت برای موفق» ساختاری را نشان می‌دهد که طی آن افراد تمایل دارند منابع بیشتری در اختیار کسی قرار دهند که موفقیت بیشتری به‌دست آورده است. به این ترتیب، افرادی که در مراحل ابتدایی موفقیتی به‌دست می‌آورند، مسیرشان برای کسب موفقیت‌های بعدی هموار می‌شود و افرادی که در مقایسه با آن‌ها در مراحل اولیه عقب مانده‌اند، در ادامه مسیر هم عقب نگه داشته می‌شوند. این منبع مشترک می‌تواند حتی غیر مادی باشد؛ مانند «توجه معلم به دانش‌آموزان».

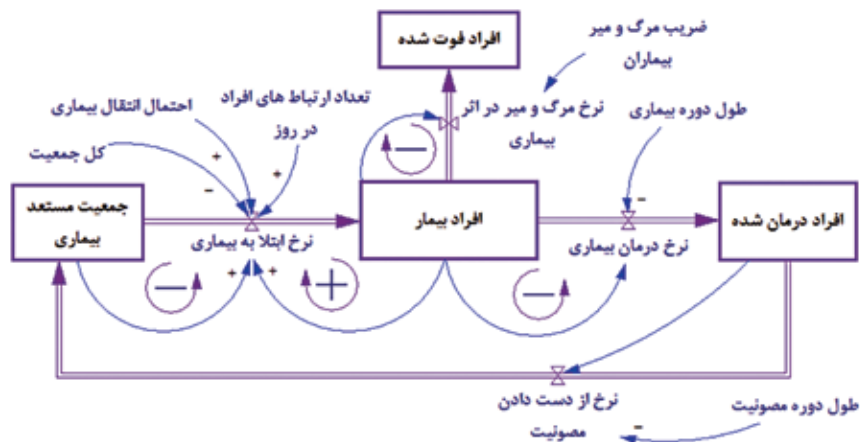
کاربرد کهن الگوهای «تشدید رقابت»، «موفقیت برای موفق»، «درمان‌های بدتر از درد» و «تنزل اهداف» در آموزش و پرورش، در شماره‌های قبلی مجله رشد معلم معرفی شده‌اند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۶).



نقشه‌های نرخ و حالت

نقشه‌های نرخ و حالت، ابزار دقیقی برای مدل‌کردن سیستم‌ها بر پایه «تفکر عملیاتی» هستند. تفکر عملیاتی بر «چگونگی‌ها» تمرکز دارد و به دنبال این است که نشان دهد چگونه «ساختار سیستم» به‌طور «درونزا» باعث به‌وجود آمدن «رفتار سیستم» می‌شود.

متغیرهای کلیدی در نقشه‌های نرخ و حالت، «متغیرهای حالت» و «متغیرهای نرخ» هستند. «متغیرهای حالت» مخزن‌هایی در سیستم هستند که در طی زمان چیزی در آن‌ها انباشته می‌شود. «متغیرهای نرخ» اقدام‌هایی در سیستم هستند که موجب پر یا خالی شدن متغیرهای حالت می‌شوند و ارتباط بین متغیرهای حالت متفاوت را برقرار می‌کنند. این متغیرها می‌توانند متغیرهای فیزیکی مثل ساختمان و



رفتار آن‌ها به صورت «درونزا» و بر پایه متغیرهای حالت و نرخ اصلی سیستم شکل می‌گیرد.

از نتایج شبیه‌سازی رایانه‌ای برای شناخت رفتار مدل و حساسیت آن نسبت به عوامل بیرونی می‌توانیم استفاده کنیم. به این ترتیب، این امکان به وجود می‌آید که سیاست‌های پیشنهادی را قبل از اجرا در دنیای واقعی، در رایانه شبیه‌سازی کنیم و نتایج آن را ببینیم. هدف از این کار آن است که سیاست‌هایی را انتخاب کنیم که هزینه کمتر و اثرگذاری بیشتری داشته باشند. به چنین سیاست‌هایی نقاط اهرمی سیستم گفته می‌شود که مانند اهرم‌ها، امکان جابه‌جایی جرم‌های بزرگ با نیروی کم را امکان‌پذیر می‌کنند.

از این نرم‌افزارها همچنین می‌توان به سادگی برای آموزش مباحث ریاضی و علوم به دانش‌آموزان استفاده کرد. ■

منابع

۱. لیلی، محمدحسین. حل مسئله در کلاس درس. تمرین کوه یخ در چهار گام. مجله رشد معلم، دوره ۳۷، شماره ۱ تا ۴. مهر تا دی ۱۳۹۷.
۲. محمدعلی، اسماعیل‌زاده‌اصل. کهن الگوی تشدید رقابت: دام رقابت. مجله رشد معلم، دوره ۳۶، شماره ۱. مهر ۱۳۹۶.
۳. محمدعلی، اسماعیل‌زاده‌اصل. کهن الگوی موفقیت برای موفق: کارخانه‌های کاریکاتورساز. مجله رشد معلم، دوره ۳۶. شماره ۲. آبان ۱۳۹۶.
۴. محمدعلی، اسماعیل‌زاده‌اصل. کهن الگوی درمان‌های بدتر از درد: درمان‌های بدتر از درد. مجله رشد معلم، دوره ۳۶. شماره ۳. آذر ۱۳۹۶.
۵. محمدعلی، اسماعیل‌زاده‌اصل. کهن الگوی تنزل اهداف: قورباغه پخته. مجله رشد معلم، دوره ۳۶. شماره ۴. دی ۱۳۹۶.

می‌شوند، یا با کمال تأسف جان خود را از دست می‌دهند و به مخزن «افراد فوت‌شده» می‌روند. «افراد درمان شده» ممکن است تا مدتی نسبت به بیماری مصون باشند و پس از آن دوباره مستعد بیماری شوند. با مدل‌سازی سیستم‌ها به این روش، نسبت به «چگونگی» عملکرد سیستم و نقاط تصمیم‌گیری فهم بهتری پیدا می‌کنیم.

نرم‌افزارهای شبیه‌سازی سیستم‌های پویا

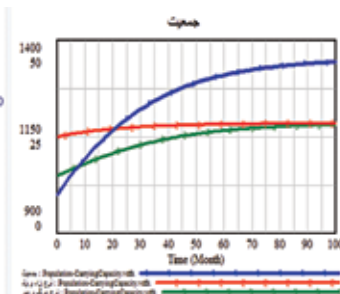
نرم‌افزارهای رایانه‌ای متعددی برای شبیه‌سازی سیستم‌های پویا طراحی شده‌اند. یکی از مشهورترین این نرم‌افزارها که نسخه رایگان آن هم برای فعالیت‌های آموزشی در دسترس است، نرم‌افزار «ونسیم» است.

شبیه‌سازی در این نرم‌افزارها بر پایه «نقشه‌های نرخ و حالت» انجام می‌شود. برای مقداردهی به متغیرهای حالت، فقط کافی است مقدار اولیه آن‌ها را بدانیم. برای تعیین مقدار متغیرهای نرخ هم باید مشخص کنیم چگونه مقدار آن‌ها بر پایه متغیرهای حالت درون سیستم تعیین می‌شود. به این ترتیب، مدل‌هایی خواهیم داشت که

تجهیزات مدرسه یا متغیرهای نرم مثل دانش و انگیزه معلمان و دانش‌آموزان باشند.

مثلاً در چرخه آب، «اقیانوس‌ها و دریاها» متغیرهای حالتی هستند که آب را در خود نگه می‌دارند. «تبخیر آب» متغیر نرخ است که بخشی از این آب را به متغیر حالت دیگری منتقل می‌کند که «ابر» نامیده می‌شود. «بارش برف» متغیر نرخ دیگری است که قطرات آب را از مخزن ابر به متغیر حالت دیگری که «یخچال‌های کوهستان» هستند، منتقل می‌کند. با آب شدن این مخزن‌ها، جریان دیگری به نام «رود» شکل می‌گیرد که قطرات آب را به نقاط دیگری منتقل می‌کند. همچنین، انسان‌ها می‌توانند روی رودی که جریان دارد، سدی ایجاد کنند. به این ترتیب، متغیر حالت دیگری به نام «حجم آب پشت سد» شکل می‌گیرد.

همچنین، در مورد بیماری‌های مسری، «جمعیت مستعد بیماری» متغیر حالتی است که توسط «نرخ ابتلا به بیماری» بیمار می‌شوند و به مخزن «افراد بیمار» منتقل می‌شوند. افراد بیمار هم بعد از مدتی یا درمان می‌شوند و به مخزن «افراد درمان‌شده» منتقل





معلم، مدیر جریان یادگیری

در گفت‌وگو با پانته آ دزی، معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران

محتوای آموزشی و نظرات مؤلفان در نحوه ارائه، زمان آموزش، یادگیری مشارکتی و ارزشیابی فرایندی و عملکردی بر طبق مقررات و شیوه‌نامه‌های مرتبط با ارزشیابی پایانی پایه‌های هفتم تا دوازدهم و به‌خصوص نهم و دوازدهم، هدایت تحصیلی و امتحان نهایی و کنکور، به اختیارات معلمان و شورای مدرسه در نیم‌سال اول و ارزشیابی مستمر هم سایه‌افکنده است و همه تلاش معلمان و عوامل مدرسه بر امتحانات کتبی (برای ارائه بازخورد عینی به اولیا) و آماده کردن دانش‌آموزان برای امتحانات پایانی صرف می‌شود که شاید مطالبه ذی‌نفعان، یعنی اولیای دانش‌آموزان هم در بیشتر مواقع همین باشد. از سوی دیگر، در تغییر نظام آموزشی و مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش در تصویب اهداف دوره‌های تحصیلی، مأموریت اصلی نهاد تعلیم و تربیت کشور، تربیت

برای تغییر رفتار مطلوب به نسبت پایدار محقق کند. افزون بر این، شرایط تقویت مهارت‌های کارآفرینی و گذر از سطح دانش به درک، فهم، تجزیه و ترکیب و تولید ایده یا محصول را در خروجی نظام تعلیم و تربیت رقم بزند.

معلم از نظر شما مهم‌ترین چالش اجرای برنامه درسی در مدرسه چیست؟

مهم‌ترین چالش را باید در تغییر نظام آموزشی و برنامه درسی کشور یافت که با وجود سه نوبت تغییر، بیشتر معلمان منابع آموزشی جدید را (صرف‌نظر از اهداف قصدشده برنامه درسی) با روش سخنرانی ارائه می‌دهند و ارزشیابی می‌کنند. شاید بتوانیم چالش مهم دیگر برنامه درسی را در محتوای آموزشی نظام سنجش و ارزشیابی تحصیلی جست‌وجو کنیم. به عبارت دیگر، صرف‌نظر از به‌روزشدن

پانته آ دزی، معاون آموزش متوسطه اداره کل شهر تهران که مدتی نیز رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۰ تهران بود، تجربه‌های خوبی در مدیریت اجرای برنامه درسی دارد. در این گفت‌وگو با نظرات ایشان آشنا می‌شویم.

معلم معلمان برای اجرای برنامه‌های درسی باید چه مهارت‌هایی داشته باشند؟

مهارت‌های مهم حرفه‌ای معلم، تسلط و اجرای روش‌های یادگیری فراشناختی و تقویت تفکر و خلاقیت دانش‌آموز است تا با به‌کارگیری انواع روش‌های مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری، یادگیرنده فعال و مشارکت‌پذیر را در مدیریت یادگیری خود سهیم کند و با تقویت مهارت‌های خودبرنامه‌ریزی، خودنظارتی، خودتنظیمی، خودبازاندیشی و خودارزشیابی، لذت و شوق یادگیری را

وقتی شاد نیست

حسین کریمی زیوه، مدیر آموزگار دبستان شهید محسن حججی، شهرستان اصلاندوز



دانش‌آموزان منطقه عشایری، به علت کوچ، نسبت به دانش‌آموزان روستایی و شهری، زمان آموزشی کمتری دارند. همچنین، درک و دریافت این دانش‌آموزان با دانش‌آموزان شهری متفاوت است؛ به دلایلی از جمله: بی‌توجهی والدین، و در مواقعی، کم‌سوادی یا بی‌سوادی آن‌ها، کمبود امکانات آموزشی، و سخت‌بودن و وقت‌گیربودن شغل والدین. با توجه به شرایط پیش‌آمده کرونایی، دانش‌آموزان این منطقه، به دلیل نداشتن گوشی هوشمند و آنتن‌دهی بسیار ضعیف اینترنت، نمی‌توانند مثل بقیه دانش‌آموزان در برنامه شاد فعالیت داشته باشند. در مواردی، سیگنال‌دهی نامناسب تلویزیون آن‌ها را از شبکه آموزش نیز بی‌بهره می‌سازد. در چنین شرایطی، تدریس برای بنده بسیار دشوار شد. من چند فعالیت انجام دادم که در بهره‌مندی دانش‌آموزان از آموزش تأثیر بسزایی داشت؛ از جمله:

- برگزاری جلسه توجیهی با اولیای دانش‌آموزان درباره اختصاص وقت روزانه برای تمرین و تکرار و روخوانی قرآن و فارسی و انجام تمرین ریاضی تا قسمت‌هایی که خوانده‌ایم.
- رایگان کردن خط‌های تلفن همراه اولیای دانش‌آموزان برای ارتباط بیشتر با آن‌ها؛
- ارتباط تلفنی صوتی از طریق تلفن همراه. بنده درس‌های قرآن و فارسی را می‌خواندم و آن‌ها گوش می‌دادند. موقع ارزشیابی هم دانش‌آموزان می‌خواندند و بنده گوش می‌دادم. موقعی هم که اشکال داشتند، راهنمایی‌شان می‌کردم و بازخورد می‌دادم. املاها را می‌گفتم، بچه‌ها می‌نوشتند و اولیای محترم تصحیح می‌کردند و به بنده گزارش می‌دادند. در انشا و هنر هم موضوعات را می‌گفتم و آن‌ها انجام می‌دادند.
- درس ریاضی، از طریق تلفن همراه و به صورت صوتی قابل تدریس نبود. بنده در منزل هر فصل از کتاب ریاضی را به صورت جداگانه تدریس می‌کردم و در قالب کلیپ تدریس و آموزش، از طریق فلش یا دی‌وی‌دی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادم. بعد از تدریس هر فصل، تکالیفی را هم برای تمرین بیشتر در منزل می‌دادم. ■

متوازن چندساحتی تعیین شده‌است، ولی این با نیاز واقعی مخاطبان هم‌سو نیست. در نتیجه، برابری فعالیت‌ها به پیامد موردانتظار منجر نمی‌شود.

معلم چه پیشنهادی در این زمینه دارید؟

پیشنهاد من این است که با تقویت و بازنگری در فرایند جذب دانشجو و برنامه درسی تربیت معلم، از تعریف و بازتعریف مأموریت‌ها و معلمان حین خدمت و سنجش شایستگی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی در حفظ حداقل استانداردهای مورد نیاز کوشش شود و با تقویت انگیزه درونی با درس‌پژوهی و حلقه‌های مؤثر بر نظارت معلمان بر معلمان (نظارت هم‌تا) و ارزیابی ۳۶۰ درجه (از تمامی عوامل سهیم و مؤثر و ذی‌نفعان) و از سوی دیگر پس از تغییرات مکرر نظام آموزشی در کشور، شرایط جذب دانشجو در کنکور سراسری نیز از حافظه‌محوری و رقابت‌های بی‌خاصیت، به صورت عملکردی و چندساحتی تغییر یابد تا ارزیابی از عملکرد معلمی، با میزان دانش‌آموزانی که احیا کرده، الگوهای آموزشی شخصی‌سازی شده‌ای که ارائه داده، و کارآفرینانی که تربیت کرده سنجیده شود. البته واقعاً فرایند دشواری است.

معلم مهم‌ترین چالش‌های مربوط به آموزش در فضای مجازی کدام‌ها هستند و اداره کل تهران در این زمینه چه اقداماتی انجام داده است؟

چالش آموزش‌های مجازی این است که اکنون معلمان با زحمت فراوان، همان روش سخنرانی قدیم را در مقابل دوربین، به صورت برخط یا آفلاین ارائه می‌دهند و از مخاطبان (اولیا و دانش‌آموزان) انتظار دارند ۹۰ دقیقه شنونده یا بیننده مطالب باشند. در صورتی که شرایط شیوع کووید ۱۹ فرصت مغتنمی برای تفویض مسئولیت و مدیریت جریان یادگیری به دانش‌آموز به‌عنوان یادگیرنده فعال فراهم کرده‌است. طوری که می‌توان با استفاده از انواع روش‌های نوین مشارکتی، یادگیری معکوس، حل مسئله و پروژه، فرصت کسب تجربه‌های جدید در محیط‌های متنوع یادگیری را فراهم کرد و سهم اصلی را به ارزشیابی مستمر فرایندی و عملکردی داد و از ارزشیابی به‌مثابه یادگیری عمیق و مؤثر بهره برد.

ما در شهر تهران تلاش می‌کنیم دانش‌افزایی و توانمندسازی معلمان، به‌عنوان تسهیل‌گران یادگیری، و مدیران، به‌عنوان راهبران تربیتی، با استفاده از ظرفیت مدرسه‌محوری موضوعات پداگوژی و فناوری متمرکز شود و حداکثر کارایی و اثربخشی برای ارائه خدمات آموزشی و تربیتی باکیفیت به ذی‌نفعان ایجاد شود. ■



کاوش، تعامل، تجربه

روح اله رضاعلی

و دست‌ورزی به‌دست می‌آید، اما معلم مدرسهٔ من چگونه می‌تواند فرصت‌هایی را فراهم کند تا دانش‌آموزان از طریق این سه مؤلفه بهتر یاد بگیرند؟ آیا در رویکردهای انتقالی و سنتی به تدریس می‌توان فرصتی فراهم کرد که ذهن دانش‌آموزان با موضوع یادگیری درگیر شود؟

درگیری ذهنی باعث می‌شود تمام ظرفیت ذهنی و وجودی دانش‌آموز در خدمت یادگیری باشد. یادگیری باید انجام فعالیت‌ها و فرصت‌هایی ویژه در برنامه‌های درسی باشد.

حال سؤال اصلی این است که معلم چگونه و از چه طریق می‌تواند در کلاس درس این اقدامات، مقدمات یا تحولات را هدایت کند؟ مدیر مدرسه‌ای می‌گفت: من می‌دانم که یادگیری از طریق کاوشگری، تعامل

← هدف از یادگیری در کلاس درس این است که دانش‌آموز در هنگام انجام کارها یاد بگیرد که فکر کند، با اخلاق و با ایمان به آفریدگار هستی، شرایط و موقعیت زندگی را درک کند و انسانی رشد یابد یا در مسیر رشدیافتگی قرار گیرد.



در اسناد تحولی، یادگیری در عمل نتیجه فطرت و طبیعت (به عنوان عوامل درونی دانش آموز) و تجربه از طریق تعامل با عوامل محیطی در نظر گرفته شده است. حال اگر همکاری بی‌رسد با توجه به ماهیت یادگیری در اسناد تحولی و این همه مباحث در حوزه تعلیم و تربیت، برای تدریس و طراحی آموزش تحول‌گرا که ما را به هدف می‌رساند باید چه ویژگی‌ها و اصولی را در نظر بگیریم، باید گفت، یادگیری بر استعدادهای ذاتی دانش آموز استوار است. این شیوه تلاش می‌کند در کلاس، مدرسه، خانواده و جامعه موقعیت یا فرصتهایی ایجاد کند که دانش‌آموزان فکر، اخلاق و دانش خود را نشان دهند. یادگیری از یک طرف بر انگیزه اراده است و از طرف دیگر بر تعامل تأکید می‌کند و دانش‌آموز را نقش‌آفرین و عامل مؤثر می‌شناسد. لذا نمی‌توانیم بگوییم کدام روش تدریس برای تحقق اهداف بهترین روش است، اما می‌توانیم برای آن اصولی را متصور شویم و بگوییم، هر مقدار این اصول در طراحی و روش‌های یادگیری و تدریس وجود داشته باشند، قطعاً ما را به آن اهداف می‌رسانند. بنابراین، فهرستی از اصول را خواهیم گفت:

- فعال‌سازی تفکر و درگیری ذهنی دانش‌آموز؛
- به‌کارگیری حس کاوشگری و مهارت‌های پرورشی دانش‌آموز؛

- فعالیت تمرینی تا واقعی؛
- تقویت خودباوری به خود و خالق هستی؛
- ایجاد موقعیت‌های چالشی؛
- بهره‌گیری از محیط‌های متنوع در یادگیری.

بنابراین، روش‌های یادگیری همان راهبردها و روش‌های تدریس هستند که معلم در کلاس درس آن‌ها را هوشمندانه به کار می‌گیرد. کاوشگری، تعامل و تجربه (دست‌ورزی) سه راهبرد کلی برای تدریس و روش‌های یادگیری براساس رویکرد سند تحول بنیادین هستند که بهترین شکل کاربردی آن‌ها، درهم تنیدگی این راهبردهاست، چون در کلاس از همه روش‌های تدریس استفاده می‌شود؛ حتی روش سخنرانی و توضیحی. این روش‌ها در جای مناسب خود به کار می‌روند. از طرف دیگر، هر دانش‌آموز برای یادگیری از سبک خاصی پیروی می‌کند. بعضی‌ها با گوش‌دادن یاد می‌گیرند، بعضی‌ها با نوشتن و گوش‌دادن، بعضی‌ها هم از طریق انجام‌دادن و تعامل در کارهای گروهی. بنابراین، اگر در کلاس درس همه روش‌ها به صورت ترکیبی و درهم تنیده به کار روند، هر دانش‌آموز بهره خود را از کلاس می‌برد.

رویکرد خودیادگیری در آموزش و تدریس که باقری (۱۳۹۷) آن را مطرح کرده نیز با رویکرد برنامه‌های درسی در شکوفایی فطرت دانش‌آموزان هم‌خوانی دارد، چرا که معلم باید

فرصتهایی را فراهم کند که انگیزه و اراده لازم برای فهمیدن و درک خود و دیگران، برای اصلاح و موفقیت در دانش‌آموزان ایجاد شود. و فرصتی فراهم آید که اراده و انگیزه، به عنوان دو شرط اساسی یادگیری، موجب درگیری ذهنی دانش‌آموزان شوند. «تدریس در اساس تحمیلی و اجباری نیست، بلکه عاملیت‌متری در این فرایند شرط اساسی است (باقری، ۱۳۹۷). این موضوع به خوبی در «رویکرد و جهت‌گیری» سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱)، در صفحه ۱۱، در مورد دانش‌آموز، معلم و ... آمده است. «یادگیری فرایندی زمینه‌ساز برای ابراز گرایش‌های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است. یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط‌های متنوع یادگیری است و دیدگاه دانش‌آموزان را به طور معنادار نسبت به ارتباط با خود، خداوند، دیگران و مخلوقات تحت تأثیر قرار می‌دهد» (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).

هنر معلمی آن است که با طرح سؤال و تحریک حس کنجکاوی، نمایش فیلم، ایفای نقش از سوی دانش‌آموزان، و انجام کارهای عملی، ذهن دانش‌آموزان را با مسئله‌های چالشی روبه‌رو کند، سؤال یا پاسخ آن‌ها را هدایت کند تا بیشتر فکر کنند. همچنین، فرصت بارش مغزی را ایجاد کند تا درگیری ذهنی برای دانش‌آموزان ایجاد شود. ■

گفت‌وگو با علی و دادیان، معلمی از بجنورد

معلم فناور

مآئده ابراهیمی

علی و دادیان ۷۰ سال دارد و متولد ۱۳۲۹ از شهرستان بجنورد است. دوران ابتدایی و دبیرستان را در بجنورد گذرانده و دیپلم را در مشهد گرفته است. در سال ۱۳۵۳ به استخدام آموزش و پرورش درآمده و ۳۱ سال در سمت‌های مدیر آموزگار، آموزگار، معاون و سرگروه آموزشی فعالیت کرده است. او در همه پایه‌های ابتدایی و همچنین ریاضی و علوم دوره متوسطه اول تدریس کرده است. شعر می‌گوید. پای صحبتش که می‌نشینم، حرف‌ها برای گفتن دارد. آقای و دادیان در تولید وسایل و ابزار کمک‌آموزشی با وسایل بازیافتی، در استانش رتبه نخست را دارد. او ۱۷ سال است که بازنشسته شده است، اما هنوز در زمینه معلمی فعال است و با انگیزه.

آن‌ها هم زیادی هزینه ساختن وسایل کمک‌آموزشی را به‌عنوان مانع در نظر نمی‌گیرند. خدا را شاکرم در نمایشگاه‌هایی که شرکت کردم، علاقه‌مندی معلمان را می‌دیدم. مدت‌ها می‌ایستادند و در مورد نحوه ساخت وسایل کمک‌آموزشی سؤال می‌پرسیدند.

معلم معمولاً ساخت وسایل کمک آموزشی چقدر زمان می‌برد؟
هر وسیله‌ای که می‌سازم، اول با دقت آن را طراحی می‌کنم تا مناسب همان هدف آموزشی و انواع دانش‌آموزان باشد. بعد شروع به ساخت می‌کنم. بستگی به نوع وسیله، معمولاً از سه ساعت تا سه یا چهار روز وقت صرف می‌کنم.

تولید می‌کردم و در کلاس‌هایم از آن‌ها استفاده می‌کردم. الان هم همان‌ها را در اختیار همکارانم می‌گذارم.

معلم لوازم کمک‌آموزشی را با چه موادی تهیه می‌کنید؟

من سعی می‌کنم از وسایل در دسترس مثل خودکار، مقوا، چوب بستنی و چوب کبریت استفاده کنم تا همکاران جوان تشویق بشوند و

معلم شما در زمینه ساختن ابزارهایی برای تدریس فعال هستید. چه شد وارد این حیطه شدید؟

به‌واسطه پیشرفت علم، انواع و اقسام وسایل و ابزارهای آموزشی با قیمت‌های گزاف وارد بازار شده‌اند و بسیاری از خانواده‌ها قادر به تهیه و در اختیار دانش‌آموزان قرار دادن آن‌ها نیستند. به همین علت، خودم وسایل کمک‌آموزشی





صبور بودن و مطالعه در همهٔ زمان‌ها و آموزش و تثبیت درس‌ها با استفاده از وسایل کمک‌آموزشی. دنیا در حال پیشرفت است. معلمان باید با مطالعه بیشتر معلومات خود را مدام به‌روز کنند تا خدای‌ناکرده از قافله عقب نمانند. بازی تمام دنیای یک کودک است و معلم باید بتواند بازی بسازد و آموزش‌هایش را در قالب بازی بگنجاند.

معلمه اگر از دوران معلمی خاطره‌ای دارید، بفرمایید.

در دورهٔ خدمت من که عمدتاً مناطق محروم را برای تدریس انتخاب می‌کردم، وسیلهٔ نقلیه کم بود و غالباً مجبور بودم مسافت زیادی را پیاده بروم. وقتی هم هوا سرد می‌شد، دانش‌آموزان برایم اسب می‌آوردند تا به دبستان برسم.

معلمه سیستم آموزشی از گذشته چه تغییری کرده است؟

در زمان گذشته، آموزش بیشتر حول محور معلم می‌گشت، ولی الان معلم نقش راهنما را دارد و دانش‌آموز نقش اصلی را بازی می‌کند. معلم باید بتواند فضای آموزشی را طراحی کند. ■

با ساخت وسایل کمک‌آموزشی در خانه مشغول باشم. البته قبل از کرونا هم با ادارهٔ کل و آموزش‌وپرورش ناحیه ارتباط داشتم. سعی می‌کنم از فضای آموزش، تا زمانی که بتوانم تأثیرگذار باشم، فاصله نگیرم.

معلمه گویا کتابی هم تألیف کرده‌اید، لطفاً برایمان از محتوای آن بگویید.

کتاب «روزهای تلخ و شیرین یک معلم» را در تابستان ۹۹ چاپ کردم که شامل سه بخش است. بخش اول شامل خاطرات خودم، از بدو تولد تاکنون، است. بخش دوم، آداب و سنن ازدواج در کشورها، آیین نوروز در خراسان شمالی و مطالب شیرین و سرگرم‌کننده است. در بخش سوم، سخنان بزرگان، روایات و احادیثی از ائمهٔ اطهار گنجانده شده است.

معلمه در مسیر پیشرفت

یک معلم چه عواملی می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ و توصیهٔ شما به معلمان جوان چیست؟

ایمان به خداوند و حاضر و ناظر بودن او بر اعمالمان، اخلاق خوب و

معلمه بازی را در یادگیری چقدر مؤثر می‌دانید؟

خیلی زیاد. دانش‌آموز ابتدایی تفکراتش با بازی شکل می‌گیرد. من به چشم دیده‌ام که بازی باعث افزایش انگیزه، دقت و تمرکز و یادگیری مفهومی در دانش‌آموزان می‌شود. بازی خلاقیت دانش‌آموزان را شکوفا و آن‌ها را به درس علاقه‌مند می‌کند. به همین علت در آموزش‌هایم سعی می‌کردم با بازی و دست‌ورزی نکات را تدریس کنم.

معلمه آیا با بازی توانستید اختلالی را در دانش‌آموزی رفع کنید؟

بله. بسیار زیاد. خیلی از دانش‌آموزان در دقت و تمرکز مشکل داشتند و من در جریان بازی و با در اختیار قراردادن وسایل کمک‌آموزشی، اختلالی را که فکر می‌کردند باید با دارو حل شود، مثل عدم تمرکز، درمان کردم.

معلمه آیا هنوز هم، با وجود بازنشستگی، وسایل کمک‌آموزشی می‌سازید؟

بله. با وجود اینکه سنی از من گذشته است و در خانه هستم، سعی می‌کنم



هدف‌نویسی در بوم

دکتر عظیم محبی



تصویر آرشیوی است

نظام تعلیم و تربیت هر کشور است. چون اهداف برآیند مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت هر کشور تلقی می‌شود. براساس مبانی نظری تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران هدف کلی تربیت، تکوین و تعالی هویت همه‌جانبه دانش‌آموزان بیان شده است تا دانش‌آموزان به مراتبی از حیات طیبه دست پیدا کنند. به عبارت دیگر رفتار و عملکرد شایسته هر دانش‌آموز در زندگی فردی، اجتماعی با معیار اسلامی

هدف‌نویسی در یک واحد یادگیری (برای هر یک از عناوین آموزشی برنامه ویژه مدرسه) گفت‌وگو کنند.



پس از یک ساعت گفت‌وگو، هر یک از گروه‌ها برداشت خود را بیان داشتند و پس از تبادل نظر مدرس کارگاه به این نکات اشاره کردند:

● اهداف مهم‌ترین مقوله در

← یکی از عناصر اصلی و مهم در نظام برنامه‌ریزی درسی به صورت کلی و به‌طور خاص در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه عنصر هدف می‌باشد. در این مقاله به‌صورت عملی با نوشتن هدف آشنا خواهیم شد.

مدرس کارگاه، ضمن تشکر از همکاران، از آن‌ها خواست در گروه‌های هم‌اندیشی درباره اهداف و شش ساحت تربیتی، الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی و در نهایت شیوه

را می‌توان حیات طیبه تعریف کرد. ابعاد این هدف کلی (هویت) همان شش ساحت تعلیم و تربیت می‌باشد. (در عین حال ابعاد حیات طیبه هم تلقی می‌شوند).

● کلیات ابعاد این شش ساحت در مبانی نظری سند تحول تبیین شده است. اما با تحلیل آن‌ها اهداف دوره‌های تحصیلی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش تصویب و به مدارس ابلاغ شده است. لذا لازم است همه همکاران این اهداف را مطالعه کنند تا بتوانند تمام فعالیت‌های مدرسه را (تدریس، فعالیت‌های فرهنگی...) را با این اهداف همسو کنند.

● نکته مهم این است که اسم شش ساحت تربیتی لزوماً مورد نظر نیست بلکه شایستگی‌های مورد نظر در هر یک از شش ساحت تربیتی، متناسب با هر یک از دوره‌های تحصیلی مهم است. به‌طور مثال در ساحت اقتصادی و حرفه‌ای در دوره اول ابتدایی شایستگی‌های زیر ذکر شده است (تقریباً در هر دوره تحصیلی ۱۸ شایستگی بیان شده است).

درک مفاهیم اقتصادی (مصرف، درآمد، هزینه)...

- درک مهارت‌های ساده کارآفرینی...

● در سند برنامه درسی ملی الگوی هدف‌گذاری با ترکیب دو کلمه عناصر و عرصه بیان شده است. این بیان به‌نوعی تبیین رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی است، چون در ص ۱۱ سند برنامه درسی ملی بیان می‌شود شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی از طریق درک و اصلاح موقعیت صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر عناصر همان جلوه‌های فطرت تلقی می‌شود و عرصه یا موقعیت همان جلوه‌های هستی.

عناصر شامل ۵ شایستگی تعقل، علم، ایمان، اخلاق و عمل است. و عرصه شامل خود، خدا، خلق و خلقت می‌باشد.

عناصر همان شایستگی‌های پایه است که متناسب با هر دوره تحصیلی آن باید در هدف‌نویسی مورد عنایت قرار گیرد. تا فرد بتواند موقعیت‌های طبیعی، اجتماعی، ماوراءطبیعی، را درک و اصلاح کند و ...

□ با توجه به توصیفات فوق سؤال کلیدی آن است که در برنامه‌های درسی (کتاب‌های درسی...) و طرح درس مربوط به تدریس و واحد یادگیری (مربوط به برنامه ویژه مدرسه) اهداف چگونه نوشته می‌شوند. آیا باید به همان شکل سنتی اهداف را در قالب شناختی، عاطفی و روانی حرکتی به‌صورت تفکیکی بنویسیم؟ به‌طور طبیعی این الگو با نکات فوق هماهنگی ندارد. بلکه اهداف باید مصداقی از شایستگی‌های ۵ گانه فوق باشد. هر درس یا هر واحد یادگیری حداقل سه هدف دارد.

- دانشی (علم)

- مهارت‌های تفکر (تفکر)

- مهارت عملی (عمل)

و اخلاق و ایمان به‌صورت درهم تنیده با این سه هدف در فرایند اجرا (یعنی کلاس و مدرسه و خانواده و جامعه) بروز و ظهور می‌کند.

در حالت ایده‌آل بهتر است اهداف به‌صورت عملکردی نوشته شود تا این ۵ شایستگی به‌صورت درهم تنیده مورد عنایت قرار گیرد. چون شایستگی به مجموعه ترکیبی از صفات، توانمندی و مهارت اخلاق می‌شود که باید در عملکرد فرد منعکس شود... (عملکرد در اینجا همان بروز مصادیقی از شایستگی‌ها در شخصیت فرد است که کم‌کم به شکل‌گیری هویت منجر می‌شود.

● در ادامه کارگاه مدرس کلاس از اعضا خواست که برای موضوعات آموزشی پیش‌بینی شده در برنامه ویژه

مدرسه هدف بنویسند. پس از تمرین این مرحله اهداف آموزش مهارت‌های کارآفرینی به‌صورت زیر تدوین شد و از همکاران مدرسه خواسته شد تا برای هر یک از موضوعات آموزشی برنامه ویژه مدرسه براساس تقسیم کار انجام شده. اهداف آن را بنویسند.

۱. دوره اول ابتدایی

دانش‌آموزان با کسب مهارت ساده کارآفرینی بتوانند با دست‌ورزی، وسایل دوست‌داشتنی خود را تولید کنند (عروسک، کیف، کلاه و ...) و برای فروش آن در بازارچه مدرسه روش‌های ساده ارائه کنند.

۲. دوره دوم ابتدایی

دانش‌آموزان با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی بتوانند محصولات تولید نمایند و با مدیریت بازارچه مدرسه مهارت‌های کسب‌وکار خود را تقویت کنند.

۳. دوره اول متوسطه

دانش‌آموزان با خودشناسی و فرصت‌شناسی و تحلیل مشاغل طرح کسب‌وکار ساده‌ای را تهیه نمایند و با مدیریت بازارچه مدرسه و کسب‌وکار اینترنتی فرصت خرید و فروش آن را فراهم آورند.

۴. دوره دوم متوسطه

دانش‌آموزان با تحلیل فرصت‌های شغلی در جامعه، کسب‌وکار تهیه خود را در عمل اجرایی نمایند.



با بیان اهداف فوق سؤال کلیدی آن است که با کدام محتوا و روش باید این اهداف را محقق ساخت. در شماره بعدی این موضوع تبیین خواهد شد. ■



تربیت شایسته محور

© زری دهقان، لیسانس و معاون بازنشسته مدارس شهر تهران

● جهاد نیز بر چهار پایه استوار است؛ امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی و دشمنی با فاسقان. پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است، و آن کس که از زشتی نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید، و آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حقی را که بر گردن او بوده ادا کرده است. و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خدا هم بر او خشم آورد و روز قیامت او را خوشنود سازد.

با توجه به نکات فوق می توان اذعان داشت تفکر، علم و عمل در سازماندهی محتوای برنامه های درسی بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. اما تربیت اخلاق و ایمان در فضای کلاس و مدرسه با نقش آفرینی معلمان و مربیان صورت می گیرد. البته نه به صورت آموزش مستقیم مصادیق اخلاقی و ایمانی. بلکه با خلق موقعیت های سازنده، تلاش می کنند تا ارزش های اخلاقی و ایمانی در شخصیت و هویت دانش آموزان تعالی پیدا کند. لذا انتظار می رود معلمان و مربیان با مطالعه دقیق مفهوم ایمان براساس سخن امام علی (علیه السلام) تلاش نمایند به صورت درهم تنیده نسبت به تربیت این عنصر اهتمام بیشتری داشته باشند. ■

● صبر بر چهار پایه قرار دارد که شامل شوق، هراس، زهد و انتظار می باشد. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، در شهوت هایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم می ترسد، از حرام دوری می گزیند، و آن کس که در نیاز حد می ورزد، مصیبت ها را ساده پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می کشد، در نیکی ها شتاب می کند.

● یقین نیز بر چهار پایه استوار است؛ بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت ها، پند گرفتن از حوادث روزگار و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت ها نگریست، حکمت را آشکار ببیند و آن که حکمت را آشکار دید، عبرت آموزی را شناسد و آن که عبرت آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می زیسته است.

● عدل نیز بر چهار پایه استوار است؛ فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو دوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید و کسی که شکیبیا شد در کارهایش زیاده روی نکرده و با نیکنامی در میان مردم زندگی خواهد کرد.

● در سند برنامه درسی ملی عناصر تفکر، علم، عمل، اخلاق و ایمان به عنوان شایستگی های پایه ذکر شده است. این عناصر پنج گانه در شبکه مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می شوند و در فرایند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیاز و شرایط دانش آموزان می تواند سرآغاز سیر تربیتی دانش آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، و اخلاقی دانش آموزان می باشد، به گونه ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.

● در این میان، ایمان، باور، اراده و ... در فرایند تربیت نقش کلیدی دارد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه (حکمت ۳۱) در خصوص مفهوم ایمان تبیین حکیمانه ای فرموده اند و بیان می نمایند که ایمان بر چهار پایه استوار است:

- صبر
- یقین
- عدل
- جهاد



از معلم پول بگیرم؟

طاهره عامری، آموزگار دبستان حضرت معصومه، شهرری تهران

رتبه دوم، چهارمین دوره فراخوان خاطرات معلمی

پسرم از خانه بیرون می‌رود و من با هر قدمش «فالله خیر حافظا» می‌خوانم.

از آینه ماشین مرا می‌دید. احساس می‌کردم شرمی در نگاهش وجود دارد؛ شرمی شبیه شرمندگی کودکی بعد از انجام کار بد؛ شبیه وقت‌هایی که پسر من نمره کم می‌گرفت!

او دور شد و من ماندم با یک دنیا حرف نگفته! باید به محمد می‌گفتم خوشحالم بزرگ شدی و برای خودت کسب حلال داری! باید به او می‌گفتم که در آزمون معرفت و قدرشناسی بیست گرفتی! باید می‌گفتم دنیا پر است از آدم‌هایی که از شرایط خودشان رضایت ندارند، اما تو، هم شادی، هم شاکری و هم راضی! باید می‌گفتم غبطه می‌خورم به حالت که قدران بنده‌های خدایی، که بنده خوب خدایی! باید می‌گفتم ...

ای کاش امروز ده سال به عقب برمی‌گشتم و کمتر اضطراب آزمون و نمره را به جان بچه‌ها می‌انداختم! ای کاش به محمد می‌گفتم تو هوش میان فردی بالایی داری! ای کاش به خاطر مهارت همدلی و فن بیانش تشویقش می‌کردم! ای کاش در زنگ‌های ورزش به خاطر گل‌هایش برایش دست می‌زدیم! ای کاش به دلیل نمره‌های دیکته و ریاضی از ورزش محرومش نمی‌کردم! ای کاش به او می‌گفتم او که این قدر خوب صحبت می‌کند، می‌تواند گزارشگر فوتبال یا وکیل خوبی شود! ای کاش ویژگی‌های مثبت محمد را در حضور خانواده‌اش به زبان می‌آوردم! ای کاش ...!

مدت‌هاست هر بار که صدای بلندگوی وانت به گوشم می‌خورد، از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم؛ نه آن وانت را می‌بینم و نه صدای مردانه آن نوجوان را می‌شنوم. اگر فقط یک بار دیگر محمد را ببینم، حتما به او خواهیم گفت: «از اینکه معلم تو بودم به خودم افتخار می‌کنم!» ■



نزدیک خانه که رسیدم، صدای فروشنده وانتی توجهم را جلب کرد: «سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، کدوی سبز، هویج...»

سرعتم را بیشتر کردم تا خرید خانه را همان موقع انجام دهم. نفس زنان به وانت رسیدم. در حالی که چشمم مرغوبیت کالاها را ورنده‌ام می‌کرد، گفتم: «دو کیلو سیب‌زمینی که خیلی درشت نباشد. یک کیلو گوجه بریز، مراقب باش رنگ پریده و له نباشد. یک کیلو پیاز سفید و یک کیلو هم هویج بریز لطفا.» در حالی که فروشنده اقلام گفته‌شده را یکی‌یکی توی پلاستیک می‌ریخت، وزن می‌کرد و مقابل من می‌گذاشت، زیرچشمی داخل پلاستیک‌ها را ورنده‌ام می‌کردم و هم‌زمان در کیفم دنبال کارت می‌گشتم. کارت را مقابلش گرفتم و گفتم: «ممنون. بفرمایید که چقدر می‌شود؟»

نگاهش آشنا بود. انگار من مدت‌ها پیش، هر روز این لبخند، کلاه ورزشی و گونه‌های سرخ را می‌دیدم. گفت: «سلام خانم، من از معلم پول نمی‌گیرم!» کارت توی دستم ماند. به صورت آفتاب‌سوخته‌اش زل زده بودم؛ بی‌آنکه حرفی برای گفتن داشته باشم. تمام خاطرات یازده‌سالگی‌اش از مقابل چشمانم گذشت.



سال ۸۸-۸۹ من معلم تازه‌کاری بودم و او پسر بچه‌ای که به سختی از سربالایی پایه پنجم ابتدایی بالا می‌رفت. زبان ناطق کلاس بود. خوب حرف می‌زد و برای رفتارهایش دلیل می‌آورد. برای رسیدن به خواسته‌اش می‌جنگید و به راحتی زیر بار حرف زور نمی‌رفت. تقریباً با تمام بچه‌ها دوست بود، ولی با فوتبالی‌ها یا خیلی دوست بود یا خیلی ... آن روزها معیار سنجش آموخته‌های

بچه‌ها ارزشیابی توصیفی نبود و معلمانش دانش بچه‌ها را با اعداد نمره می‌دادند. تمام دغدغه من بالا رفتن معدل بچه‌ها و قبولی‌شان در آزمون‌های تیزهوشان و مدرسه‌های نمونه دولتی بود و تمام دغدغه او زنگ ورزش و فوتبال و برنده شدن تیم محبوبش!

گفتم: «محمد، تو دست‌فروشی؟»
گفت: «کار که عار نیست خانم! لقمه حلال در می‌آورم.»

با اصرار کارت را روی ترازو گذاشتم و گفتم: «اگر حساب نکنی، خریده‌ها را نمی‌برم!»

در فاصله کوتاهی که کارت می‌کشید، سراغی از مادر و کارو بارش گرفتم. گفت: «خدا را شکر همگی خوبیم. از کارم راضی‌ام و نان حلال درمی‌آورم.»

بعد از تشکر و خداحافظی، سوار وانت شد و بی‌آنکه از بلندگوی وانت، اجناسش را فریاد بزند، به راه افتاد و دور شد.

نمی‌دانم چرا دور شدنش را دنبال می‌کردم؛ درست شبیه وقت‌هایی که



توانمندسازی معلمان، آغاز تحول

گفت‌وگو با معاون آموزش ابتدایی استان کردستان

فرهنگی، مهارتی معلمان و مدیران در راستای توسعه فرصت‌های یادگیری؛
 ● سنجش صلاحیت‌های تخصصی و حرفه‌ای معلمان مدرسه‌های غیردولتی با برگزاری آزمون‌های علمی و مصاحبه تخصصی؛
 ● برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای مدیران، معلمان و معاونان آموزشی مدرسه‌های ابتدایی؛
 ● ارتقای کیفیت آموزش در کلاس‌های چندپایه با حضور راهبران آموزشی و تربیتی و تشکیل شورای راهبری کیفیت‌بخشی به آموزش در کلاس‌های روستایی؛
 ● آموزش معلمان جدیدالورود، حق التدریس و سرباز معلم؛
 ● اجرای جشنواره خلاقیت مدیران مدرسه‌ها؛
 ● اجرای نظارت هم‌تا و بازدید درون و برون‌استانی به‌منظور کسب تجربه‌های جدید؛
 ● تشکیل کارگروه‌های تخصصی کیفیت‌بخشی برنامه‌های تحولی حوزه آموزش ابتدایی با استفاده از ظرفیت معلمان توانمند؛
 ● اجرای طرح سفیران توصیفی؛
 ● اجرای طرح مدرسه کارآمد و درس پژوهی، الگویی است برای توانمندسازی معلمان، با بهره‌مندی از ظرفیت مدرسه‌ها برای یادگیری

سرآمد مدرسه‌های سطح استان بود تا با بهره‌مندی از این ظرفیت، زمینه تقویت مهارت‌های حرفه‌ای سایر معلمان را با هدف ایجاد تغییر در دانش، بینش، نگرش و رفتار در آنان فراهم کنیم. به این منظور، نیازسنجی از معلمان را در خصوص دوره‌های آموزشی مورد نیاز، براساس دستورالعمل تدوینی، آغاز کردیم تا با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مجامع فصلی معلمان، نشست‌ها و همایش‌های علمی، مهارتی و تخصصی در موضوعات گوناگون، به‌ویژه برنامه‌های تحولی (از جمله روش‌های نوین تدریس، ارزشیابی کیفی توصیفی، تکالیف مهارت‌محور، روش تدریس تلفیقی، بازی و یادگیری، شیوه آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، نحوه استفاده از تجهیزات آزمایشگاهی و کیت‌های آموزشی، استفاده از فناوری‌های نوین در تدریس، راهبری و مدیریت کلاس درس، مدیریت زمان در کلاس‌های چندپایه، تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی، و آموزش آداب و مهارت‌های زندگی) بتوانیم به نیازهای معلمان پاسخ مناسب بدهیم.

سایر اقدامات در راستای توانمندسازی نیروی انسانی عبارت‌اند از:
 ● اجرای جشنواره‌های علمی و الگوهای تدریس برتر و مسابقات علمی،

← صدیقه عبداللهی از سال ۱۳۸۹ معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان کردستان است و تجربه‌های ارزشمندی در تحول آموزش و پرورش استان دارد. مجله رشد معلم، در گفت‌وگویی صمیمی تلاش کرده است بخشی از تجربه‌های ایشان را به‌منظور آشنایی همکاران، منعکس کند.

معلم برای توانمندسازی معلمان چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

نظام آموزش و پرورش از اجزا و عناصر درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده است که هر یک از آن‌ها به‌نوبه خود کارکردهای ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین عنصر در جریان تعلیم و تربیت با کیفیت، معلم است. لذا تربیت معلمان توانمند و متعهد که بتوانند با خلاقیت و ابتکار زمینه تعلیم و تربیت نسل آینده را فراهم کنند، از الزامات اساسی و مهمی است که برنامه‌ریزان باید به آن به‌طور جدی توجه کنند. در سند تحول بنیادین هم که نقشه راه آموزش و پرورش محسوب می‌شود، معلم به‌عنوان مربی معرفی شده است که نقش مرجعیت علمی دارد. با اعتقاد به این موضوع که ارتقای توانمندی معلمان آغاز تحول در آموزش و پرورش است، در قدم نخست، به تقویت جایگاه و کارکرد گروه‌های آموزشی اقدام کردیم که شامل معلمان

سازمانی و گسترش پژوهش مشارکتی در بین معلمان، برای تولید دانش حرفه‌ای و توسعه توانایی آن‌ها که زمینه یادگیری معلمان از یکدیگر و توسعه آموزش و یادگیری را فراهم می‌کند. در واقع، برنامه درس‌پژوهی با هدف ارتباط بیشتر معلمان مدرسه و تبادل تجربه‌های مشترک در خصوص روش‌های تدریس طراحی شده است تا با بازسازی مدرسه‌ها به‌عنوان سازمان یادگیرنده، فرهنگ حرفه‌ای نوینی در مدرسه توسعه یابد که معلمان با توسعه فعالیت‌های مشارکتی و سهیم‌شدن در تجربه‌های یکدیگر، در تصمیم‌گیری مشارکتی و آموختن از یکدیگر و ترویج تفکر انتقادی تقویت شوند و ضمن غلبه بر ترس از یادگیری و هراس از اصلاح، بتوان زمینه توانمندسازی معلمان را بیش از پیش فراهم کرد.

در شرایط جدید که به دلیل شیوع بیماری کرونا فعالیت‌های آموزشی و یادگیری بیشتر در فضای مجازی ارائه می‌شوند، نیاز معلمان به آموزش‌های جدید شکل گرفت. لذا برای کمک به همکاران در تولید محتوای الکترونیکی در فضای مجازی و طراحی آموزشی، همچنین مدیریت زمان در کلاس مجازی، در قالب دوره‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی، شروع به توانمندسازی معلمان کردیم و ضمن معرفی نرم‌افزارهای مناسب آموزشی و کاربردی و تشکیل کانال‌های مفید آموزشی، با بهره‌مندی از شبکه‌ی شاد، در تولید محتوای الکترونیکی و تدریس برخط با همکاران همراه شدیم. در ضمن، با معرفی سایت رشد به‌عنوان پشتیبان برنامه‌های درسی، به شیوه‌های گوناگون زمینه ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای همکاران را فراهم کردیم.

معلم مهم‌ترین مهارت‌هایی که دانش‌آموزان در دوره ابتدایی باید کسب کنند کدام‌اند؟ تا چه میزان این مهارت‌ها تحقق پیدا کرده‌اند؟ مهم‌ترین چالش در این زمینه چیست؟

مهم‌ترین مهارت مورد نیاز دانش‌آموزان در این دوره تحصیلی که همانا مأموریت

اصلی ماست، کسب مهارت‌های زندگی اجتماعی است. این مهارت‌ها عبارت‌اند از: «برقراری ارتباط سازگارانه؛ کنترل استرس و اضطراب و خشم؛ تصمیم‌گیری درست در مورد مسائل؛ قدرت حل مسئله و تفکر خلاق و انتقادی. در واقع، دانش‌آموزان باید با کسب مهارت‌های لازم احساس لذت و شادمانی و آرامش و امیدواری کنند. در این صورت، می‌توانند در برابر استرس‌ها و موقعیت‌های متفاوت و مشکلات زندگی به‌درستی عمل کنند. مهم‌ترین مهارتی که دانش‌آموز باید یاد بگیرد، شناخت مهارت‌های هیجانی است تا بتواند هیجانات خود را کنترل کند و به خود اتکا داشته باشد. یعنی برای حل مشکلات خویش باید از خود ابتکار عمل داشته باشد. این مهارت‌ها را در حین تدریس به‌صورت تلفیقی به کودک آموزش دهیم. در سال‌های اخیر، با اجرای سند تحول بنیادین، بر موضوع مهارت‌آموزی به دانش‌آموزان تأکید شده و برنامه‌های تحولی مانند جابر بن حیان، تکالیف مهارت‌محور، مدرسه‌ی خوانا، بازی و یادگیری، عید و داستان، طرح کرامت و برنامه بوم توانسته است تا حدود به‌نسبت خوبی اهداف مورد نظر را که همانا تربیت شهروند خوب است، محقق کند.

البته باید به این موضوع هم اشاره شود که مهم‌ترین چالش در این زمینه، نبود بستری لازم در تمام مدرسه‌ها در راستای تحقق عدالت آموزشی است. در این باره می‌توان به عوامل متعدد آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. ساختار سیستمی نظام آموزشی، به دلیل متمرکز بودن، پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان نیست. در واقع، همبستگی بین محتوا و برنامه‌ها با نیازهای جامعه کافی نیست. از طرف دیگر، معنای اصلی تحول هم این است که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های کافی و جامع را برای مسئولیت‌های آینده در مدرسه کسب کنند و ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت به‌صورت متوازن در دانش‌آموزان رشد کنند.

از دیگر سو، ساختار فیزیکی کلاس و مدرسه و تراکم بالای دانش‌آموزان و پایین بودن سواد مهارتی تعدادی از

معلمان و هم‌سوی نبودن تعدادی از اولیا، موانعی را در مهارت‌آموزی دانش‌آموزان ایجاد کرده‌اند.

معلم مهم‌ترین موانع کیفیت آموزش و پرورش را در چه می‌دانید و چه پیشنهادهایی در این باره دارید؟

با تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، فصل جدیدی از برنامه‌ها و فعالیت‌های کیفیت‌بخشی در آموزش و پرورش آغاز شد. اما در راستای تحقق کیفیت در آموزش و پرورش، با موانعی جدی مواجهیم؛ از جمله ناکافی بودن معلمان متخصص و علاقه‌مند با انگیزه کافی. این نقیصه در سطح جذب، آموزش و نگهداشت مشهود است. ورود نیروهای غیرمتخصص و غیرمرتبط در سنوات اخیر به دوره ابتدایی، کیفیت آموزش را تحت‌الشعاع قرار داده است. تصمیم اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی که ورود نیرو به آموزش و پرورش را صرفاً از طریق دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی مصوب کرد، گامی مؤثر در راستای کیفیت‌بخشی به آموزش است. در بحث نگهداشت نیروی توانمند در دوره ابتدایی نیز پیشنهاد می‌شود با تدوین و اجرای سیاست‌های انگیزشی و تشویقی برای همکاران، از خروج این نیروها جلوگیری شود و با ارائه آموزش‌های مستمر، جامع و مدون متناسب با نیاز و ضرورت‌های موجود، زمینه ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان فراهم شود.

حجم زیاد کتاب‌های درسی که زمینه خستگی و بی‌انگیزگی را در دانش‌آموزان فراهم کرده‌اند و همچنین کمبود زیرساخت‌های فنی و تجهیزات آزمایشگاهی و کیت‌های آموزشی، از دیگر موانع کیفیت‌بخشی به آموزش است. لذا پیشنهاد می‌شود با اتخاذ تدابیری، ضمن کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس درس، زمینه کاهش محتوای آموزشی متناسب با نیاز واقعی دانش‌آموزان نیز فراهم شود و مدرسه‌ها به فناوری‌های نوین و کیت‌های آموزشی متناسب با کتاب‌های درسی جدیدالتألیف مجهز شوند. ■



اینجا گل ماس

دکتر سهیلا فراهانی

برنامه ویژه درسی فرصتی است تا مدارس بر اساس نظرسنجی و قابلیت‌های معلمان مدارس، فعالیت‌های متنوعی را طراحی و اجرا کنند. یک نمونه از این فعالیت‌ها در مدرسه شهید رفیعی طباطبایی منطقه ۱۱ تهران اجرا شده است.

یکی از آسان‌ترین راه‌های ارتباط دانش‌آموزان با طبیعت، باغبانی است. دانش‌آموزانی که از نخستین سال‌های زندگی‌شان شاهد باغبانی پدر و مادرشان بوده‌اند یا خود به باغبانی پرداخته‌اند، از سلامت روانی بالاتری برخوردارند و در بزرگسالی نیز ارتباط مثبت‌تری با محیط برقرار می‌کنند. باغبانی برای دانش‌آموزان از علمی است که در تمام دنیا علاقه‌مندان بسیاری دارد و متخصصان، سفارش زیادی نسبت به آن دارند که اثرات آن عبارتند از:

- کودک فرصتی برای ارتباط با خودش پیدا می‌کند و آرامش روانی‌اش نیز بیشتر می‌شود. بر همین اساس، تمرکز زیادی و استرس خنثی می‌شود. امروزه از باغبانی به‌عنوان روشی درمانی برای کودکانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند استفاده می‌شود. از جمله مزایای باغبانی عبارتند از:
- خلاقیت کودک شکوفا می‌شود؛
- حس ارزشمندی افزایش می‌یابد؛
- کودک با طبیعت و محیط هماهنگ می‌شود؛
- کودک به رابطه علت و معلولی میان عناصر طبیعت پی می‌برد؛
- هدفمند بودن فعالیت باعث اشتیاق بیشتر و پیگیری می‌شود؛
- همه اعضای بدن فعالیت می‌کنند (پنج حس انسان فعالیت دارند)، نه تنها انگشتان؛
- صبر دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف بیشتر می‌شود؛
- فضای مناسبی برای کار گروهی در اختیار می‌گذارند؛
- شبیه‌سازی زندگی است (دانش‌آموزان در حال مشاهده تبدیل شدن دانه به درخت، با زندگی و حیات و روند رشد موجودات زنده آشنا می‌شوند و قدرانی از زندگی و عشق به حیات را از طریق شبیه‌سازی زندگی با نیازهای گیاه و نیازهای انسان یاد می‌گیرند)؛
- کودک احساس مسئولیت بیشتری پیدا می‌کند؛
- کودک پس از شرکت در برخی فعالیت‌های باغبانی، نگرش مثبت‌تری نسبت به بیشتر خوردن میوه‌ها و سبزی‌ها پیدا می‌کند؛
- در مقایسه با دانش‌آموزانی که به درس علوم فقط به‌طور تئوری می‌پردازند، در آزمون‌های علمی مدرسه نمره بالاتری می‌آورد؛

- مهارت‌های درون‌فردی کودک رشد می‌یابند؛
- مهارت‌های اجتماعی و رفتاری بهبود پیدا می‌کنند؛
- حس تقدیر و احترام به طبیعت به کودک آموخته می‌شود. این حس تا سنین بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند؛
- مهارت‌های زندگی، از جمله همکاری با گروه‌ها و درک خود بهبود می‌یابد؛
- دانش تغذیه‌ای و آگاهی کودکان در مورد مزایای خوردن میوه‌ها و سبزی‌ها (تنظیمات خوردن سبزی) بیشتر می‌شود.
- در باغبانی علوم به‌طور غیرمستقیم به دانش‌آموز آموزش داده می‌شود؛ از جمله: شگفتی‌های علم مانند چرخه زندگی گیاه و نقش انسان در محیط زیست؛
- در آموزش علوم طبیعی، اجتماعی، ریاضی، هنر و تغذیه مزایای آموزشی دارد؛
- بین دانش و احساسات ارتباط برقرار می‌کند؛
- حفاظت از محیط زیست را در پی دارد؛
- سرپرستی محیط زیست (آب، چرخه انرژی و حیات، زنجیره غذایی) را الهام‌بخشی می‌کند؛
- کودک را با کلیه مراحل پرورش و نگهداری گل و گیاه، از مرحله آماده‌سازی محیط، کاشت، تکثیر و ازدیاد، آبیاری، کنترل‌های محیطی، کنترل آفات و بیماری‌ها، و تغذیه گیاهی آشنا می‌کند.

فعالیت کشاورزی و باغبانی
دانش‌آموزان در فضای گلخانه



حتی می‌توان آن‌ها را به تولید محصول در باغچه‌خانه یا گل‌دان تشویق کرد و سپس محصولاتشان را از آن‌ها خرید یا به فروش رساند. فعالیت‌هایی که برای ساخت گلخانه آموزشی مدرسه انجام گرفتند:

- شناخت فضای مناسب ایجاد گلخانه در فضای پشت حیاط مدرسه. این فضا محل دپوی وسایل دورریختنی و مستعمل مدرسه شده بود؛

- اسقاط وسایل مستعمل فضای مدنظر برای گلخانه و ارجاع به اداره متبوع؛

- طراحی و مهندسی و ساخت گلخانه در فضای موجود؛

- تجهیز فضای داخلی گلخانه مانند سیستم برق، گرمایشی، نصب تابلوهای آموزشی، تخصیص میز و صندلی مناسب گلخانه، تهیه بئر و پوستریهای آموزشی و نصب آن در فضای گلخانه؛

- تجهیز امکانات فنی و کاربردی مانند تهیه بسترهای کشت، گل‌دان‌های حاوی انواع گل برای آموزش مراحل کاشت، تکثیر و نگهداری گیاه، تهیه کود و سم بیولوژیک به منظور کنترل و مبارزه با آفات و بیماری‌های احتمالی و تهیه ابزار باغبانی (بیلچه، قیچی باغبانی، آبپاش و...)

این گلخانه قابلیت آموزش دانش‌آموزان تمامی دوره‌های تحصیلی را داراست. ■

- دادن مسئولیت آبیاری گیاهان به دانش‌آموزان، یک فعالیت خوب برای تمرین مسئولیت‌پذیری در آن‌هاست.

- توجه دادن دانش‌آموزان به موضوعات مرتبط با حفظ محیط‌زیست یکی دیگر از حوزه‌هایی است که با باغبانی می‌توانیم به آن دست پیدا کنیم.

- تمرین صبر یکی دیگر از مهارت‌هایی است که در زمان باغبانی تقویت می‌شود.

- دستیابی به نتیجه مطلوب در باغبانی نیازمند برنامه‌ریزی و نظم است.

سال‌های ابتدایی دبستان

برای آموزش موضوعات مرتبط با زیست‌شناسی، شیمی یا اهمیت حفظ محیط‌زیست، این بازه سنی زمان بسیار مناسبی است. کودکان پس از آموزش موارد مرتبط با رعایت بهداشت، می‌توانند به تنهایی نیز برخی فعالیت‌ها را انجام دهند و البته توان پذیرش مسئولیت آبیاری و رسیدگی به گیاهان تحت نظارت را دارند.

در کنار باغبانی، از موضوعات مرتبط مانند آشنایی با حشراتی که در باغچه زندگی می‌کنند یا استفاده از آب خاکستری در باغبانی نیز می‌توان در برنامه‌ها استفاده کرد. آب خاکستری یا آب بازیافتی آبی است که قابل نوشیدن نیست، اما برای مواردی چون باغبانی قابل استفاده است؛ مانند آبی که میوه‌ها با آن شسته شده‌اند.

نیمه دوم سال‌های دبستان

احساس داشتن کنترل و اعمال نظرات شخصی در این گروه سنی اهمیت زیادی دارد. پس برای برنامه‌ریزی درباره فعالیت‌ها، نظرات آن‌ها جدی گرفته شود.

با توجه به افزایش مهارت‌ها در این گروه سنی،

باغبانی از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند توانایی‌های متعددی را در دانش‌آموزان تقویت کند و بهانه خوبی برای آموزش موضوعات گسترده به آن‌ها باشد. البته بستر مناسبی هم برای آموزش مهارت‌های متنوع فراهم کند. برخی از فایده‌های باغبانی با دانش‌آموزان را به صورت خلاصه می‌توان این‌طور در نظر گرفت:

- باغبانی از جمله فعالیت‌هایی است که تمام حواس دانش‌آموزان را درگیر و به رشد آن‌ها کمک می‌کند.

- آشنایی با سبزی‌ها می‌تواند دانش‌آموزان را به استفاده بیشتر از آن‌ها تشویق کند و به نوعی سالم‌خوری را در آن‌ها تقویت کند.

- کارهای باغبانی نیازمند استفاده از انگشتان است. این موضوع می‌تواند به افزایش هماهنگی بین دست و چشم منجر شود.

- مشاهده رشد گیاهان می‌تواند موضوعات خیلی خوبی در حوزه زیست‌شناسی و حتی شیمی در اختیار شما قرار دهد تا با کودکان در آن‌بار صحبت کنید.

- انواع اندازه‌گیری و شمارش از جمله موضوعات مرتبط با ریاضی هستند که در باغبانی مورد نیازند و می‌توانند تمرین خوبی برای دانش‌آموزان تلقی شوند.

- انجام فعالیتی مشترک بین والدین و کودکان و تعقیب هدفی مشترک، می‌تواند به تقویت روابط منجر شود.



یادگیری تیمی

ابراهیم آرزو

یکی از روش‌های مهم در شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان فراهم کردن فرصت جهت تبادل نظر آن‌ها در حین عمل است. این روش به آن‌ها کمک می‌کند تا از هم یاد بگیرند و این یادگیری منجر به اصلاح و غنی‌سازی روش‌های یاددهی - یادگیری می‌شود. به این رویکرد درس پژوهی گفته می‌شود که با ابعاد آن آشنایی شویم.

درس پژوهی چیست؟

درس پژوهی به ساده‌ترین تعریف عبارت است از مطالعه روش تدریس در کلاس درس از نزدیک، همراه با کار تیمی و مشارکتی.

برای اینکه اهداف درس پژوهی که همان ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان به‌منظور بهبود یاددهی و یادگیری است محقق شود، رعایت نکاتی ضروری است؛

از جمله:

- هر معلمی روش منحصر به فرد و امضای

تدریس خاص خود را دارد.
- کار تیمی ارزشمند، فرهنگ‌ساز و پویاست.
- تمام اقدامات و برنامه‌ریزی درباره معلمی است، نه معلم؛
- برای داشتن کلاسی جذاب و پویا می‌توان از خرد جمعی بهره برد؛
- سلسله‌مراتب اداری فراموش شود و مدیر بتواند به‌عنوان عضوی از تیم، بسیاری از موانع را مرتفع کند.

درس پژوهی به‌دنبال طرح یک مسئله شکل می‌گیرد. مسئله ممکن است نوشتن و اجرای درست طرح درس باشد. یا می‌تواند انگیزه نداشتن دانش‌آموزان به درس باشد. مسئله همچنین می‌تواند آموزش درست فلان مبحث در درس ریاضی باشد. به‌دنبال اجتماع دو یا چند نفر برای تشکیل یک تیم درس پژوهی، تقسیم کار بین آنان صورت می‌گیرد و تحقیق و پژوهش پیرامون مسئله توافق شده آغاز و سپس طرح درسی به‌صورت تیمی نوشته

می‌شود. در اجرای طرح درس، هر فردی مطابق با شرح وظیفه خود اقدام می‌کند و از اجرای عملیات فیلم‌برداری می‌شود. فیلم موردنظر با حضور اعضا که ممکن است متشکل از مدیر، معاون و برخی از معلمان باشند، به نمایش در می‌آید و به نقد گذاشته می‌شود. چنانچه به تدریس مجدد نیاز باشد، تدریس انجام می‌گیرد و سپس نقد تدریس و بازبینی و واکاوی‌های بی‌امان تا رسیدن به بهترین و کامل‌ترین تدریسی که مورد اجماع اعضای تیم باشد، ادامه خواهد یافت. آن رهیافتی که از این رهگذر نصیب اعضای تیم می‌شود، برای صاحب‌نظران بسیار حائز اهمیت است. در اینجا به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

الف. یادگیری حین عمل

برخلاف بسیاری از برنامه‌ریزی‌های دست‌اندرکاران دوره‌های ضمن خدمت که در سال‌های اخیر بیشتر به‌صورت غیرحضوری انجام می‌شوند، یا در خارج از

کلاس درس صورت می‌گیرند، درس پژوهی اجرای زنده توافقی تدریس و بررسی نقادانه سبک و سیاق آن است که در فضای واقعی و زنده کلاس انجام می‌شود؛ بدون هیچ دستکاری و آرایش صحنه نمایش. به همین خاطر، درس پژوهی توصیف و اجرای واقعی «یادگیری حین عمل» است.

ب. یادگیری تیمی

هریک از اعضای تیم وظیفه‌های را بر عهده می‌گیرد و می‌کوشد آن را به بهترین وجه ممکن به فرجام برساند. اقداماتی اعم از فیلم برداری از روند تدریس، رصد کشش‌ها و کنش‌های دانش‌آموزان در کلاس، پیش‌چگونگی اجرای طرح درس و...

پس از اجرا، همگان احساس می‌کنند در تجربه‌نهایی سهیم هستند. امروزه یادگیری و عملکرد مشارکتی نه تنها در مدرسه، بلکه در همه عرصه‌های اجتماعی نیز تشویق و تحسین می‌شود. اجرا و ممارست آن در مدرسه می‌تواند نخستین پلکان گفتمان فرهنگ‌سازی کارهای تیمی و مشارکتی لحاظ شود.

پ. شکل‌گیری رفتارها و تولید دانش حرفه‌ای

در طول اجرا که ممکن است دو یا چند جلسه را در بر بگیرد، اعضای تیم الزاماً باید مدارا، شکیبایی، روحیه نقدپذیری و شیوه‌های نقد درست را بارها تمرین کنند، اندیشه‌های یکدیگر را به چالش بکشند و در دفاع از عقاید خود نقدهای جدی وارد کنند. حاصل کار، شکل‌گیری رفتار و گفتار حرفه‌ای بین اعضای تیم است. چون همه این موارد درباره یک موضوع علمی شکل می‌گیرند، به پدید آمدن دانش حرفه‌ای معلمی و تخصصی درس مورد نظر منجر می‌شوند که بسیار اهمیت دارد؛ به خصوص آنکه همه این مراحل بر جمع‌آوری داده‌ها و شواهد کلاس درس مبتنی هستند. به همین علت، دکتر سرکارآرانی درس پژوهی را عبارت از ترسیم DNA آموزش می‌داند (سرکارآرانی، ۱۳۹۴)

ت. هم‌افزایی خانه و مدرسه

در درس پژوهی، هم دانش‌آموزان و هم والدین می‌توانند به‌عنوان اعضای تیم

مشارکت کنند. رفته‌رفته با حضور در جلسات متعدد، در جریان کار، به‌عنوان شرکای حرفه‌ای معلمان قلمداد می‌شوند و از این رهگذر بر بسیاری از دشواری‌های پیچیده یاددهی و یادگیری وقوف خواهند یافت. فراهم آمدن چنین فرصتی، جز در سایه اجرای درس پژوهی ممکن نیست.

در کنار فواید علمی که از رهاورد درس پژوهی نصیب آموزش می‌شود، به جهت اجتماعی نیز برای درس پژوهی مزایایی مترتب است که برخی از آن‌ها به اجمال عبارت‌اند از:

● کسب مهارت‌های گفت‌وگو که از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع مدرن محسوب می‌شود و چون از حلقه‌های مفقوده در نظام آموزشی ماست، محیط بیرون از مدرسه، یعنی اجتماع، نیز به‌شدت از آن متأثر و رنجور است.

● شکل‌گیری کلاس‌های درس شیشه‌ای که درهای آن همواره روی والدین و معلمان دیگر، به‌خصوص نومعلمان، باز است.

● حرکت از آموزش به‌سوی کیفیت و بهبود آموزش، به‌نحوی که کیفیت آموزش به دغدغه‌های اجتماعی تبدیل شود.

بر این اعتقاد نیستیم که با اجرای درس پژوهی انقلابی در آموزش ایجاد خواهد شد، بلکه این نگاه نوین در پی آن است که معلمانی حرفه‌ای تربیت کند که یادگیرندگان حرفه‌ای مادام‌العمری هستند. به‌نحوی که او از اقدامات خود در کلاس درس نتیجه‌ای مطلوب‌تر حاصل کند و دانش‌آموزان نیز از بودن در این کلاس‌ها لذت ببرند. درس پژوهی بستری فراهم می‌کند تا تجربه معلمان با سابقه و صاحب سبک به همکاران جدیدالورود و نومعلم منتقل شود و تعداد آن‌ها به تزايد بگذارد. به‌خصوص مدیران از این رهگذر بهره‌های فراوان خواهند برد.

درس پژوهی مهم‌ترین گام اساسی مدرسه‌محوری است که اجرای درست آن به کم‌شدن فاصله میان دنیای مدرسه و جهان خارج از مدرسه کمک شایانی خواهد کرد و در تبدیل مدرسه به سازمان یادگیرنده نقش اساسی خواهد داشت. برخلاف بسیاری از پژوهش‌های آموزشی که کتابخانه‌ای هستند و صرفاً نامی از

مدرسه یدک می‌کشند، درس پژوهی به‌دنبال حل مسائل فراروی معلمان در کلاس واقعی درس، با مشارکت همه عوامل دخیل در آموزش در فضای زنده مدرسه است. برخی بر این گمان هستند که درس پژوهی یا هر تحقیق و پژوهش درباره آموزش، مادامی که به‌دنبال حل مسئله آموزش در مدرسه نباشد، قابل اعتنا نیست

آرمان‌شهر درس پژوهی، تبدیل مدرسه‌های مملو از سکون و رخوت به سازمان‌های یادگیرنده است. پیتیر سنگه بر این باور است که: مدرسه‌ها متحول نخواهند شد، مگر اینکه به سازمان‌های یادگیرنده‌ای تبدیل شوند که در آن مدیر رهبر آموزشی تلقی می‌شود و با برنامه‌ریزی و مشارکت‌جویی همه ارکان مدرسه، تیمی واحد برای ارتقای رفتارهای حرفه‌ای و الگوهای توسعه علمی و فرهنگی تشکیل خواهد شد.

با وجود تأکید فراوان اسناد بالادستی آموزش و پرورش بر مفاهیمی چون معلم پژوهنده، یادگیری سازمانی و... یا برنامه‌تعالی مدیریت که همه آن‌ها در سایه‌سار اجرای مواردی چون درس پژوهی قابلیت تحقق خواهند یافت، متأسفانه اجرای علمی و عملی درس پژوهی با موانع زیادی نیز روبه‌روست که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

● مدیرانی که کلاسی سرشار از سکون و سکوت را که در آن معلم سخنرانی می‌کند و دانش‌آموزان گوش می‌سپارند، کلاس واقعی می‌دانند.

● افرادی که از مهیا نبودن زیرساخت گلايه‌مندند. درحالی که درس پژوهی بیش از هر موضوعی، به‌باور برای تغییر نیاز دارد و بیش از آنکه سخت‌افزاری باشد، مقوله‌ای فرهنگی است.

● تبدیل نکردن شیوه‌های نوین آموزش به گفتمان برتر در آموزش و پرورش.

● باورنداشتن افراد صاحب نفوذ و تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان بدنه اداری ادارات کل و به‌دنبال آن ادارات نواحی و مناطق آموزشی. ■

منبع

۱. سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، درس پژوهی، تهران، مرکز نوآوری‌های آموزشی مرات



← در شماره قبل دیدگاه مولانا را در مورد نقش بی‌بدیل معلم در کارآمدسازی فرایند آموزش بررسی کردیم. اما سؤال این است که آیا مولانا قواعد ریزتر و مشخص‌تری هم برای کارآمد کردن آموزش در اختیارمان می‌گذارد یا نه؟ پاسخ این سؤال با توجه به نگاه ریزبین و تیزبینی که از مولانا سراغ داریم، مثبت است. او کسی نیست که در تحلیل مسائل، صرفاً به بیان یکسری مقولات کلی و انتزاعی اکتفا کند، بلکه نگاهی را نمایندگی می‌کند که کاملاً با واقعیت‌های زندگی بشر درآمیخته است. اصولاً این خاصیت هر مربی بزرگ است که متری را به حال خود رها نمی‌کند، بلکه او را مرحله به مرحله و با دادن کدهای دقیق و روشن، هدایت و همراهی می‌کند. با این حساب، تکلیف بحث حاضر معلوم می‌شود. مولوی با همه اهمیت که برای منش والای استاد یا رهبر معنوی قائل است، به برخی اصول مکمل هم اشاره می‌کند که به این شرح هستند:

استعدادشناسی

استعدادشناسی مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین مؤلفه در بحث یادگیری است. فرقی هم نمی‌کند که این

کیمیای وجود

آموزش کارا به روایت مولانا

© دکتر یاسر ملکی، پژوهشگر حوزه ادبیات عرفانی



یادگیری در چه مرتبه‌ای اتفاق می‌افتد. علم‌آموزی، از مراتب پایین تا سطوح عالی‌تر آن، با توان و استعداد یادگیرنده ارتباط تنگاتنگ دارد. این مهم حتی در حیات مولانا و مواجهه او با شمس تبریزی هم به چشم می‌خورد. در واقع، برخلاف نظر برخی که تصور می‌کنند شمس از سر تصادف و بدون آگاهی قبلی با مولانا روبه‌رو شد، باید بدانیم که شمس به معنای واقعی مولوی را انتخاب کرد و به احوالات او و جایگاه ممتازی که بین مریدان شهر داشت به‌خوبی واقف بود. سابقه‌آشنایی این دو به زمانی برمی‌گردد که مولوی در حلب مشغول تحصیل بود. در «مقالات شمس» که معتبرترین کتاب دربارهٔ سخنان و موضع‌گیری‌های شمس است، عباراتی وجود دارد که از بصیرت و موقع‌سنجی شمس خبر می‌دهد؛ اینکه وقتی مولوی را در دمشق دید احساس کرد هنوز برای تعلیم اسرار به او زود است و باید مدتی سپری شود تا به پختگی لازم برسد. عین عبارت او چنین است:

«میلّم از اول با تو قوی بود، الاّ می‌دیدم در مطلع سخنت که آن وقت قابل نبودى این رموز را. اگر گفتمى، مقدر نشدى آن وقت و این ساعت را به زبان برده بودیمى، زیرا آن وقت این حالت نبود» (شمس تبریزی: ۲۰ و ۲۱).

این بیان شمس نشان می‌دهد که استعداد یادگیرنده و تشخیص به‌موقع آن از سوی معلم، اهمیت بالایی دارد. اینجاست که عنصر زمان و تأثیر آن

در پرورش استعداد بسیار تعیین‌کننده است. همان‌طور که چیدن میوه‌های رسیده از درختان زمان مناسبی دارد و نباید زودتر یا دیرتر به سراغشان برویم. زیرا در این هنگام از دو حال خارج نیست: یا میوه‌های کال و نارس را باید بچینیم و یا میوه‌های له و گندیده را. اما بُعد دیگر استعدادشناسی، مسیریابی درست برای پرورش استعدادهاست. گاهی استعدادهای انسان در مسیر غلطی به کار گرفته می‌شوند و کار به جایی می‌رسد که ذائقهٔ روحی فرد به کلی عوض می‌شود. مثلاً استعداد حق‌طلبی در همهٔ انسان‌ها وجود دارد، اما اگر شرایط به نحوی رقم بخورد که این استعداد به‌طور وارونه رشد کند، آنگاه گرایش درونی فرد برای تبعیت از حق و راستی ضعیف می‌شود و به انجام امور مبتذل تمایل می‌یابد. در واقع، کیمیای وجود این افراد به‌طور معکوس عمل می‌کند. یعنی چیزهای خوب و پسندیده هم به محض اینکه وارد وجودشان می‌شود، تغییر ماهیت می‌دهد و تعصب و غرض‌ورزی آنان را شدت می‌بخشد.

هر که تخم خار کرد در جهان
هان و هان او را موج در گلستان
گر گلی گیرد به کف، خاری شود
گر سوی یاری رود، ماری شود
کیمیای زهر و مار است آن شقی
برخلاف کیمیای متقی (دفتر دوم، ابیات ۱۵۵-۱۵۳)

لذا تعجب نکنید اگر آدمیان، ظاهر یکسان و مشابه دارند، اما به لحاظ روحی و باطنی از هم فاصله می‌گیرند؛

مانند صدف‌هایی که محتواهای با ارزش و بی‌ارزش را در خود جای می‌دهند؛ گاه در یک صدف مروارید ارزشمندی نهفته است و در صدف دیگر سنگ سیاه ردایل! مولوی داستانی دباغی را نقل می‌کند که به شنیدن بوهای نامطبوع عادت کرده بود. همین‌که گذارش به بازار عطرروشان افتاد و بوهای خوش را استشمام کرد، از حال رفت و بی‌هوش شد. این حکایت کسانی است که به وضعیت بدی که در آن قرار دارند خو کرده‌اند و تحمل فضا و شرایط خوب و پسندیده را ندارند. بوی خوش که نماد همهٔ دریافت‌های ناب و دل‌انگیز است، تنها برای کسانی لذت‌بخش است که مسیر درستی را برای استعدادپروری برگزیده‌اند:

مر خبیثان را نسازد طیبات
در خور و لایق نباشد ای ثقات
گر بی‌آزید نصیحتی آشکار
ما کنیم آن دم شما را سنگسار
ما به لغو و لَهو فربه گشته‌ایم
در نصیحت، خویش را نسرشته‌ایم
هست قوت ما دروغ و لاف و لاغ
شورش معده است ما را زین بلاغ
رنج را صد تو و افزون می‌کنید
عقل را دارو به افیون می‌کنید
(دفتر چهارم، ابیات ۲۸۸-۲۸۲)

بنابراین، معلمانی که از یکسو شناخت دقیقی از نیازهای واقعی یادگیرندگان دارند و از سوی دیگر، مسیرهای درست را برای آنان ترسیم می‌کنند، آموزش بهتر و مفیدتری ارائه می‌دهند. البته این کار سختی‌هایی دارد و زمان زیادی لازم است تا معلم به چنین بصیرتی



در آموزش دست یابد. ضمن اینکه اساساً استعدادیابی به کلاس درس و تشخیص معلم محدود نیست و محتاج سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی است و نقش همه ارکان و مؤلفه‌های نظام آموزشی در تشخیص و پرورش آن دخیل است.

رعایت تدریج

تدریج قانون عجیبی است. هر جا که صحبت از آفرینش و تکامل است، پای این قانون به آنجا باز می‌شود؛ حتی در خلقت آسمان‌ها و زمین^۱. این قانون کاربردهای متنوعی دارد؛ از کاربردهای اخلاقی و معنوی گرفته تا استفاده‌های علمی و آموزشی. اساساً هیچ رویدادی، اعم از طبیعی، اخلاقی، آموزشی و غیره، بدون تکیه بر این قانون مهم به سرانجام نمی‌رسد. به عالم طبیعت بنگرید. از زمانی که بذری در زمین پاشیده می‌شود، تا آخرین مرحله که به چیدن محصول ختم می‌شود، فرایندی است که باید به تدریج طی شود. این واقعیت نشان می‌دهد که در کار طبیعت خبری از شتاب‌های نامربوط و نامعقول نیست. به قول مولانا:

«تبینی صلح و دوستی بهار را در آغاز اندک گرمی می‌نماید و آنگه بیشتر و بیشتر؟ و درختان نگر که چون اندک‌اندک پیش آیند، اول تبسمی، آنگه اندک‌اندک رخت‌ها را از برگ و میوه پیدا می‌کند و درویشانه و صوفیانه همه را در میان، و هر چه دارد جمله در می‌بازد. پس کارهای عالم را و عقبا را، هر که شتاب کرد و در اول کار مبالغه نمود، آن کار میسر او نشد» (کریم زمانی، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

وجود ما انسان‌ها به غذاهای جسمی و روحی سالم نیاز دارد؛ غذایی که باید به آهستگی آماده طبخ شوند. حتماً

همه شما می‌دانید که چرا کارشناسان تغذیه غذاهای فست‌فودی را توصیه نمی‌کنند؟ پاسخ این است که در فرایند آماده‌سازی این غذاها، قانون تدریج رعایت نمی‌شود و شتاب بیجایی در تهیه آن‌ها وجود دارد که سلامت بدن را تهدید می‌کند. همین رخداد در مورد غذاهای روحی نیز وجود دارد. مجموعه علوم و دانستی‌هایی که در قالب آموزش‌های رسمی به فرد منتقل می‌شوند، در حکم همان غذاهای روحی هستند. شیوه طراحی و تولید این آموزش‌ها می‌تواند تدریجی یا شتاب‌آلود باشد.

آنچه مسلم است، نظام آموزشی مبتنی بر شتاب، یک نظام مولد و دانش‌مندپرور نیست. در چنین نظام‌هایی، همه علم و محتوای آموزش به بسته‌هایی زودبازده تبدیل می‌شود، بی‌آنکه نیازها و قابلیت‌های درونی دانش‌آموزان را برطرف کند. شاید این بسته‌های آماده فایده‌های آموزشی زودگذری داشته باشند، اما در درازمدت به تعطیلی نیروی تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان می‌انجامند، زیرا در چنین نظام‌هایی، کیفیت آموزش قربانی سرعت آن می‌شود. این هم تنها مختص نظام‌های آموزشی نیست، بلکه به‌طور کلی‌تر، همه مظاهر دنیای مدرن از این شتاب نامعقول رنج می‌برد. همه چیز پیش از آنکه تمامیت خود را بنماید، جای خود را به چیز دیگری می‌دهد. در این فضا همه چیز، البته به شرط خوشبخت‌بودن، یک بار خریده و دیده می‌شوند و به‌زودی جای خود را به چیزهای دیگر می‌دهند. بی‌شک بخش مهمی از پریشان‌حالی ما از همین امر ناشی می‌شود که قدرت تمرکز بر امر واحد را نداریم و چیزهای مختلفی ما را به خود فرا می‌خواند (کمپانی زارع، ۱۳۹۴: ۲۴۲). با این

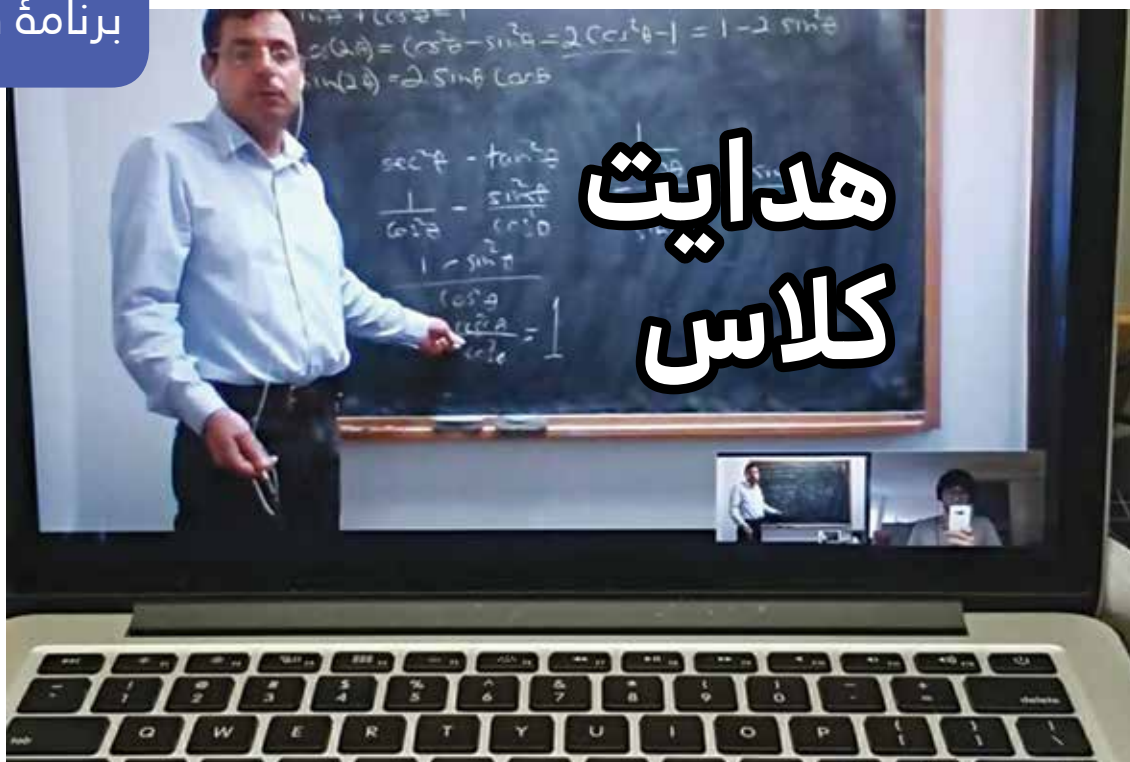
حال، برای تحقق آموزش کارا، گریزی از عمل به این قانون نیست؛ به‌خصوص در دوره ابتدایی که روان دست‌نخورده کودک آماده پذیرش آموزش‌های بیرونی می‌شود و لازم است که معلمان این دوره تحصیلی، با مدارا کردن و چشم‌پوشی از خطاهای کودک، میل و علاقه او را برای آموزش و تعلیم تقویت کنند. نکته‌ای که مولوی در فیه‌مافیه به آن اشاره می‌کند: «همچنان که معلم، کودکی را خط آموزد. چون به سطر رسد، کودک سطر می‌نویسد و به معلم می‌نماید. پیش معلم، آن همه کز است و بد. با وی به طریق مدارا می‌گویند که جمله نیک است و نیکو نبستی، احسن! الا این یک حرف را بد نبستی. چنین می‌باید. و آن یک حرف دیگر نیز بد نبستی. چند حرفی را از آن سطر بد می‌گوید و به وی می‌نماید که چنین می‌باید نبستن، و باقی را تحسین می‌کند تا دل او نرمد و ضعیف نشود و به آن تحسین قوت گیرد. و همچنان به تدریج، تعلیم می‌کند و مدد می‌یابد» (کریم زمانی، ۱۳۹۰: ۳۶۴-۳۶۵).

پی‌نوشت‌ها

۱. این صدف‌ها نیست در یک مرتبه در یکی دَر است و در دیگر شَبَه (دفتر چهارم، ابیات ۲۶-۳۰)
۲. با تائی گشت موجود از خدا تا به شش روز این زمین و چرخ‌ها ورنه قادر بود کز «کن فیکون» صد زمین و چرخ آوردی برون (دفتر سوم ابیات ۳۵۰-۳۵۰)

منابع

۱. مقالات شمس تبریزی، ج ۲، تهران؛ خوارزمی.
۲. کریم زمانی (۱۳۹۰)، شرح کامل فیه‌مافیه، گفتارهایی از جلال‌الدین محمد بلخی، تهران؛ معین، ص ۲۶۸
۳. کمپانی زارع، مهدی (۱۳۹۴)، مولانا و اخلاقی زیستن، تهران؛ نگاه معاصر، ص ۲۴۲



هدایت کلاس

معصومه بدری، دکتر بهمن حوریزاد

یکی از نکات مهم در فرایند تدریس و مدیریت کلاس در بستر فضای مجازی، توجه به قواعد و اصول موردنظر در این فضا می‌باشد. در این مقاله برخی از این قواعد و شیوه‌ها بیان شده است.

مدیریت فعالیت‌های کلاسی

فعالیت‌ها یا تکالیف را به گونه‌ای طراحی کنید که در رسیدن به اهداف یا نتایج یادگیری به دانش‌آموز کمک کنند. فعالیت‌ها باید دانش‌آموزان را کنجکاوتر کنند، آن‌ها را به مطالعه منابع بیشتر ترغیب و زمینه را برای تعامل و مشارکت فراهم کنند.

تکالیف دانش‌آموزان را بررسی و بازخورد ارائه کنید. بازخوردها هم نقش ارزشیابی دارند و هم نقش راهنمایی و انگیزه‌دهی. اگر تکالیفی که به دانش‌آموزان می‌دهیم، بررسی و بازخورد داده نشوند، به تدریج دانش‌آموز آن‌ها را جدی نمی‌گیرد. بازخوردها باید تا حد امکان توضیحی باشند. توضیحی به این معنی که عیب‌ها و ایرادهای کار به دانش‌آموز ارائه شود و نقاط قوت نیز به او گفته شود تا در کارهای بعدی آن‌ها را اصلاح کند. این کار به عمیق‌تر شدن یادگیری کمک می‌کند. دانش‌آموزان خود را به صورت برخط

درگیر و جذب کنید.

بدون حضور فیزیکی شما در کلاس، ضروری است در همان ابتدای دوره و کلاس مجازی، نوعی ارتباط مجازی قوی برقرار کنید و حس حضور خودتان به عنوان آموزگار را به درستی انتقال دهید. معلمان برخط باید از همان ابتدا و همچنین در طول دوره، دانش‌آموزان را درگیر نگه دارند. با ایجاد این حس حضور معلم، به دانش‌آموزان نشان می‌دهید که هم قابل مشاهده و هم در دسترس هستید. شما همچنین باید از آن‌ها به مناسبت حضورشان در جامعه و محیط یادگیری جدید استقبال کنید و دقیقاً مانند کلاس سنتی به آن‌ها خوشامد بگویید.

تأدیبات باید انفرادی باشد. اساس و ریشه رفتارهای نامطلوب و تأدیبات را در جمع هرگز انجام ندهید.

برخی از رفتارهای ناشایست را نادیده بگیرید. اساس و ریشه‌های رفتارهای نامطلوب را از بین ببرید. دانش‌آموز را تحقیر و سرزنش و ملامت نکنید، بلکه رفتار را تنبیه و تأدیبات کنید.

تیم‌های دانش‌آموزان را سازمان‌دهی کنید. دانش‌آموزان را در یافتن راه‌حل مسائل راهنمایی کنید. اختلالات یادگیری را بشناسید و به مشاور ارجاع دهید.

قوانین و هنجارها را با دانش‌آموزان خود در میان بگذارید. اجازه دهید آن‌ها بخشی از روند تعیین قوانین باشند و مشارکت فعال داشته باشند.

از آن‌ها ایده و پیشنهادهایی در مورد ساختار درس بخواهید.

از زبان مؤدبانه و احترام‌آمیز و ارتباط تصویری استفاده کنید.

توضیح دهید چه زبان و عباراتی قابل قبول است و کدام کلمات در کلاس مجازی شما قابل قبول نیستند.

هنگامی که دانش‌آموزان همه چیز را می‌دانند (هنگام شکستن قوانین و همچنین هنگامی که آن‌ها پیشرفت خود را نشان می‌دهند)، پیروی از هنجارها و شرکت در فرایند یاددهی یادگیری برای آن‌ها راحت‌تر است.

از هنجارها و ساختار درسی که در ابتدای دوره ایجاد کرده‌اید (طرح درس) پیروی کنید. برای مثال، اگر ترجیح می‌دهید جلسه را با بررسی تکالیف یا سؤال از درس گذشته شروع کنید، هر بار این مرحله را انجام دهید.

خوب است یک روال را برای شروع و پایان جلسه برخط داشته باشید. حتماً از روال تعیین‌شده پیروی کنید تا روند آموزش و یادگیری برخط مؤثرتر باشد.



✓ بگذارید دانش‌آموزان در کلاس مجازی خود ببینند که چقدر مشتاق هستید و از شغل خود لذت می‌برید. روابطی مثبت و دوستانه ایجاد کنید و با اعتماد به نفس آموزش دهید.

✓ اگر احساس اعتماد به نفس ندارید، تمام تلاش خود را بکنید تا این گونه به نظر برسید، زیرا در غیر این صورت دانش‌آموزان تردید شما را حس خواهند کرد.

✓ بهترین راه برای جلوگیری از موقعیت‌های استرس‌زا هنگام تدریس، آماده‌سازی پیشاپیش است. برای تحقیق در مورد سناریوهای گوناگون، مسائل مربوط به نظم و انضباط، تحریکات یا سایر مشکلاتی که ممکن است در کلاس مجازی رخ دهد، کمی تحقیق کنید و پاسخ خود را دوباره تکرار کنید.

✓ بسته فعالیت طراحی کنید و از دانش‌آموزان بخواهید بعد از انجام فعالیت‌های پیشنهادی، درک و فهم خود را از درس و محتوای مشخص شده، در گروه مجازی، یعنی کلاسی مجازی که با مدیریت معلم ایجاد شده است، به اشتراک بگذارند. این گام در وهله اول نوعی یادگیری دانش‌آموز به دانش‌آموز محسوب می‌شود. در این مرحله معلم می‌تواند فرصت همسال‌سنجی هم فراهم آورد تا اگر دانش‌آموزان نقد و نظری نسبت به درک و فهم همدیگر از محتوا دارند، بیان کنند.

✓ مطالعه نظرات و جمع‌بندی‌های دانش‌آموزان در تیم به معلم کمک می‌کند از کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و «فهم‌ها و بدفهمی‌های» آنان اطلاعاتی کسب کنند. براساس این درک و فهم از وضعیت یادگیری دانش‌آموزان، معلم ممکن است برای دادن فعالیت یادگیری مکمل نیز فکر کند.

مدیریت مشارکت دانش‌آموزان

✓ مشارکت دانش‌آموزان لزوماً نباید در یک زمان مشخص صورت گیرد، بلکه دانش‌آموزان می‌توانند در زمان مناسب خودشان یادگیری‌های خود را به اشتراک بگذارند تا دیگران ببینند و در صورت لزوم نظر بدهند. بی‌تردید

✓ بلافاصله و بدون هیچ استثنایی بی‌نظمی‌ها مقابله کنید.

✓ نگرش مثبت داشته باشید. توصیه می‌شود با هر دانش‌آموزی که قوانین را می‌شکند، پس از کلاس به صورت خصوصی صحبت و در صورت لازم آن‌ها را تأدیب کنید تا ترغیب شوند رفتار خود را بهبود بخشند و دلایل اقدامات خود را مشخص کنند.

✓ این ایده خوبی است که رویکردهای متعددی را برای رسیدگی به موقعیت‌های متفاوت، مانند حواس‌پرتی و قطع شدن اینترنت امتحان کنید. صبور باشید و آن را نیز به دانش‌آموزان و اولیای آنان متذکر شوید.

✓ یکی از مهم‌ترین موارد در تدریس برخط این است که مطمئن باشید هر دانش‌آموز در فعالیت‌های این درس شرکت می‌کند.

✓ دانش‌آموزان را تشویق کنید سؤال بپرسند و به یکدیگر پاسخ دهند. پروژه‌های کار تیمی متفاوتی را در نظر بگیرید.

✓ دانش‌آموزان را به گروه‌هایی که در اتاق‌های متفاوت کار می‌کنند تقسیم کنید.

✓ برای پروژه‌های آینده می‌توانید تیم‌ها را تغییر دهید. این ایده برای پیگیری میزان فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان خوب است. تفکر انتقادی و رقابت فردی (رقابت با خود و نه با هم‌کلاسی، بلکه رقابت) را تشویق کنید.

✓ با روحیه‌ای پر جنب و جوش، محتوای تازه و فعالیت‌های جالب، فضای دلپذیر و دوستانه را در کلاس مجازی خود ایجاد کنید.

✓ یکی از اولین مواردی که در کنار قوانین و هنجارها باید در کلاس مجازی خود برقرار کنید، سیستم پاداش است. روش‌هایی برای تقدیر از پیشرفت دانش‌آموزان خود ایجاد کنید.

✓ در هنگام آموزش به کودکان می‌توانید از نشان، کارت‌تون، عروسک و آهنگ استفاده کنید.

✓ در مورد بزرگسالان می‌توانید از ایده‌های متفاوتی مثل ایجاد فهرست افراد برتر و انتصاب آن‌ها به عنوان رهبران تیم‌ها در پروژه‌ها استفاده کنید.

اگر این هم‌فکری در اتاق فکر یا تالار گفت‌وگو، در زمانی مشخص صورت گیرد، سودمندتر و اثربخش‌تر خواهد بود. این گام ماهیت ارزشیابی تکوینی نیز دارد. تصویر به‌دست‌آمده از بررسی آنچه دانش‌آموزان به اشتراک گذاشته‌اند، در این گام مورد استفاده معلم قرار می‌گیرد.

✓ شما می‌توانید با ایجاد نشست‌های مجازی در گروه، در زمانی مشخص که همه حضور داشته باشند، فرصت را به حل و فصل مشکلات یادگیری و پاسخگویی به مسائل دانش‌آموزان اختصاص دهید.

✓ از این طریق، یادگیری دانش‌آموزان به دلیل ایجاد نوعی تعامل، تعمیق می‌یابد. در این گام معلم می‌تواند به ارائه فعالیت‌های یادگیری مکمل از نوع‌های تمرینی، ترمیمی و بسط‌دهنده، به صورت تیمی یا فردی، اقدام کند. این تکالیف نیز به تعمیق یادگیری کمک می‌کنند. برای دریافت نتیجه اجرای این تکالیف، بازه زمانی مشخص کنید تا دانش‌آموزان آن‌ها را به معلم بفرستند.

✓ بررسی تکالیف توسط معلم انجام می‌شود. معلم می‌تواند برای بازخورد دادن به صورت فردی یا تیمی اقدام کند. او می‌تواند فعالیت‌های یادگیری انجام شده را ذخیره کند تا بعدها شواهدی برای ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان باشد. به‌ویژه در دوره متوسطه که معلمان نمره مستمر نیاز دارند، این شواهد می‌توانند منابعی برای نمره‌گذاری تکوینی و مستمر باشند. به این ترتیب عملکرد دانش‌آموزان در پوشه کار الکترونیکی ذخیره و مدیریت می‌شوند.



کنند و در طول دوره آموزشی از یادگیری هم حمایت کنند.

✓ به عنوان معلم بر خط، باز خورد شما به ایجاد تجربه یادگیری الکترونیکی که برای یادگیرنده آموزنده، جذاب و انگیزشی باشد، کمک می کند. باز خورد شما باید در طول فرایند آموزش الکترونیکی مداوم باشد و در اسرع وقت ارائه شود تا دانش آموزان بتوانند به روشنی تشخیص دهند کدام رفتارها یا مهارت هایشان باید بهبود یابد.

✓ شما می توانید با طراحی تمرین های مشارکتی، باز خورد های گروهی نیز ارائه دهید. این کار به بهبود تعامل در بین افراد یک کلاس بر خط نیز کمک می کند.

✓ معلمان در پایان هر جلسه درس، تدریس ضبط شده خود را به شیوه تاملی بازبینی می کنند و نقاط قوت تدریس خود را در طرح درس های بعدی تقویت و اشکالات را رفع خواهند کرد.

✓ معلمان با رویکردهای جدید، ارزشیابی به عمل خواهند آورد و دیگر به حافظه پروری و انباشت اطلاعات تأکید نخواهند داشت. سؤالات و تکالیف واگرا هستند و لازم است دانش آموزان برای پاسخ دادن انجام تکالیف، تلاش و تحقیق بیشتری داشته باشند. لذا انتظار سؤالات مبتنی بر حافظه و به خاطر سپاری (سؤالات همگرا) را نباید داشت. در ارزشیابی یادگیری مجازی بیشترین تأکید بر یادگیری سطوح بالای یادگیری است.

نقش اولیای دانش آموزان

از آنجا که کلاس های درس به خانه های دانش آموزان منتقل شده اند، رفتار اخلاقی و مراقبتی والدین و اعضای خانواده در صحت و سلامت برگزاری آموزش ها و آزمون های مجازی بسیار تأثیر گذار است، چرا که در این نوع آموزش، اولیای دانش آموزان به عنوان اولیای جدید در مدرسه مجازی ایفای نقش می کنند و جای خالی حضور فیزیکی معلمان و اولیای مدرسه را پر می کنند. لذا فرهنگ سازی و مشخص کردن نقش خطیر و حساس اولیا در فرایند آموزش مجازی، یکی از رسالت های فرهنگی است که بر دوش رسانه ها، جامعه آموزشی و سایر نهادها

سنگینی می کند.

✓ در طراحی و اجرای درس ها از رویکرد چند رسانه ای، پاورپوینت، فیلم و ویدیو، تصویر و نمودارهای مناسب آموزشی بهره ببرید.

✓ تعیین و مشخص کردن یکی از واحدهای یادگیری کتاب درسی، پیشنهاد و ارائه منابع و محتوای آن مهم است. این منابع می توانند متن ها، فیلم ها، فایل های صوتی و تصویری، اسلایدها، گیف ها و نرم افزارهای متنوع متناسب با هدف درس باشند. نقشه اولیه فعالیت های یادگیری مورد نیاز کشیده می شود. در این گام در واقع معلم به تولید یک بسته فعالیتی اقدام می کند تا دانش آموزان طبق محتوای بسته درگیر فعالیت های یادگیری شوند.

✓ بسته فعالیت چیز پیچیده ای نیست و به سادگی می تواند شامل چند فعالیت یادگیری نه چندان پیچیده باشد. مثلاً گوش دادن به فایل صوتی، خلاصه کردن درس، کشیدن نقشه ای مفهومی از درس، بلند خواندن یک متن، طرح چند پرسش از درس، پاسخ به چند پرسش، حل یک مسئله، رسم شکل و نمودار و انجام آزمایش، پژوهش های مستقل یا تیمی، کتاب و کتاب خوانی و بازی های هدفدار. در این گام، همچنین هدف یادگیری واحد درسی هم برای همه دانش آموزان به اشتراک گذاشته می شود تا فعالیت های پیشنهادی را آگاهانه انجام دهند.

✓ دانش آموزان بسته فعالیت را در منزل باز می کنند و فعالیت های خواسته شده را انجام می دهند. در این مرحله، در صورت لزوم با کمک والدین، بسته فعالیت را عملیاتی و اجرایی می کنند. البته روشن است که در این گام دانش آموزان همچنین می توانند از برنامه های آموزشی تلویزیون و سایر منابع کمک درسی و کمک آموزشی در اختیار بهره ببرند. این فعالیت به امکانات موجود در منزل و توانایی والدین نیز بستگی دارد.

✓ اطلاع رسانی و تولید راهنمای اجرای فعالیت ها را تولید کنید و بسته فعالیت را در اختیار دانش آموزان قرار دهید تا در منزل، با انجام فعالیت های پیشنهادی و درگیر شدن با محتوای مشخص شده، گام های اولیه یادگیری را بردارند. ■

✓ به دانش آموزان اطلاع دهید چه روزها و در چه بازه های زمانی بر خط خواهید بود و در خارج از آن ساعات چگونه می توانند با شما تماس بگیرند.

✓ با استفاده از پست های بر خط، فروم ها یا رسانه های اجتماعی، با جامعه یادگیری خود در ارتباط باشید و از این ابزار برای درگیر کردن آن ها نسبت به آموزش بر خط و محتوای آموزش استفاده کنید، چرا که وقتی ببینند معلم ها خود در بحث ها شرکت می کنند، بیشتر جذب می شوند و آن ها نیز بیشتر مشارکت می کنند. با استفاده از این تعامل، شما همچنین می توانید با دانش آموزان خود روابطی در زمینه های حرفه شان برقرار کنید و تجربه یادگیری آن ها را بسیار شخصی تر و به یادماندنی کنید.

✓ محیط یادگیری حمایتی ایجاد کنید. بهترین راه برای دستیابی به این هدف، تشویق تعامل بین معلم ها با دانش آموزان و همچنین تعامل دانش آموزان با یکدیگر است. دکتر جودیت بوتچر، یکی از محققان برجسته در زمینه آموزش الکترونیکی و یادگیری مبتنی بر وب، راهکارهای زیر را برای ایجاد این تعامل ها پیشنهاد می دهد: ✓ در شروع دوره بر خط خود، یک پست را به معرفی شخصی اختصاص دهید و از شرکت کنندگان بخواهید خود و زندگی خود را به صورت کوتاه برای بقیه معرفی کنند.

✓ یک تالار گفت و گو ایجاد کنید که در آن دانش آموزان بتوانند از همدیگر کمک بگیرند و سؤالات و پاسخ ها و تولیدات و دست ساخته ها و تجربه های خود را ارسال



ارزشیابی مجازی

سمانه محمدی، آموزگار دوره ابتدایی، ابهر © جواد محمدلو، آموزگار دوره ابتدایی، خرمدره

بعد از شیوع «ویروس کرونا» فعالیت‌های حضوری معلمان و دانش‌آموزان به صورت مجازی و در بستر شبکه آموزش دانش‌آموزی (شاد) در حال اجرا هستند. در چنین فضایی، خانه هر دانش‌آموز کلاس می‌شود و خانه و موبایل مهم‌ترین ابزار آموزش او محسوب می‌شوند. مهم‌ترین دغدغه معلمان در فضای مجازی، چگونگی آموزش و مهم‌تر از آن چگونگی ارزشیابی دانش‌آموزان در فضای مجازی است، زیرا ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان، به‌عنوان عنصر نافذ و تأثیرگذار برنامه درسی مجازی، بر سایر عناصر نظیر اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، شیوه‌های تدریس، نحوه تعامل معلم با یادگیرندگان، فرایند کار مدرسه‌ها و مدیریت آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

روش‌ها، مزایا و معایب

محیط‌های یادگیری مجازی امکانات و قابلیت‌های متنوعی دارند که از یک سو می‌توان با استفاده از آن‌ها، شیوه‌ها و راهبردهای مؤثری را برای ارزشیابی واقعی از آموخته‌های دانش‌آموزان به کار گرفت و از سوی دیگر قابل استفاده بودن این امکانات و ابزارها برای معلم و دانش‌آموزان و نیز اعتبار نتایج ارزشیابی حائز اهمیت است. منظور امکاناتی هستند که با توجه به شرایط امروز به لحاظ سرعت، پهنای باند، امکانات سخت‌افزاری دانش‌آموزان و معلم با آن‌ها هم‌خوانی دارند.

براساس مزایا، امکانات و ابزارهایی که معلم و دانش‌آموزان در اختیار دارند، می‌توان از روش‌های متفاوتی همچون ارسال فایل‌های صوتی یا تصویری، پرسش‌های فردی و گروهی از دانش‌آموزان در فضای زنده (لایو)، ارسال سؤالات به صورت تصویر، ارزشیابی از طریق بات‌های آزمون‌ساز، طرح سؤالات چهارگزینه‌ای در قسمت نظرسنجی برنامه شاد، همکاری والدین، انجام فعالیت یا پروژه توسط دانش‌آموزان و ارائه آن به وسیله فایل پاورپوینت یا ورد بهره برد.

برای ارزشیابی یک متن می‌توان از روش‌های طرح سؤال به صورت دانشی، فهمیدن و... تکمیل متن، خلاصه کردن متن، تبدیل متن به نقشه مفهومی، تبدیل متن به پوستر و اینفوگراف، قرار دادن فایل صوتی یا فایل ویدیویی روی متن، پیشنهاد تصویر برای متن یا ساخت تصویر، اضافه کردن ضرب‌المثل، لطیفه، داستان مرتبط با متن، تبدیل متن به مناظره، به چالش کشیدن متن، نقد متن و برای ارزشیابی از فعالیت‌های دانش‌آموزان می‌توان از روش‌های انجام فعالیت و گزارش آن، نوشتن دستورالعمل آن، اعلام نتیجه، قضاوت درباره فعالیت، و مرتبط کردن فعالیت با موضوعات گوناگون بهره گرفت.

بزرگ‌ترین دغدغه نظام‌های آموزشی در مورد ارزشیابی در فضای مجازی، موضوع اخلاق در ارزشیابی و در نتیجه قضاوت عادلانه در مورد میزان کسب شایستگی‌های دانش‌آموزان خواهد بود. در آزمون‌ها و ارزشیابی‌های فضای مجازی، برخلاف فضای واقعی، به دلیل ماهیت آن، یعنی کمتر بودن مراقبت‌ها و کنترل‌های معلمان و اولیای مدرسه، احتمال بروز رفتارهای غیراخلاقی بسیار بیشتر است. نمونه‌هایی از این رفتارها در فرایند اجرای آزمون‌ها در فضای مجازی می‌توانند کمک گرفتن از افراد ثالث، به اشتراک گذاری پاسخ‌ها بین دانش‌آموزان یک کلاس به روش‌های گوناگون، و استفاده از مواد و منابع آموزشی به هنگام آزمون باشند.

برای از بین بردن امکان تقلب، معلمان در ارزشیابی باید از حیطه دانشی (انتقال دانش) و بازخورد گرفتن از دانش‌آموزان خارج و وارد حیطه‌های ارزشمندتری شوند؛ مانند طرح پرسش و جست‌وجوگری در پاسخ پرسش‌ها. برای اطمینان از صداقت در پاسخگویی دانش‌آموزان بهتر است از آن‌ها خواهیم به طرح سؤال بپردازند. به این ترتیب، امکان تقلب بسیار کاهش می‌یابد، زیرا دانش‌آموزان وادار به فکر کردن می‌شوند. می‌توان از رفتار اخلاقی و مراقبتی والدین و اعضای خانواده در درستی برگزاری آزمون‌های مجازی بهره برد. بهتر است معلمان معیارهای سنجش را با مشارکت دانش‌آموزان تعیین کنند تا هم باری از دوش معلمان برداشته شود، هم دانش‌آموز در بعد درک معیارهای قضاوت توانمند شود. علاوه بر این‌ها، به هنگام ارزشیابی، استفاده از بازخوردهای توصیفی مناسب به صورت صوت، متن و استیکرهای موجود که از امکانات فضای مجازی (و برنامه شاد) است، می‌تواند دانش‌آموزان را چند قدم در یادگیری به جلو سوق دهد.



ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان یکی از مسائل مهم برنامه‌های درسی مجازی است. محیط‌های یادگیری مجازی امکانات و قابلیت‌های متنوعی دارند که از یکسو می‌توان با استفاده از آن‌ها راهبردهای مؤثری را برای ارزشیابی واقعی از آموخته‌های دانش‌آموزان به کار گرفت و از طرف دیگر، اطمینان از صحت و اعتبار شیوه‌های ارزشیابی مجازی با توجه به توسعه مداوم ابزارهای الکترونیکی، با چالش‌ها و دشواری‌های متعدد روبه‌روست.

محیط‌های یادگیری مجازی ظرفیت‌های متنوعی برای بسط مهارت‌های مشارکتی، تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی دارند. لذا شیوه‌های ارزشیابی متناسب با این محیط باید علاوه بر یادگیری موضوعی، این مهارت‌ها را نیز ارزشیابی کند. فناوری‌های جدید به همان اندازه که به بهبود یادگیری کمک می‌کنند، قادرند فرایند ارزشیابی را به سمت واقعی و اصیل شدن سوق دهند. محیط‌های یادگیری مجازی تلاش می‌کنند ارزشیابی را در کنار فرایند آموزش و یادگیری ببینند و آن‌ها را مکمل یکدیگر تلقی کنند.

پیشنهادها

- تأکید بر ارزشیابی مستمر و تکوینی به جای ارزشیابی‌های پایانی؛
- سهیم شدن یادگیرندگان در طراحی تکالیف ارزشیابی؛
- طراحی تکالیف متنوع با استفاده از امکانات محیط‌های مجازی. ■

منابع

۱. سراجی، فرهاد (۱۳۹۳). ارزشیابی در فضای مجازی. مجله برنامه درسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات. شماره ۱۷.
2. Marriott, P. (2009). Students' evaluation of the use of online summative assessment on an undergraduate financial accounting module. British Journal of Educational Technology, 40 (2).



یادگیری ماندگار

تدریس به کمک گروه‌های همیار محور

الهه حدادیان، دبیر فیزیک منطقه خدابنده، شهرستان ابهر، استان زنجان

ظرفیت کار گروهی و فرصت‌های نهفته در لایه‌های پایین هرم استفاده می‌شود تا جواب سؤال مطرح شده ارائه شود.

آموزش به روش زنجیره‌ای

معلم با دو دانش‌آموز سرگروه (الف) از هر کلاس، به‌طور مستقیم در گروهی مجازی (شاد) در ارتباط است. اشکالات مفهومی و علمی آن دو نفر را با بحث در گروه رفع می‌کند. سؤال‌های جدید، تست و مطالب مفید را در اختیارشان قرار می‌دهد و بر بحث و حل گروهی آن‌ها نظارت می‌کند. حالا این دو نفر سرگروه آماده‌اند که دو نفر همیاران (ب) زیر مجموعه‌شان را در گروه مجازی جداگانه (شاد) آموزش دهند؛ مانند آموزشی که از معلم خود دریافت کرده‌اند، تدریس مطالب جدید و رفع اشکالات علمی و حل سؤالات به صورت بحث گروهی. در صورت نیاز هم اشکالات مطرح شده‌ای که توان حل آن را ندارند، به معلم انتقال داده می‌شود. در اینجا اعضای گروه ب آماده شده‌اند اعضای زیرمجموعه خود را آموزش دهند.

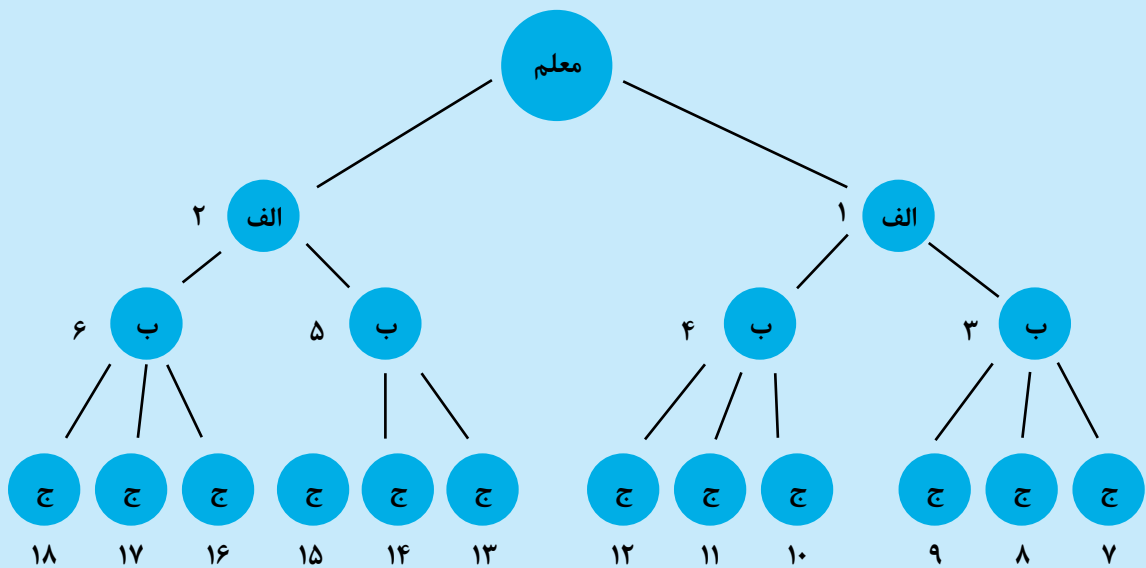
هر کدام از اعضای ب در گروه مجازی دیگری مطالب جدیدی را که آموزش دیده‌اند، برای هم‌کلاسی‌های خود که در زیر مجموعه‌اش قرار دارند، یعنی (ج) تدریس و بر حل گروهی تمرین‌ها و رفع اشکالاتشان نظارت می‌کنند. در صورت

چالش حل مسئله غلبه کند. زمان محدود کلاس درس مجازی و حضوری، این نیاز جدی دانش‌آموز را بی‌جواب گذاشته و معلم در عمل قادر نیست بسیاری از مفاهیم ذهنی دانش‌آموزان را تحلیل کند و درست و غلط بودن آن‌ها را تذکر دهد تا دانش‌آموز با اصلاح اشتباهاتش، یادگیری خود را بهبود بخشد و بتواند تمرین را حل کند و با لذت و شوق حاصل از حل معمای تمرین، اعتماد به نفسش را تقویت کند.

این بار سؤال قبلی چه باید کرد، قوی‌تر مطرح می‌شود؛ چگونه می‌توان تک‌تک لامپ‌های خاموش کلاس را روشن کرد؟ جواب این سؤال در لایه‌های پایینی هرم یادگیری ادگاردیل آرمیده است. آنجا که آقای رالف تایلر در کتاب مشهور خود به نام «نظریه‌های اساسی در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی» می‌گوید: فراگیرندگان فقط و فقط آن چیزی را به خوبی یاد می‌گیرند که خود تجربه کنند. در این هرم، وقتی افراد تجربه‌اندوزی می‌کنند، ۷۵ درصد اطلاعات برایشان ماندگار می‌شود و در صورتی که به دیگری بیاموزند، یادگیری عمیق و ماندگار، قبل از دیگری، پیشکش شخص آموزش‌دهنده می‌شود و ۹۰ درصد اطلاعات برایش ماندگار و ثبت می‌شود. در مدل تدریس ماندگار به کمک گروه‌های شیشه‌ای همیار محور از

یکی از مسئله‌هایی که در دوران تدریس همیشه با آن مواجه بودم، این بود که چه مقدار از دانشی که در طی تدریس منتقل شده، برای دانش‌آموزانم قابل فهم و چه سهمی از آن برایشان ماندگار شده است. زمان محدود کلاس‌های حضوری، حتی با صرف زنگ‌های تفریح نیز برای به نتیجه رسیدن کافی نبود و ناچار به اندازه‌توان بسنده می‌شد و بقیه بحث را به کلاس بعدی موکول می‌کردیم. کرونا که آمد، با تمام سختی‌ها و مشکلاتش، گویا راه حل سؤال قدیمی را در آستین داشت. پای کلاس‌های مجازی را به صورت رسمی به آموزش و پرورش باز کرد و مدیریت زمان‌بندی کلاس را در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار داد. دیگر بحث نیمه‌کاره بالاچار قطع نمی‌شد و فرصت برای به اتمام رساندن گفت‌وگوها در اختیار بود. اما مشکل تحلیل تکالیف و بازخوردها همچنان وجود داشت. مشاهده همه تکالیف و بررسی آن‌ها بسیار وقت‌گیر بود و با گذشت زمان تکالیف فرستاده شده دانش‌آموزان به کوهی از پیام‌های بازبینی‌نشده تبدیل می‌شد. در این شرایط چه باید کرد؟

تحلیل تکالیف و بازخورد آن‌ها قسمت مهمی از پروسه تدریس است. تمرین به دانش‌آموز فرصت می‌دهد فهم خود از مطالب و معنای خلق شده در ذهنش را مطرح و در صورت درست بودن آن‌ها، بر



پیشنهاد: یک تک ساعت از تدریس موظفی معلم برای تدریس و نظارت در گروه الف (سرگروهها) در نظر گرفته شود که نتایج آن توسط رشد تصاعدی موجود در زنجیره سریع و با فرصت چند برابر به صورت اختصاصی در اختیار تک تک دانش آموزان کلاسها قرار می گیرد.

هر سه کلاس در یک گروه همیاری با یکدیگر در تعامل اند و با نظارت سرگروهها فعالیت می کنند.

مهر سال ۹۹ این طرح در چند مدرسه برای سه کلاس فیزیک پایه دهم اجرا شد. در درس فیزیک دهم، یک گروه الف شامل ۶ نفر سرگروه کلاسها و ۱ گروه ب (همیاران) شامل ۱۲ نفر همیار (۴ همیار از هر کلاس) و ۶ سرگروه و ۱۲ گروه کلاسی مجزا شامل ۳ نفر عضو کلاسها و ۱ همیار، با برنامه ای از پیش تعیین شده و هفتگی، مانند مدرسه شیشه ای، در حال فعالیت هستند و معلم هر موقع که لازم بداند، عملکرد گروهها را به صورت غیرعلنی زیر نظر دارد و هر زمان که مناسب باشد، در ساعت فعالیت گروهها، به صورت علنی مهمان آنها می شود و سؤالاتی از اعضا می پرسد و نوعی ارزشیابی تکوینی واقعی ثبت می شود. ■

پی نوشت

1. Practice by doing

و تدریس می کند. بنابراین، به بالاترین سطح یادگیری در کوتاه ترین زمان می رسند. البته این فرصت برای همه افراد فراهم است و تمام دانش آموزان در این تجربه با یکدیگر همراه هستند. و هر روز فرصتی دیگر است برای تجربه اندوزی همگانی.

و اما فرصتی طلایی که این طرح در اختیار دانش آموزان یک پایه قرار می دهد، این است که اگر در یک پایه چند کلاس باشند، گروه الف شامل سرگروههای کلاسهاست، دو سرگروه از هر کلاس به عنوان نمایندگان هر سه کلاس در کنار هم، مشکلات خود را مطرح و از دانش و تجربه های همدیگر استفاده می کنند و این همسان سازی، نه فقط در یک کلاس، که در یک پایه اتفاق می افتد. هر کدام از سرگروهها در این گروه فرصت دارد در رفع ایرادهای علمی خود، از بقیه سرگروهها کمک بگیرد و نیز هر مطلب جالب و مفیدی را که به آن مسلط است، با نظارت معلم، برای بقیه تدریس کند. به همین صورت، تمام اعضای همیاران (ب)

نیاز هم اشکالات را به سرگروه خود منتقل می کنند. به این طریق، تک تک چراغهای خاموش کلاس از طریق همان دو نفر اول زنجیره (سرگروه)، به انرژی معلم وصل و روشن می شوند.

و این یعنی هر ۱۸ نفر اعضای کلاس، همزمان و هم سطح آموزش می بینند و پیشرفت می کنند. یکی از نقاط قوت این مدل آن است که معلم ایجادکننده تمام گروههای مجازی (شاد) است و کار گروهی تک تک دانش آموزان مانند کلاس شیشه ای زیر نظر معلم است. بدون هیچ هزینه ای (در تمام لحظات) عملکرد هر دانش آموز در گروه ثبت می شود و مراحل پیشرفت تحصیلی اش در اختیار معلم قرار می گیرد. حدود دو هفته بعد از اجرای طرح، وضعیت تحصیلی تمام دانش آموزان، کاملاً مستند، برای معلم تعریف شده است. انتقال اطلاعات و فهم مؤثر در این طرح بسیار سریع اتفاق می افتد، به علت اینکه هر کس مسئول چند نفر (محدود) زیرمجموعه خود است و مفاهیم و مطالب را خود تجربه



رتبه دوم، چهارمین دوره فراخوان خاطرات معلمی

بچه غول‌های چراغ جادو

فرزانه شول، آموزگار پایه پنجم ابتدایی، شهرستان سیرجان، کرمان

در ذهنمان مرور کنیم. هزار و یک، هزار و دو، هزار و سه، ... هزار و ده. در ذهن شمردم و بعد: «لطفاً چشم‌هایتان را ببندید. می‌خواهیم به دنیای آرزوهایمان برویم!»

یک موسیقی بی‌کلام ملایم را برای مهیاتر کردن فضا پخش می‌کنم. توصیف می‌کنم دنیایی را که چند دقیقه پیش ساختیم:

«تصور کنید جایی را که همه چیز خوب است. هر چه را که آرزو کردید، دارید. هیچ چیزی برایتان رؤیا نمی‌ماند. کسانی که دوستشان دارید، پیششان هستند. هر چیزی که بخواهید بخورید، برایتان فراهم می‌شود. لباس‌هایی را می‌پوشید که عاشقشانید. به جاهایی می‌روید که همیشه دوست داشتید بروید. همه آدم‌ها سالم هستند. اصلاً نمی‌فهمید درد چیست، بیماری چیست، غصه چیست، دل‌تنگی چیست! پرنیان می‌تواند یک خانه شکلاتی داشته باشد برای خود خودش. زهره هر وقت اراده کند و دستش را دراز کند، کلی غذای خوشمزه در دستش هست. هانیه همیشه زیبا می‌ماند. سارا آن قدر پول دارد که می‌تواند هر چه دلش بخواهد بخرد. هیچ کس مجبور نیست به خاطر فقر، کاری را انجام بدهد که دوست ندارد. کسی بقیه را اذیت نمی‌کند، جنگ و مرگ، قهر و بداخلاقی، غم و حسرت، دوری و جدایی وجود ندارد، همه آدم‌ها نسبت به هم عشق و محبت دارند. هیچ چیزی تکراری نیست. هیچ وقت از چیزی خسته نمی‌شوی و این قدر آرامش و احساس خوشبختی داری که دوست داری همیشه همین‌طوری بماند!»

چشم‌هایشان بسته است، اما لبخندی زیبا روی لب هر کدامشان نقش بسته است. دنیایی را تصور می‌کنند که شاید تاکنون زندگی نکرده‌اند.

چشم‌هایتان را باز کنید، حستان را بگویید! به نظر شما کجا برویم که این‌طوری باشد؟

- خانم خیلی خوب بود.
- خانم اجازه! شبیه بهشت بود.
- خانم اجازه! کاش دنیای واقعی هم همین‌طوری بود.
- خانم، من دلم غذاهای خوشمزه خواست.
- خانم، فقط بهشت اینجوری است.

← آرزو کن، قبل از اینکه رؤیا شود. فریادش بزن، قبل از اینکه رؤیا شود. برآورده‌اش کن، قبل از اینکه رؤیا شود. قبل از اینکه رؤیا بماند، قبل از اینکه از دلت برود و از سرت بیفتد.

«بچه‌ها این زنگ قرار است فقط از آرزوهایمان بگوییم؛ کوچک یا بزرگ، ممکن یا غیرممکن، واقعی یا تخیلی، فرقی ندارد. می‌خواهیم آرزوهای همدیگر را بشنویم. هر کداممان حتماً بی‌شمار آرزو داریم. یکی‌شان را گلچین می‌کنیم و روی تخته کلاس می‌نویسیم؛ قبل از اینکه آرزویت را بنویسی، آن را بلند به زبان بیاور.»

هر کس آرزویی گفت. کلاسمان با شنیدن هر آرزو، گاه غرق در شغف، گاه اندوه، گاه حیرت و گاه حسرت می‌شد! قبل از دانش‌آموزانم، خودم شروع می‌کنم. دوست دارم آرزویم را بگویم و فریادش بزنم. شاید کسی زورش برسد

برآورده‌اش کند. وسط تخته کلاس می‌نویسم «جوانی ابدی». دانش‌آموزانم آرزو می‌کنند و من می‌نویسم: «زندگی در یک خانه شکلاتی، سلامتی پدر و مادرم، پرداخت هزینه بیمارستان برای مرخص شدن مادرم، خوردن پیتزا با خانواده، دیدن کل دنیا، پوشیدن یک لباس نو و قشنگ، پزشک شدن، مجبور نبودن مادرم به جمع کردن زباله، دیدن کهکشان‌ها، نگاه داشتن زمان، خرید یک ویلچر برای برادرم، خواندن فکر بقیه، دانستن همه چیز، پولدار شدن و...»

تخته پر شده بود از آرزوهایی که نه به اندازه قدشان، که به قدر قلبشان بود. اگر چه هر کدام از زبان یکی از بچه‌ها گفته شده بود، اما به تخته که نگاه می‌کردیم، آرزوهای خودمان را در آن می‌دیدیم؛ گویی حرف دلمان بود!

- بچه‌ها، همگی برای چند ثانیه به تخته کلاس نگاه کنیم و آرزوهایمان را

- خانم اجازه! یعنی من در آنجا می‌توانم دوباره بابایم را ببینم؟
- خانم، مامان بزرگ منم دوباره همه چیز یادش می‌آید؟
- اجازه! کاش الان ما بهشت بودیم.

بهشت
بهشت
بهشت

«درست حدس زدید بچه‌ها. بهشت جایی است پر از آرزوهای برآورده شده. بهشتی‌ها آدم‌هایی هستند که سعی می‌کنند آرزوهای خوب بقیه را توی همین دنیا برآورده کنند.

پس اگر بخواهیم برویم به بهشت، به سرزمین آرزوهایمان، باید سعی کنیم در همین دنیا آرزوهای خوب آدم‌ها را برآورده کنیم. اگر هر کداممان حداقل یک آرزو را برآورده کنیم، اینجا خودش می‌شود یک «بهشت». می‌شود سرزمینی پر از آرزوهای برآورده شده و ما هم می‌شویم آدم‌های بهشتی.
آماده‌اید یک بهشت بسازیم؟

از همین الان شروع می‌کنیم. به آرزوهایمان که روی تخته نوشته شده‌اند، دوباره نگاه کنید. هر کدامان یک گول چراغ جادو می‌شویم و سعی می‌کنیم یکی از آن‌ها را برآورده کنیم. من آرزوی دوستم را برآورده می‌کنم، او آرزوی دوستش را و این زنجیره ادامه پیدا می‌کند و یک جایی به خودمان می‌رسد و کسی آرزوی ما را برآورده می‌کند. آرزویی را انتخاب کنیم که بتوانیم برآورده‌اش کنیم. قرار ما فردا، همین جا، بهشت آرزوها.

فردا مشق نداریم. کتاب هم نیاورید. فردا می‌خواهیم یک تکه بهشت بسازیم. فردا که از خواب بیدار شدی، صورت ماهت را شستی، صبحانه‌ات را خوردی، بندهای کفشت را محکم ببند، چون گول چراغ جادو باید قوی باشد تا زورش به آرزوها برسد. مانتویت را که پوشیدی، آرزوهایت را بگذار داخل جیبت تا همیشه همراهت باشند، کیفیت را که جمع می‌کنی، آرزوهایی را که برآورده کرده‌ای بگذار داخلش. روی لبت یک لبخند باشد مثل لبخند کسی که آرزوهایش برآورده شده است.»

به دانش‌آموزانم گفته بودم با والدینشان مشورت کنند و با رضایت آن‌ها برای یک آرزو، گول چراغ جادو باشند. شاید پدر و

مادرها هم به ما اضافه شوند تا گول‌های چراغ جادوی بیشتری برای برآورده کردن آرزوها داشته باشیم. به این ترتیب بهشتمان بزرگ‌تر می‌شود.

صبحی که منتظرش بودیم، طلوع کرد. زمین هم می‌دانست امروز بهشتی می‌شود. داخل کیفم مقداری پول می‌گذارم برای هزینه بیمارستان مادر نگین. یک لباس دخترانه زیبا برای الهه. با همکارانم تصمیم گرفته‌ایم ماهانه مبلغی به خانواده سوگل کمک کنیم تا مادرش دیگر مجبور نباشد در زباله‌ها دنبال امید بگردد. زودتر از همیشه می‌روم مدرسه. برایم عجیب نیست که دانش‌آموزانم هم زودتر از بقیه خودشان را به مدرسه رسانده‌اند! چقدر ذوق توی چشمانشان بود! شاید در دلشان زمزمه می‌کردند: «یعنی آرزوی من در کیف کدام یکی از بچه‌هاست؟»

مینا گفت: «خانم، من یک نامه نوشته‌ام برای یسنا که دیروز آرزو کرده بود باهم آشتی کنیم. نوشتیم که خیلی دوستش دارم و برای همیشه با او آشتی هستیم.»
هستی گفت: «خانم، من و دوستانم پول‌هایمان را گذاشتیم روی هم تا بتوانیم هزینه بیمارستان مادر نگین را پرداخت کنیم که مامانش بیاد خانه پیششان.»
زهره گفت: «خانم، بابای من مغازه فست‌فود دارد. قرار شد امروز برای شام به خانواده‌هایی که پول‌هایشان کم است، پیتزای مجانی بدهد. بعضی‌هایشان همسایه‌مان هستند. من هم می‌خواهم بروم پیش بچه‌هایشان تا دور هم یک پیتزای خیلی بزرگ که پدرم پخته‌است، بخوریم.»

یسنا گفت: «خانم، مامان من توی بهداشت کار می‌کند. با چند نفر از همکارانش یک ویلچر خریده‌اند برای برادر آیدا. زنگ آخر ویلچر را می‌آورند مدرسه.»
یگانه گفت: «خانم، من و فاطمه قرار گذاشتیم زنگ‌های تفریح، من با فاطمه درس‌ها را کار کنم تا درسش خیلی خوب بشود.»

نرگس گفت: «خانم، من دیروز دوچرخه‌ام را بردم خانه هدی تا یک هفته مال او باشد و هدی هر چقدر دوست دارد با آن بازی کند.»

غزاله گفت: «خانم، من یک جعبه خرما آورده‌ام. مامانم گفت اگر همه ما بچه‌ها یک دانه خرما بخوریم و برای بابای یاس

صلوات بفرستیم، خدا یک جای خیلی خوب به بابای یاس می‌دهد.»

- آفرین بچه‌ها، بیایید به هم قول بدهیم که وقتی بزرگ شدیم، باز هم گول چراغ جادو بمانیم. باز هم آرزوهای خوب را برآورده کنیم. از همه جا یک بهشت بسازیم. آن وقت در بهشتی که خدا برایمان ساخته‌است به رویمان باز می‌شود.

ما زورمان به بعضی از آرزوها نرسید، ما نمی‌توانیم مامان بزرگ‌هایمان را جوان کنیم، نمی‌توانیم جلوی مرگ عزیزانمان را بگیریم، نمی‌توانیم بعضی از بیماری‌ها را خوب کنیم، نمی‌توانیم فکر بقیه آدم‌ها را بخوانیم، نمی‌توانیم برگردیم به گذشته، نمی‌توانیم بابای یاس را به او برگردانیم.

ولی ما می‌توانیم این قدر مهر و محبت را زیاد کنیم که هیچ دعوی شروع نشود. این قدر به هم کمک کنیم که هیچ کسی ضعیف نشود. این قدر به هم ببخشیم که کسی فقیر نشود. این قدر با هم مهربان باشیم که کسی تنها نشود.

آن‌هایی که ما نمی‌توانیم، شگفتانه‌هایی هستند که خدا فقط برای بهشتی که خودش ساخته گذاشته‌است. می‌خواهد در آنجا ما را غافلگیر کند، می‌خواهد به آدم‌های خیلی خوبش چیزهایی بدهد که هیچ گول چراغ جادویی نمی‌تواند به آن‌ها بدهد. برای همین است که خدا از همه بزرگ‌تر و تواناتر است!

آن روز ما یک زنجیره راه انداختیم و نامش را «گول چراغ جادو» گذاشتیم تا آرزوهای خوب آدم‌ها را برآورده کنیم. عهدی بستیم همیشگی و تک‌تک پایش ایستادیم. حالا مدتی است زنجیره ما بزرگ‌تر شده، گول‌های چراغ جادویمان تکثیر شده، آرزوهای بیشتری برآورده شده و بهشت‌های زمینی جدیدی ساخته شده‌اند.

...

«بهشت» و «جهنم» از آن دست مفاهیمی هستند که حتی اگر درکش کرده باشی، باز در فهماندنش به دیگری، به خصوص اگر کودک باشد و نا آشنا با مفاهیم انتزاعی، قاصری. دانش‌آموزانم حالا مدتی است بهشت را نه تنها فهمیده‌اند، بلکه پیدایش کرده‌اند؛ روی همین کره خاکی آن را ساخته‌اند.

بیایید آرزو کنیم؛ اینجا یک تکه از بهشت است و ما گول چراغ جادویم. ■



تجربه‌نگاری مشارکت اولیا

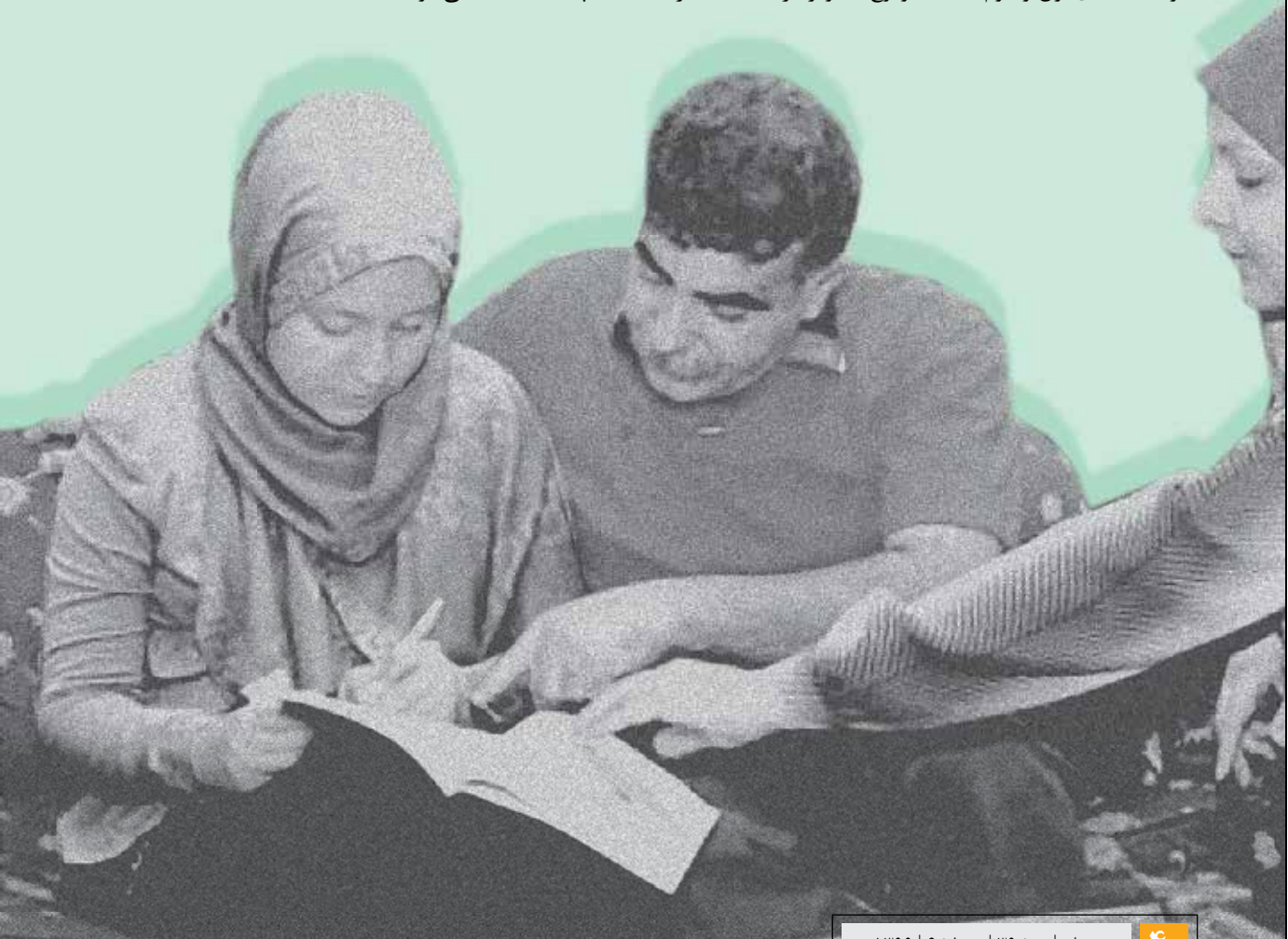
منصوره جنابی، دبیر ادبیات، شهر خوانسار

ارتباط با خانه باشد و با روش‌های گوناگون، اسباب مشارکت فکری اولیا را در تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند. چند نکته حائز اهمیت است:

روش مدرسه باید به‌گونه‌ای باشد که والدین مطمئن باشند باری از روی دوش خودشان و فرزندشان برداشته می‌شود.

بلوغ عاطفی و جسمی دانش‌آموزان، دو نهاد خانه و مدرسه در روند یادگیری دانش‌آموز نقش بسزایی دارند و در تکامل شخصیت اجتماعی و بلوغ فکری و عاطفی او مؤثرند. اما این زمانی محقق می‌شود که هر دو طرف (مدرسه و والدین) این تعامل را جدی بگیرند. در این زمینه، نقش مدرسه حتی ویژه‌تر است. مدرسه باید پیشاهنگ

وضعیت موجود هر جامعه‌ای نتیجه یادگیری دیروز افراد آن جامعه در خانه و مدرسه است. یک اصل مهم دانایی می‌گوید: «آینده یافتنی نیست، بلکه ساختنی است. اگر به دنبال ساختن آینده جامعه هستی، بین خانه و مدرسه پل ارتباطی بزَن.» در سطوح گوناگون آموزشی، به‌ویژه متوسطه‌های اول و دوم، به‌علت وقوع



والدین مدرسه را محلی امن بدانند که در آن رازهای بین مدیر، معلم و خانواده کاملاً مخفی نگه داشته می‌شود. در دبیرستان، به‌خاطر بروز مسائل روان‌شناختی، نیاز به تعامل والدین محسوس‌تر است و این موضوع، به‌خصوص در شهرهای کوچک‌تر، باید جدی گرفته شود.

تعامل و تعداد دفعات حضور والدین در مدرسه و پاسخگویی عوامل اجرایی و آموزشی به آن‌ها، به برنامه‌ریزی دقیق بین پایه‌ها منوط است. تجربه بنده نشان داده است که مدیران محترم بنا بر شرایط خاص یا عام، اولیا را به مدرسه فرا می‌خوانند. همچنین، اگر مورد خاص اخلاقی یا درسی از دانش‌آموزی سر بزند، مدیر شرایط تعامل دبیر مربوطه با اولیا را فراهم می‌کند که جای تشکر دارد. اما امروزه این کار با وجود فضای مجازی و پلتفرم‌هایی مثل تلگرام و واتساپ می‌تواند نتیجه بهتری را حاصل کند.

ما معلمان، پس از یک ماه هم‌نشینی با دانش‌آموزان، می‌توانیم بسیاری از ضعف‌های درسی و حتی اخلاقی دانش‌آموز را ارزیابی کنیم. پس به تجربه می‌توانم بگویم، در هر کلاس، دبیر حرف اول و آخر را می‌زند. بنابراین، بسیاری از معضلات اخلاقی و مسائل آموزشی در تعامل با دبیر مربوطه بهتر انجام می‌شود و به نتیجه می‌رسد؛ مشکلاتی از جمله:

افت تحصیلی، نداشتن برنامه منظم، دوستان ناباب، چگونگی مطالعه، خشم و عصبانیت، نداشتن تمرکز فکری در کلاس، افسردگی و خجالت.

والدین باید به معلم نگاه بهتری داشته باشند و آنان را همکارانی در روند رشد و نمو فرزندشان تلقی کنند. آن‌ها باید از تعصبات کورکورانه مادر و پدری اجتناب کرده و به شکل پیوسته (حضور یا مجازی) با معلمان در ارتباط باشند. البته اگر دانش‌آموزی دچار مشکلات شخصیتی و جسمی یا گرفتاری‌های خانوادگی است، مدیر باید همان ابتدای سال این موارد را گوشزد کند که مبادا حرمت معلم، دانش‌آموز و والدین خدشه‌دار شود. این مشکلی است که در طول چندین سال اخیر در جلسات شورای دبیران بسیار مطرح شده است.

اگر والدین به‌علت مشکلات اخلاقی یا درسی به مدرسه احضار می‌شوند، ممکن است دانش‌آموز با القای مطالب نادرست و به دور از واقعیت، خشم را در پدر و مادرش نهادینه کند. بنابراین، اینجا نقش مدیر، معلم و مدرسه بسیار حائز اهمیت است. آگاهی و صبر و ارتباط مؤثر، راهگشای بسیاری از مسائل است.

در سال دهم تدریسم در یکی از دبیرستان‌ها اتفاقی رخ داد که بیانش خالی از لطف نیست. دبیران ادبیات از دانش‌آموزان سال چهارم (پیش‌دانشگاهی) انتظار دارند بر کل

آرایه‌های ادبی مسلط باشند، چرا که در سال قبل، امتحان نهایی آرایه‌های ادبی را گذرانده‌اند.

در آن سال، من از دانش‌آموزی خواستم تشبیه و استعاره را در بیتی بیابد، اما او نتوانست. حتی چند سؤال دیگر هم بی‌پاسخ ماند. وقتی متوجه شدم نمره درس آرایه‌های ادبی سال گذشته را ۱۸ گرفته است، از او پرسیدم: «چگونه درس آرایه را پاس کرده‌ای، اما اکنون مردد و درمانده‌ای؟!» او این تذکر مرا با کلی‌گویی و اضافات بسیار به اطلاع والدینش رساند. متأسفانه فردای آن روز مادر او با بنده تماس گرفت و با کمال بی‌ادبی و اهانت، ناسزاهایی گفت و حرمت معلم را نگه نداشت. وقتی مسئله را با مدیر مدرسه در میان گذاشتیم، او با والده تماس گرفت و از او خواست با بنده ملاقات حضوری داشته باشد. وقتی مادر به مدرسه آمد و شکل صحیح گفته مرا متوجه شد، ضمن عذرخواهی از بنده، فرزندش را که شرح واقعه را خلاف واقعیت در خانه بیان کرده بود، تفهیم کرد.

در شرایط حاد مثل همه‌گیری کرونا، تعامل والدین با مدرسه کاملاً مشهود است. برنامه‌ریزی درسی، پرورشی و... با استفاده از فضای مجازی و همراهی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، کار آموزش‌وپرورش را به سرانجام نیک می‌رساند، اگرچه به‌هیچ‌عنوان جای آموزش‌وپرورش حضوری را نخواهد گرفت. ■



بینیم و بنویسیم

© حسین حسینی نژاد



پیش رفتن است. فرض کنید اراده می‌کردیم، مطلب خلق می‌شد؛ دیگر چه لذتی از کشف می‌بردیم؟! چه لذتی از احضار واژه‌ای می‌بردیم؟! چه لذتی از ویرایش می‌بردیم؟! همان‌طور که خیاط از الگوبرداری، برش، کوک و دوخت لذت می‌برد، و در نهایت هم از آنچه خلق کرده، بیشتر غرق لذت می‌شود. نویسنده هم از کنار هم چیدن واژه‌ها، ترکیب‌ها، جملات و بندها لذت می‌برد و در آخر هم به آنچه آفریده است، خیره می‌شود و به خود مرحبا می‌گوید.

در این مسیر، یعنی از نقطه شروع تا پایان، هرچه عضله‌های نویسنده پرورده‌تر شده باشند، آفرینش او کامل‌تر خواهد شد؛ عضله دیدن،

نوشتن یکباره اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی این‌طور نیست که نویسنده اراده کند مقاله، گزارش، داستان و یادداشتی بنویسد و همه چیز حاضر و آماده شود. اگر این‌گونه بود که آن را به عرق‌ریزان روح تشبیه نمی‌کردند. نوشتن مثل هر کاری، تدریجی و سخت پیش می‌رود.

ممکن است در آخر، ما نتیجه کار را به شکل مقاله، کتاب و... ببینیم. ولی در عمل، ذره‌ذره پیش رفته تا به اینجا رسیده است؛ درست مثل جاده‌سازی، خانه‌سازی، کشتی‌سازی، کوهنوردی و پیاده‌روی؛ گام‌به‌گام، قدم‌به‌قدم، سانت‌به‌سانت و ذره‌به‌ذره پیش می‌رود. لذت نوشتن در همین گام‌های کوچک و میلی‌متری

چشیدن، بویدن و لمس کردن نویسنده به عضله قوی شنیدن نیاز دارد تا هم خوب بشنود و هم خوب گزینش کند. به تقویت عضله خواندن نیاز دارد. هر چه این عضله را تقویت کند، خروجی آن، که نوشتن و بیان کردن باشد، غنی تر خواهد شد. اگر نوشته را به آبمیوه تشبیه کنیم و خواندن را به میوه، باید مدام در این ظرف، میوه خواندن بریزیم تا خروجی اش به نوشته‌ای شاداب، پرانرژی و حیات‌بخش بدل شود.

شک نکنیم که صاحبان رمان‌های بزرگ و داستان‌های ماندگار و نوشته‌های اثرگذار، مدام در حال تقویت عضله‌های نوشتاری خود بوده‌اند. ساعت‌ها قدم زده‌اند تا ببینند و بشنوند و لمس کنند. ساعت‌ها گپ‌وگفت داشته‌اند تا از دل آن، نوشته‌های خوب بیرون بیاید. سوخت آنان نیز پس از هر بار نوشتن تمام می‌شد. با قدم‌زدن، نگاه‌کردن، تماشاکردن، لمس کردن و تجربه‌کردن سوخت خود را کامل و در نتیجه عضله نوشتن خویش را قوی کرده‌اند.

تماشای تلویزیون، گفت‌وگو، پارک‌رفتن، قدم‌زدن، تلفن کردن، خوردن و... عضله‌های نوشتاری ما را تقویت می‌کنند. هر جا هستیم، خود را با یکی از این‌ها درگیر و سرگرم کنیم. نتیجه‌اش جاری شدن قلم‌های ما خواهد شد؛ به همین آسانی!

از طرف دیگر هم هر کدام از ما نویسندگان محبوبی داریم که با آثار آنان زندگی می‌کنیم. با خواندنشان شاد و غمگین می‌شویم. به اوج و فرود می‌رویم. انرژی

می‌گیریم؛ طوری که می‌خواهیم کوه را جابه‌جا کنیم. در هر دوره و سن و سالی هم یکی بیشتر از بقیه روی ما اثر می‌گذارد و سایه‌اش را بر زندگی و افکارمان پهن می‌کند. گاهی هم چند نویسنده با هم، فضای ذهن و دل ما را پر می‌کنند و نمی‌دانیم بگوییم کدامشان را بیشتر دوست داریم؛ مثل کودکی که وقتی با این سؤال مواجهش می‌کنیم که «پدرت را بیشتر دوست داری یا مادرت را» او این پا و آن پا می‌کند و می‌گوید: «هر دو را!». ما هم نمی‌توانیم بگوییم کدام را بیشتر از دیگری دوست داریم و کدام بیشتر از بقیه بر ما اثر گذاشته است. فقط می‌دانیم که همه‌شان را دوست داریم.

اگر خوب دقت کنیم، رد پای هر کدام را می‌توانیم در نوشته‌مان پیدا کنیم. از هر یک نکته‌ای آموخته‌ایم؛ از یکی جمله‌بندی‌های شفاف و کوتاه، از یکی تشبیهات عالی، و از دیگری توصیف و ذکر جزئیات. نحوه استدلال را از نویسنده‌ای آموخته‌ایم. تمرکز بر ایده اصلی را از دیگری یاد گرفته‌ایم و به‌کارگیری واژه‌های نرم و لطیف را با خواندن رمان‌های محبوبمان به‌دست آورده‌ایم.

ما به مرور بر اثر زیادخواندن آموخته‌ایم که نوشته‌های روشن از افکار روشن بیرون می‌آیند. کسی که فکر روشن دارد، سازمان‌دهی مطلبش هم شفاف و یکدست است و جمله‌هایش منسجم و بندهایش محکم. غالب نویسندگانی که روی ما اثر گذاشته‌اند، غیرمستقیم این نکته‌ها را به ما آموخته‌اند که تا می‌توانیم پراکنده‌گویی نکنیم، موضوع اصلی را گم نکنیم، از هر دری سخن نگوییم، کلمات را هوشمندانه انتخاب کنیم، با بازیگری و بازیگری متن منسجم ارائه دهیم و از به‌کاربردن کلمه، جمله و بند غیرضروری پرهیز کنیم. آنان به ما آموخته‌اند برای آنکه خوانندگان لذت ببرند، روی متنمان وقت بگذاریم و کاری کنیم که خواننده درگیر معنی و ترجمه کردن متن نشود و یکسر برود سر اصل مطلب. ما مدیون نویسندگان پیش از خود هستیم؛ زیرا با خواندن هر مطلب، ذره‌ذره توانایی ما بهتر و بهتر نوشتن بیشتر شده است.

آری، ما بر دوش نویسندگان قبل از خود ایستاده‌ایم و همان‌طور که آنان از پیشینیان خود بهره گرفته‌اند، به ما یادآور می‌شوند که با تهیه مطالب پاکیزه و گیرا، به آیندگان خدمت کنیم. این مسئولیتی سنگین است و برای آن باید زحمت بکشیم و از آن مراقبت کنیم. ■



وقتی بچه‌ها انگیزه ندارند



عادل رمضانی پور، معلم، منطقه کوجصفهان، گیلان

← شناخت و تحلیل سطوح انگیزش دانش‌آموزان و اینکه چگونه برای یادگیری برانگیخته می‌شوند، به‌موجب اثربخشی بیشتر فعالیت‌های یاددهی، یادگیری ضرورت دارد و برای ایجاد شرایط تجربه موفقیت آنان ارزشمند است. برانگیختن دانش‌آموز از آن نظر برای معلم حائز اهمیت است که وسیله‌ای برای پیشرفت تکالیف یادگیری محسوب می‌شود. به‌یقین هر معلمی می‌داند که یادگیری کانون اصلی آموزش و پرورش است. اما دانش‌آموزان در چه شرایطی برای یادگیری برانگیخته خواهند شد؟ در این نوشتار بر آنیم که نقش عوامل مرتبط با انگیزش در یادگیری را بررسی کنیم.

ایجاد رویکرد یادگیری مشارکتی

انگیزه مهم‌ترین و اولین شرط یادگیری و پلی ارتباطی بین یادگیری و عملکرد است. در واقع، انگیزش نیروی به حرکت درآورنده فعالیت است که می‌تواند یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر برساند. دانش‌آموزان فاقد انگیزه، نه‌تنها برای یادگیری تلاشی از خود بروز نمی‌دهند، بلکه ممکن است شرایط بی‌توجهی و مزاحمت برای سایر دانش‌آموزان کلاس را نیز ایجاد کنند. قطعاً موفقیت هر معلم در کار تدریس، به استعدادش برای برانگیختن دانش‌آموزان به یادگیری وابسته است. دانش‌آموزانی که برای تکالیف یادگیری سعی نمی‌کنند، برای اهدافی غیر از اهداف یادگیری برانگیخته شده‌اند.

بود. رویکردهای یادگیری مشارکتی و درگیری دانش‌آموزان به‌صورت آگاهانه و همکارانه در فعالیت‌های یادگیری، بر انگیزه درونی آن‌ها می‌افزاید و به لذت‌بردن آن‌ها از انجام فعالیت‌ها کمک می‌کند. در این صورت است که دانش‌آموزان به اهداف بالاتر و موفقیتی بیشتر در یادگیری دست می‌یابند.

هم‌سو بودن اهداف معلمان و والدین و دانش‌آموزان

نقش معلم و مؤثر بودن او در رشد و ایجاد انگیزش در کلاس درس غیرقابل انکار است. انگیزه‌های دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری به‌طور قوی تحت تأثیر اهداف و ارزش‌هایی هستند که معلم، البته با مشارکت

بیشتر مشکلات انگیزشی دانش‌آموزان در کلاس درس به‌صورت تلاش کم، بی‌توجهی، حالت‌های اضطراب و نداشتن اعتمادبه‌نفس خود را نمایان می‌کنند. بدین معنی، هرچه انگیزه یادگیرنده برای یادگیری و آموختن بیشتر باشد، او برای یادگیری تلاش و فعالیت بیشتری می‌کند.

البته محیط‌های رقابتی در کلاس درس عموماً بر انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان آثار زیان‌باری دارند. رقابت نه‌تنها دامنه یادگیری را کم می‌کند، بلکه می‌تواند بر اضطراب باختن نیز بیفزاید. بنابراین، هرچقدر دانش‌آموزان از رقابت افراطی در کلاس دور و در تکالیف گروهی مشارکت کنند، جو کلاس مثبت‌تر و سازنده‌تر خواهد

والدین، آن‌ها را تعیین و دستکاری می‌کند. احساس نیاز به پیشرفت، خودکارآمدی و خودتوانمندی در یادگیری را می‌توان از مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در نظر گرفت. هم‌جهت بودن این هدف‌ها در انگیزش و یادگیری بین معلم، والدین و دانش‌آموز، در ایجاد انگیزش برای یادگیری در فراگیرندگان اهمیت‌تعیین‌کننده دارد. ارتباط دوسویه بین والدین و معلم در رابطه با برنامه‌های مدرسه، پیشرفت دانش‌آموزان و فراهم کردن شرایطی در خانه برای حمایت از یادگیری و علاقه‌های دانش‌آموزان، در انگیزه پیشرفت آنان مؤثر است و هر چه خانواده در فعالیت‌های تحصیلی نظارت و کنترل بیشتری داشته باشد و در فرایند یادگیری فراگیرندگان درگیر شود، فرزندان انگیزه بیشتری برای پیشرفت خواهند داشت. ایجاد انتظارات مثبت در دانش‌آموزان، به خاطر انجام کوشش‌های مداوم و متناسب با توانایی، علاقه و رضایت‌خاطر، برای آنان فرصتی فراهم خواهد آورد که گام‌به‌گام به سمت موفقیت در یادگیری حرکت کنند.

افزایش انگیزش درونی دانش‌آموزان

یادگیری بدون تلاش ایجاد نخواهد شد. با انگیزه کردن فراگیرندگان، راهی است برای تولید روحیه تلاش در آنان. یادگیری اگر به‌صورت بیرونی برانگیخته‌شده باشد، فقط به یادگیری طوطی‌وار ختم خواهد شد. این در حالی است که اگر دانش‌آموزان با انگیزه‌های درونی برانگیخته شوند، غرق یادگیری می‌شوند، درک مفهومی بیشتری از تکالیف را با توجه، تمرکز و اشتیاق تجربه خواهند کرد و از یادگیری خود احساس لذت، کارآمدی و ارزشمندی خواهند داشت.

متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان با انگیزش درونی به مدرسه نمی‌آیند. به همین دلیل است که کوشش‌های آنان برای موفقیت در تحصیل اندک است. با توجه به ارتباط انگیزش با سن، عمده فعالیت‌های پرورشی معلم باید به سمتی حرکت کند که دانش‌آموزان

به تدریج از توجه به انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شوند. انگیزش درونی به مفهوم ارزشمندی خود تکلیف در نزد دانش‌آموز است و به علاقه و تمایل درونی او برای یادگیری اشاره دارد. بدین دلیل، شرایط کلاس درس باید به گونه‌ای همراه با ایمنی و نظم، انگیزش درونی را افزایش و اضطراب را کاهش دهد. اگرچه باید کنجکاوی دانش‌آموزان برانگیخته و به آنان اطمینان داده شود دانشی که کسب می‌کنند مفید است. چنانچه معلم فعالیت‌های آموزشی را با گرمی و هم‌حسی، به فرهنگ و تجربه‌های جاری و روزمره آنان ربط دهد، انگیزش درونی آنان افزایش خواهد یافت. بالابردن سطح رفتار ورودی شناختی فراگیرندگان، ارتقای کیفیت آموزش، ارائه مطالب با سطح چالشی مناسب از آسان به دشوار، از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد انگیزش درونی دانش‌آموزان خواهند بود. استفاده از تحسین و بازخورد بجا که متناسب و وابسته به عملکرد است، می‌تواند نقش مشوق و ایجاد انگیزه درونی داشته باشد. علاقه دانش‌آموزان نسبت به فعالیت‌های یادگیری، با کنترل کمتر معلم، حق انتخاب بیشتر دانش‌آموز و توجه به رویکردهای همیاری در کلاس، افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب، اگر دانش‌آموزان تکالیف یادگیری را با موفقیت تجربه کنند، به تدریج بر علاقه‌شان نسبت به یادگیری درس‌ها افزوده می‌شود و از توانایی‌های خود نسبت به یادگیری و کسب موفقیت و پیشرفت تحصیلی تصویری مثبت‌تر خواهند داشت.



تا انگیزه نباشد، هیچ دانش‌آموزی یاد نخواهد گرفت. به‌یقین، موفقیت معلم در ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های یادگیری وابسته است. برانگیختن برای یادگیری به‌موجب دور کردن کلاس از جو رقابتی به رفقای و همدلی و ایجاد یادگیری مشارکتی به شکلی آگاهانه نسبت به اهداف درسی، در شرایطی که

دانش‌آموزان با هم در فرایند یادگیری درگیر و مسئول یادگیری خود باشند، ایجاد خواهد شد و انگیزش قوی به یادگیری پایدار ختم خواهد شد. هم‌جهت بودن اهداف معلمان، والدین و دانش‌آموزان، اهمیت‌تعیین‌کننده در سطح انگیزش دانش‌آموزان در یادگیری دارد. به‌طوری که هرچه والدین، به‌واسطه ارتباط با مدرسه، از اهداف یادگیری و علاقه‌های دانش‌آموزان آگاه‌تر باشند، سطح انگیزش پیشرفت در آنان بیشتر خواهد شد. چنانچه عمده فعالیت‌های معلم به سمتی حرکت کند که دانش‌آموزان به تدریج از توجه به انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شوند، احساس شایستگی، خشنودی و لذت درونی از انجام فعالیت یادگیری در دانش‌آموزان ایجاد خواهد شد. انگیزش فقط برای ترغیب دانش‌آموزان به فعالیت‌های یادگیری اهمیت ندارد. دانش‌آموزانی که برای آموختن انگیزه دارند، برای یادگرفتن و جذب کردن آن از فرایندهای شناختی عالی‌تری استفاده می‌کنند. تکلیف مهم معلم آن است که بداند چگونه برای حمایت از انگیزش دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و برای ایجاد تجربه موفقیت در آنان پی‌ریزی کند. ■

منابع

۱. حسن‌زاده، حسین؛ مهدی‌نژاد گرچی، کلین. (۱۳۹۳). نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش. روان. تهران.
۲. کارشکنی، حسن؛ محسنی، نیکچهره. (۱۳۹۴). انگیزش در یادگیری و آموزش نظریه‌ها و کاربردها. آوای نور. تهران.
۳. زارع، حسین. (۱۳۹۲). روانشناسی یادگیری. پیام نور. تهران.
۴. پارسا، محمد. (۱۳۹۱). انگیزش و هیجان. پیام نور. تهران.
۵. السون، ام‌اچ؛ هرگنهان بی، آر. (۲۰۰۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. دوران. تهران. ۱۳۹۳.
۶. پروین، کدیور. (۱۳۸۷). روانشناسی تربیتی. سمت. تهران.
۷. مخبری، عادل. (۱۳۹۰). روانشناسی تربیتی. پوران پژوهش. تهران.
۸. شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. جلد اول. سمت. تهران.



تدریس رفاقتی

آموزش خصوصی از طریق مربی همسان آموزی

© ملیحه اصغری، کارشناس پژوهش، ناحیه ۳ قم

پرسیدن نظر یکدیگر و رسیدن به توافق، ایجاد مهارت در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های یادگیری، و دریافت بازخورد برای ارزیابی یادگیری خود است. به‌طور کلی، فعالیت‌های یادگیری توتوریسنگ می‌توانند دانش‌آموزان را از مزایایی مانند پیشرفت تحصیلی، آرمیدگی و مهارت‌های تفکر انتقادی برخوردار کنند. همچنین، این روش، هم برای مربی و هم متربی، فرصت یادگرفتن را فراهم می‌کند.

زایاتا در این خصوص معتقد است، دانش‌آموزان در دوره‌های گوناگون تحصیلی برداشت بسیار مثبتی از این روش یادگیری دارند (Zapata, 2020). انواع متفاوتی از تدریس خصوصی به شیوه همسالان، بسته به توانایی دانش‌آموزان، صلاحیت‌های علمی، مسائل سازمانی، مواد آموزشی و منابع تدریس، ممکن است در کلاس اجرا شوند. به‌طور سنتی، در طول تدریس خصوصی به همتایان، شایسته‌ترین دانش‌آموز از نظر علمی به‌عنوان مربی و پایین‌ترین دانش‌آموز از نظر سطح علمی به‌عنوان متربی ایفای نقش می‌کند. در شرایطی که دانش‌آموزان در طول برنامه تدریس خصوصی به همسالان تغییر نقش نمی‌دهند، یعنی در هر جفت (مربی-متربی) همیشه مربی یک نفر است و متربی همیشه همان نقش را دارد، روش یادگیری، «تدریس خصوصی برای همتایان ثابت» نامیده می‌شود. اما زمانی که دانش‌آموزان نقش‌های خود را ردوبدل می‌کنند، یعنی هنگامی که از معلم خصوصی به متربی تبدیل می‌شوند و برعکس، «تدریس خصوصی متقابل» اتفاق می‌افتد (Youde, 2020).

علاوه بر این، روش‌های تدریس خصوصی همسالان ممکن است با توجه به سن شرکت‌کنندگان طبقه‌بندی شود: تدریس خصوصی همسالانی از یک طبقه سنی؛ تدریس خصوصی میان‌دوره‌ای شامل دانش‌آموزانی از سنین متفاوت. (Zendler and Greiner, 2020). تدریس خصوصی همسان برای افراد مزایای ثابت‌شده‌ای دارد. این فواید به دانش‌آموزان قوی و خیلی ماهر محدود نیست، بلکه دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری و دانش‌آموزان با وضعیت بحرانی در یادگیری را نیز شامل می‌شود.

معلم خصوصی شخصی است که در زمینه یا مهارت‌هایی خاص، به یک یا چند نفر تدریس یا کمک می‌کند. معلم راهنما چند ساعت به‌صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه وقت می‌گذارد تا تخصص خود را در زمینه دانش یا مهارت به دانش‌آموز منتقل کند. تدریس خصوصی می‌تواند با روش‌های متعدد (تدریس خصوصی از طریق معلم، همسالان و والدین) انجام شود. تدریس خصوصی به‌عنوان یک روش غیررسمی و غیرساختاری کمک‌آموزشی ابداع شد و قدمت آن به یونان باستان بازمی‌گردد. در گذشته مدرسان به‌صورت موقت در محیط‌های متنوعی تدریس می‌کردند و هدف اصلی استاد راهنما انتقال دانش به دانش‌آموز بود تا در زمینه موضوع مهارت لازم را کسب کند.

پس از قرن بیستم، روش‌های تدریس خصوصی، از طریق تمرکز و تخصص در آموزش و ارزیابی مدرسان، ساختار بیشتری یافت، (Gardner & etc, 2007) از قرن بیستم به بعد، با گسترش سریع آموزش رسمی، تقاضا برای تدریس خصوصی نیز به‌عنوان راهی برای تکمیل آموزش رسمی افزایش یافته است. در شرایط پاندمی ویروس کرونا و نبود دسترسی به معلم مانند سابق، توجه به گزینه معلم خصوصی برای جلوگیری از افت تحصیلی برخی دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد.

در گروه سنی دوره ابتدایی، مهارت‌های خواندن و نوشتن در کودکان بسیار متفاوت هستند. برخی از کودکان خواندن و نوشتن را با سهولت فرا می‌گیرند. برخی دیگر برای درک درست مفاهیم اساسی، کسب مهارت‌های خاص، اعتمادبه‌نفس و ایجاد انگیزه برای خواندن و نوشتن، به توجه بیشتری نیاز دارند. توتوریسنگ از طریق همسالان، از روش‌های تدریسی است که امروزه، به‌ویژه در مباحث عملیاتی، مورد استفاده معلمان قرار می‌گیرد. ممکن است تدریس خصوصی به‌عنوان یک همکاری و راهبرد یادگیری فعال تعریف شود که در آن دانش‌آموزان در حالی که هم‌زمان یاد می‌گیرند، در گروه‌ها به یکدیگر کمک هم می‌کنند (Alegre & Moliner, 2017).

هدف از اجرای این نوع تدریس، ایجاد مهارت روابط بین‌فردی،

(Huber and Carter, 2019) از دیدگاه دانشگاهی، به نظر می‌رسد تدریس خصوصی هم‌تایان در پیشرفت ریاضیات دانش‌آموزان تأثیر متوسط دارد (Alegre&etc,2018).

طراحی تدریس به شیوه توتورینگ

تدریس مربی همسان نوعی رویکرد یادگیری است که در آن یک دانش‌آموز، دانش‌آموز دیگر را در مورد مطالبی که او خبره است و دانش‌آموز دوم تازه‌کار است، هدایت می‌کند. موضوعات فعالیت‌های یادگیری مهارت‌محور می‌تواند شامل مهارت خواندن، مهارت نوشتن و حساب کردن باشد. وسیله مورد نیاز کتاب درسی است و زمان اجرا ۲۰ تا ۳۰ دقیقه. نحوه نشستن بچه‌ها در کلاس درس به صورت جفت - جفت است. در شرایط فعلی می‌توان برای هر جفت یک گروه در فضای مجازی تعریف کرد و معلم هم می‌تواند به‌عنوان ناظر در کلاس خصوصی مجازی آنان حضور یابد.

مراحل اجرای آموزش به سبک توتورینگ

۱. تصمیم بگیرد دانش‌آموز شما مربی است یا متربی؟
۲. با معلم یک کلاس در پایه بالاتر یا پایین‌تر که برای فعالیت علاقه‌مند است، ارتباط برقرار کنید. به‌طور کلی، دو یا سه پایه بالاتر یا پایین‌تر به‌خوبی در این مورد جواب می‌دهد.
۳. از هر کلاس یک دانش‌آموز را انتخاب و آن‌ها را با یکدیگر ترکیب کنید
۴. برای بحث دانش‌آموزان، یک موضوع یا درس را انتخاب کنید؛ مثلاً الگوها در ریاضی (می‌توانید هر درس دیگری را برای فعالیت انتخاب کنید). موضوعاتی که برای تدریس توتورینگ مناسب هستند، عبارت‌اند از: اعداد و شمارش، شناسایی کلمات، واژگان و مهارت‌های خوانداری.
۵. به هر دو دانش‌آموز توضیح دهید این فعالیت نوعی مکالمه آزاد است و معلم از سؤالات هر دو شرکت‌کننده استقبال خواهد کرد.
۶. از دانش‌آموز پایه بالاتر و دانش‌آموز پایه پایین‌تر بخواهید در مورد یک موضوع خاص به پرسش و پاسخ و ارائه مطلب پردازند.

نحوه ارزشیابی

به دانش‌آموزان بگویید بعد از اتمام تکلیف، هر متربی باید سه چیز یاد گرفته باشد. پس از پایان زمان اختصاص داده شده، از دانش‌آموزان، در مورد سؤالاتی که پرسیده‌اند و فرایند انجام کار، اطلاعاتی کسب کنید. در صورت مثبت بودن نتیجه، مربی هم امتیاز معینی می‌گیرد.



یک گروه معلم خصوصی همسال می‌تواند از لحاظ طبقه سنی، طبقه اقتصادی و اجتماعی، و جنسیت و قومیت متفاوت باشد. این نوع تدریس به‌عنوان مجموعه‌ای از روش‌ها و راهبردها تعریف شده است که در آن دانش‌آموزان از کمک همدیگر برای آموزش‌های شخصی، تمرین، تکرار و شفاف‌سازی مفاهیم استفاده می‌کنند (Utley & etc,2017). در زمان حاضر که شیوع بیماری کووید ۱۹ بسیاری از فرصت‌های کلاس حضوری را سلب کرده است، معلمان می‌توانند از طریق ظرفیت شبکه‌شاد، دانش‌آموزان را به گروه‌های توتور تقسیم کنند و از مزایای آموزش مجازی همسالان بهره ببرند. ■

منابع در دفتر مجله موجود است.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد زنان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد فناوری آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد معلم
- رشد آموزش خانواده

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

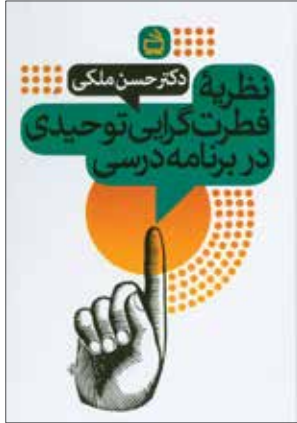
- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی
- رشد آموزش پیش‌دبستانی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش هنر
- رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانش‌جو معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir



نظریه فطرت گرایی توحیدی در برنامه درسی

نویسنده: دکتر حسن ملکی
ناشر: انتشارات مدرسه
سال نشر: ۱۳۹۹

بر اساس سند برنامه درسی ملی رویکرد حاکم بر فعالیت‌های درسی و تربیتی، رویکرد فطرت گرایی توحیدی است. در سال جاری در هر شماره از مجله رشد معلم به این موضوع پرداخته شد. در عین حال، کتاب «نظریه فطرت گرایی توحیدی» در برنامه درسی به قلم دکتر حسن ملکی (استاد دانشگاه علامه طباطبائی) نیز معرفی می شود تا در اشاعه این رویکرد مؤثر باشد. این کتاب شامل پنج فصل است:

۱. کلیات و جهت گیری
۲. مبانی فلسفی نظریه
۳. فطرت الهی، خاستگاه نظریه
۴. مبانی اجتماعی، سیاسی، حقوقی و تفریحی
۵. برنامه درسی فطرت گرایی توحیدی

در فصل پنجم، مؤلفه‌ها و عناصر برنامه ریزی درسی به تفصیل و به صورت کاربردی تبیین شده است. درباره نقش معلم نیز به مباحث گوناگون پرداخته شده است:

- معلم و برنامه درسی فطرت گرایی توحیدی
- معلم به عنوان عامل و الگوی اخلاقی
- معلم به عنوان مسئول و مراقب
- معلم به عنوان تربیت کننده متخصص
- معلم به عنوان انسان اندیشمند
- معلم به عنوان باغبان فطرت

مطالعه این کتاب می تواند برای معلمان و کارشناسان تعلیم و تربیت مفید باشد.



سال جهش تولید

رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد:

الف) مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی. (ب) واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمراه آزمايش كد ۳۹۵ در وجه شرکت افسست، و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳- شماره شبها: IR ۱۸۰ ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۳۹۶۶۲۰۰۰

عنوان مجلات در خواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان:

خیابان:

پلاک:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵-۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۲۳۰۸، ۸۸۴۹۰۱۱۶

Email: Eshterak@roshdmag.ir

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۹۰۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال



نگاه دوربین

جشنواره عکس رشد





روز امور تربیتی و تربیت اسلامی گرمی باد

تصویر آرشیوی است